

Subject _____

Date _____

بسمه تعالی

جزوه مبانی شهرسازی و برنامه ریزی شهری

5 بخش

71 صفحه

P4P

Subject _____

Date _____

بخش اول

16 صفحه

P4PCO

مبانی شهرسازی و برنامه نویسی شهری

۱- طراحی شهری

۲- برنامه ریزی شهری

۳- مدیریت شهری

۴- برنامه ریزی منطقه

تعریف شهر:

۱- تعریف عددی: جمعیت بالای ۲۵۰۰ نفر را شامل می شود. X ← شهرها با جمعیت کمتر وجود دارد.

۲- تعریف تاریخی: بعضی شهرها از گذشته های دور شهر بوده اند.

۳- تعریف حقوقی: با توجه به خدماتی که ارائه می شود در یک شهر این تعریف بیان می شود.

۴- تعریف جغرافیایی: نقشه برداری و مشاهده این مصنوعی که زندگی شهری را ممکن می سازد.

تفاوت شهر و روستا:

۱- اجتماعی و فرهنگی

۲- اقتصادی

۳- کالبدی - فیزیکی

۴- زیست محیطی

نحوہ شکل گیری شہرا:

نظریہ اسوالد اسپنگر:

۱- واحد جغرافیائی، بہ شکل روستا و تصویر از طبیعت

۲- انکار و روگردانی از طبیعت، تبدیل بہ شہر

۳- تفریب کامل طبیعت و رشد سریع، تبدیل بہ مہانشہر

۴- خودکشی شہر

97, 1, 19

نظریہ پاتریک گیس:

۱- نوزاد شہری Epolis ← جوامع روستائی

۲- شہری Polia ← دیوار دور، چند جگہ روستائی

۳- مادر شہری Metropolis ← رشد امکانات

۴- کلان شہری Megapolis ← رشد سریع شہر

۵- تباہ شہری Tyrano polis ← زندگی عذاب آور، غیر قابل تحمل

۶- مردہ شہری Necropolis ← نابودی محیط زیست، مشکلات اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و...

شکل‌گیری هسته‌ی اولیه‌ی شهرها

چهار نظریه در ارتباط با شکل‌گیری سکونت‌گاه‌های انسانی وجود دارد:

۱- آب - هیدروپولیک: آب عامل اصلی شکل‌گیری هسته‌ی اولیه‌ی شهرها می‌باشد.

مانند شهر زاهدان و کرج

۲- بازار: نیاز به داد و ستد ← مانند جاده ابریشم

۳- مذهبی: مثلاً مساجد یکی از عوامل شکل‌گیری شهرها می‌باشند (+ اما مزایده‌ها)

۴- امنیت و دفاع: شهرهایی که قلعه نظامی داشتند، مانند شهرها مبروک

عوامل مؤثر در بررسی شهرها:

۱- شرایط طبیعی یا محدودده‌ی طبیعی شهرها

۲- اجتماعی فرهنگی ۳- اقتصادی ۴- اداری - سیاسی

شرایط طبیعی: موقعیت و مقر جغرافیای شهرها: بیانگر وضعیت است که شهر نسبت به راه‌های ارتباطی

مواد اولیه، منابع انرژی و نیروی انسانی موجود در منطقه می‌تواند باشد.

موقعیت جغرافیایی شهرها:

۱- موقعیت چهارراهی: هوای راه‌های ارتباطی متوجه شهر برای ارتباط شهر با پیرامون و سایر شهرها

من شود. این گونه موقعیت باعث توسعه و گسترش شهر از منظر بازرگانی و اقتصادی می‌شود. هر چه قدر

تظارت و حمایت دولت بر محاوره‌های بزرگ ارتباطی بیشتر باشد، موقعیت آن استوارتر و

بایدارتر است. از جمله موقعیت‌های چهارراهی می‌توان به شهرها در نواحی جلگه‌ای و فلات‌های

پاناهواری که ارتفاع اشاره کرد. مانند اصفهان، پاریس، پراگ و مسکو.

۲- شهرهای رودخانه کناره: شهرهایی که در اطراف رودخانه‌ها توسعه پیدا کرده‌اند. مانند اهواز و لندن.

۳- شهرهای دریا کناره: موقعیت این شهرها در نقطه‌ی تماس و تلاقی دو محیط جغرافیایی ناهم‌پسند

خشکی و آب است. از مزیت‌های شهرهای دریا کناره می‌توان به دسترسی به راه‌های سهل العبور

دریایی اشاره کرد. مانند لندن، بوینس آیرس و هامبورگ.

طرح و نقشه‌ی ساختاری شهرها:

۱- نقشه‌ی آشفته: در نقشه‌ی شهری فکر و اندیشه‌ی انسان به کار گرفته نشده است.

توسعه‌ی راه‌ها، خیابان‌ها و کوچه‌ها به صورت اتفاقی و بی‌ختم‌های بسیار توسعه پیدا کرده‌اند. مانند روستا.

۲- نقشه‌های شعاعی: سابقه‌ی نقشه‌های شعاعی در ایران با دوره‌ی پارتیان و ساسانیان برمی‌گردد.

اغلب شهرها در این دوره به صورت دایره‌ای طراحی می‌شدند که مهم‌ترین دلیل آن امنیت بوده است.

انواع نقشه‌های شعاعی عبارت است از ستاره‌ای، دایره‌ای، بیضی شکل، مربعی و ...

این نوع شهرها ممکن است دارای یک هسته (مانند همدان) یا چند هسته (مانند تهران و کابل) باشند.

معمولاً جرایز زمینی قوس و اجزای در این نوع شهرها رخ می‌دهد.

۳- نقشه‌های شطرنجی: بیشتر برای شهرهای جدید و نوساز می‌باشند (با اندیشه‌ی تفکر افغانی شکل گرفته‌اند).

دسترسی و حمل و نقل در این نوع شهرها آسان نیست. این نوع شهرها باید در سطوح هموار بنا شوند.

۴- نقشه‌های ترکیبی: در نقشه‌های ترکیبی به دلیل توسعه‌ی شهر امکان تغییر در فرم شهرها ایجاد شده است.

عوامل تأثیرگذار در شکل دهی نقشه‌ی شهرها می‌تواند به عوامل فرهنگی، اقتصادی، نظام‌های اجتماعی و

سیاسی و عملکرد شهر و عوامل محیطی تقسیم بندی نمود.

شهر در دوره‌های مختلف تاریخی:

۱- قرون وسطی و شهرهای آن: شهرهای این دوره مربوط به قرن ۵ تا ۱۵ میلادی هستند.

شهرهای دوران قرون وسطی بر اساس منشأ پیدایش به پنج گروه تقسیم می‌شوند؛ سه گروه که به طور طبیعی

به وجود آمده‌اند؛ ۱- مبداء رومی ۲- باروها ۳- در اثر شرایط طبیعی روستاها و دو گروه که به طور رسمی احداث شده‌اند

۴- باستان ۵- شهرهای احداثی جدید.

باستید شهرهای هستند که در انگلیس، فرانسه و ولز احداث شده و هدف اصلی آن‌ها مسکنی

تقاضای بوده است. ویژگی این شهرها: ۱- بر اساس فرم از پیش اندیشیده شده طراحی شدند.

۲- تقسیم اراضی در آن‌ها به صورت سطرنبی بوده است. ۳- انگیزه‌ی سکونت در آن‌ها از طریق

واگذاری یک قطعه زمین خارج از شهر تأمین شده است. ۴- اینگونه شهرها به منظور حفظ

و گسترش عاکتیت در مناطق فتنه خیز ایجاد شده است.

مخولونل شکل گیری شهرها در قرون وسطی و عناصر آن: عامل اصلی در شکل گیری شهرها

مسائل امنیتی و دفاعی بوده است و بعد از آن عوامل تجاری باعث توسعه‌ی آن‌ها شده است.

عناصر شکل دهنده‌ی شهرهای قرون وسطی شامل حصارها، برج، دروازه‌ها، خیابان و قضای تردد،

بازار و قضای تجاری، کلیسا و باغات مخصوص و ساختمان‌ها بوده است. در شهرهای قرون وسطی

در مرکز شهر میدان شکل گرفته و محل برای بازرگانی و استفاده عمومی است. شهرداری شهر در

میدان مرکزی قرار دارد و نیروی انتظامی تحت اختیار شهرداری است.

۴- ساخت و شکل شهر در دوره‌ی رنسانس: از قرن ۱۵ تا ۱۸ میلادی را دوره‌ی رنسانس می‌نامند.

ساخت و شکل شهر در این دوره تحت تأثیر سه گروه معماران نقشه‌بردار، نظریه پردازان شهری و

مهندسان نظامی قرار داشت. از ویژگی‌هایی که در شهرهای دوره‌ی رنسانس نمود بیشتری دارند،

بسیه تعالی

می توان به این موارد اشاره کرده ام توجه به عامل سلامتی انسان بیش از دیگر عوامل

۲- توجه به زیبایی های شهری ۳- توجه به استکلامات دفاعی به منظور افزایش بهره برداری از

سلاح های آتشی و توپخانه

۹۷/۲/۹

ویژگی های شهرسازی دوره رنسانس

۱- ایجاد فضاهای شهری جدید مثل فروشگاه ها و بناهای تجاری بزرگ

۲- ایجاد عناصر شهری جدید مثل ستون و فواره های آب

۳- تبدیل محورهای پر پیچ و خم قرون وسطی به محورهای کوتاه و مستقیم در رنسانس

۴- تقاضای انضباط فضاها در رنسانس در مقابل بی نظمی فضاها در قرون وسطی

۵- تقارن در رنسانس در مقابل عدم تقارن در قرون وسطی

شهرهای ماقبل صنعتی سه دسته هستند

۱- شهرهای فنوئالی ۲- شهرهای تجاری ۳- شهرهای استبدادی

شهرهای فنوئالی: اما حوزه ای پیرامون خود به ویژه مناطق روستایی وابستگی زیادی دارند.

۲- تروتمندان شهری همان زمین داران بزرگ هستند. ۳- جمعیت شهرها بیشتر کارگران کشاورزی هستند.

۴- اقلیت های قوم و مذهب در محلات ویژه (گتو) استقرار پیدا می کنند.

شهرهای تجاری: کارکرد یا نقش غالب اقتصادی این شهرها بر اساس نوع تجارت آن‌ها تعیین

می‌شود. زمانی که یک شهر در یک فعالیت اقتصادی ویژه تخصص می‌یافت نقش آن صنف در اداره

شهرها بیشتر می‌شد. شهرهای تجاری با حوزه‌های روستایی وابسته نبودند، جدا از این‌گونه طبقات اجتماعی

دیده نمی‌شد. فضاها هم مسکونی و شهری وندان هم به عنوان محل زندگی هم به عنوان کارگاه و انبار کالا

مورد استفاده قرار می‌گرفت.

شهرهای استبدادی: در شهرهای استبدادی اداره امور شهر در دست یک فرد یا یک خانواده بود، برخلاف

شهرهای فئودالی قوانین سخت‌نقشه برداری و شهرسازی در برنامه‌ریزی شهرها رعایت می‌شد، به نحوی

که تعداد طبقات و ارتفاع ساختمان‌ها، خیابان‌ها توسط همین قوانین تعیین می‌گردید.

شهرهای عصر صنعتی: از قرن 18 میلادی و در انگلستان شکل گرفتند. آن‌ها به بافت توسعه‌ی

شهرها در دوره‌ی صنعتی شد، توسعه‌ی روش‌های حمل و نقل به ویژه راه آهن به کمک علم

نقشه برداری بود. تأثیراتی که عصر صنعتی به دنبال داشت، عبارتند از تراکم بیش از حد جمعیت در

شهرها، استقرار کارخانه‌ها و ایستگاه‌های راه آهن در بخش مرکزی شهرها، شکل‌گیری مناطق

فقیرنشین کارگری در اطراف مراکز صنعتی و تجاری با حداقل بهداشت، دو قطبی شدن تدریجی شهرها.

ساخت فیزیکی شهرها در دوره‌ی صنعتی:

۱- تراکم بالای جمعیت در حومه‌ی شهرها ۲- طرح منظم شهری با نقشه برداری‌های ویژه در قسمت شرقی و غربی

شهر و عدم رعایت نظم و انضباط در مناطق فقیرنشین

شهرنشینی در دوران اسلام: سه عنصر مشخص داشتند:

۱- مسجدی که مهم‌ترین مشخصه‌ی شهر و وجه تمایز شهر از روستا

۲- بازار: در دوره‌ی اسلام به علت وسعت فتوحات ارتباط بازرگان ویژه‌ای بین شهرهای فتح شده

در سراسر دنیا، اسلام شکل من‌گرفت و عامل شکل دهنده و توسعه دهنده‌ی اصلی شهرها بازار بود.

۳- محله: بر مبنای طایفه و قوم شکل می‌گرفت. محله تبلوری از ادغام سه جامعه‌ی دینی یهودی، مسیحی و شهری بود.

* شهرهای اسلام بر اساس تفکر برادری و برابری ساخته می‌شدند.

نحوه‌ی مطالعه‌ی وضع موجود شهر در طرح‌های مختلف مطالعاتی:

۱- بررسی‌های طبیعی و جغرافیایی ۲- بررسی‌های تاریخی ۳- بررسی‌های جمعیتی و عوامل اجزای

۴- بررسی‌های اقتصادی ۵- بررسی‌های فیزیکی ۶- تجهیزات و تأسیسات شهری

۷- ترافیک و شبکه‌ی شهری

بررسی طبیعی و جغرافیایی: عوامل جغرافیایی که در کاربرد فیزیکی شهرها تأثیرگذارند بررسی می‌شود. این

عوامل عبارتند از: ۱- بررسی پوشش گیاهی ۲- بررسی آب‌های سطحی ۳- بررسی آب‌های زیرزمینی

۴- بررسی وضعیت زلزله در سطح منطقه ۵- موقعیت ریاضی و عمومی شهر ۶- توپوگرافی و جهات

سبب زمین و سبب ۷- خطوط هم‌تراز ارتفاعی ۸- بررسی ارتفاعات از نظر دید و منظر ۹- بررسی

عوامل اقلیمی و شناخت نوع اقلیم منطقه ۱۰- نقش اقلیم در توسعه‌ی شهر

۹۷/۲/۱۲

مطالعات تاریخی:

۱- پیدایش اولیه و نقطه‌ی اولیه‌ی ایجاد شهر

۲- بررسی عواملی که پس از پیدایش مستعمری اولیه‌ی شهر در توسعه و رشد آن یا در زوال آن

تأثیرگذار بوده‌اند.

۳- بررسی نقش (کارکرد) های مختلف در ادوار تاریخی

۴- تأثیر کارکردهای مختلف شهر بر شبکه‌بندی معابر و بافت شهر و تراکم ساختمان‌ها تأثیرگذار

بوده‌اند.

۵- بررسی وجه تشبیه شهر

۶- بررسی آثار تاریخی و باستان‌ها که در تغییرات جدید شهر بایستی حفظ گردند.

۱- بررسی این که شهر به مکان اولیه خود وابسته است یا به سایر مکان ها وابستگی دارد.

بررسی جمعیت و عوامل اجتماعی :

۱- بررسی رشد جمعیت طی سال های مختلف

۲- بررسی مهاجرت فرستی و مهاجرت پذیری

۳- بررسی تعداد خانوار یا بعد خانوار (متوسط اعضای هر خانوار)

۴- بررسی تعداد بیکارها در خانوار

۵- بررسی توزیع جنسی

۶- بررسی توزیع سنی

۷- مذهب

۸- پیش بین جمعیت

بررسی اقتصاد شهر و منطقه :

۱- بررسی ساخت اقتصادی منطقه

۲- بررسی میزان تولیدات ناخالص داخلی

۳- بررسی رابطه ساخت اقتصادی منطقه با بخش های صنعتی، کشاورزی و خدماتی

۴- بررسی تورسیم و جهانگردی

۵- بررسی هزینه‌های خانوار

۶- بررسی ارزش افزوده و فعالیت‌های اقتصادی

۷- درآمد خانوار و توزیع آن ^{بررسی}

۸- بررسی قیمت اراضی

بررسی‌های غیرمستقیم

۱- مطالعات کاربری زمین و نحوه استفاده از اراضی

۲- بررسی الگوی استفاده از زمین

۳- ارزش زمین

۴- مطالعه گرایش مردم نسبت به نوع و مصرف زمین

۵- تأمین سرمایه‌گذاران در زمین و بازگشت آن

۶- بررسی بافت شهری و ویژگی‌های معماری و مطالعات انواع آن

۷- بررسی بافت فرسوده‌ی شهر

۸- بررسی حاشیه‌نشینی

۹- بررسی عوامل طبیعی و جغرافیایی در معماری شهر

۱۰- تأثیر متقابل مناطق قدیمی و جدید شهر با عوامل اجتماعی

۱۱- بررسی ویژگی‌های مسکن و آمار مربوط به آن

۱۲- تقسیم‌بندی شهر به مناطق مختلف و مطالعه عوامل اجتماعی فرهنگی، اقتصادی در شکل‌گیری آن‌ها

۱۳- بررسی نسبت تعداد خانوار به واحد مسکونی

۱۴- بررسی عمر واحد مسکونی

۱۵- بررسی تعداد اتاق در هر واحد مسکونی

۱۶- بررسی تراکم ساختمانی

۱۷- مساحت زیربنا و تعداد طبقات

۱۸- بررسی ارتفاع ساختمان

بررسی تأسیسات و تجهیزات شهری :

آب، برق، گاز، مخابرات، آتش‌نشانی، بیمارستان، آرامستان و ...

مطالعات ترافیک و شبکه‌های حمل و نقل شهری :

۱۹- بررسی ارتباط منطقه‌ای شهر

۲- مطالعه پارکینگ ها و توقف گاه های شهری

۳- بررسی سیستم حمل و نقل عمومی شهر

۴- بررسی حجم ترافیک در شبکه های معابر شهری

نقشه های که در فرآیند تهیه و مطالعات شهری باید تهیه شوند:

۱- نقشه زلزله و گسل ها

۲- نقشه توپوگرافی

۳- نقشه موقعیت شهر نسبت به شهرستان ، استان و کشور

۴- نقشه گسترش ادوار شهر

۵- نقشه موقعیت بافت ها و ساختمان های شهری

۶- نقشه خاک

۷- نقشه تقسیم بندی مناطق شهری و محلات آن

۸- نقشه کاربری اراضی

۹- نقشه تراکم ساختمان ها

۱۰- نقشه پراکنش تأسیسات و خدمات شهری

== بسطه عالی ==

۱۱- نقشه‌های راه‌های شریانی درجه یک و دو و آزادراه‌ها و بزرگراه‌ها

۱۲- نقشه‌های خطوط اتوبوسرانی و ترمنال‌ها و بنگاه‌های مسافری

انواع طرح‌های شهرسازی و برنامه‌ریزی شهری :

۱- طرح‌های

۲- طرح‌های تفصیلی

۳- طرح جامع شهری

۴- طرح کاربری‌های منطقه‌ای

۵- طرح‌های موضوعی و موضعی

۹۷، ۲، ۲۳

طرح جامع شهری : طرحی است که توسعه‌ی آینده‌ی شهرها برنام‌ریزی و برای جهت‌های توسعه‌ی

آینده‌ی کاربری و نقشه‌های آن پیشنهادی شده‌اند. اساس طرح‌های جامع قرار داد تبیین 12 می باشد.

مواردی که در این گونه طرح‌ها بحث و بررسی می‌شوند عبارتند از: ۱- شرایط جغرافیایی، اقلیم و محیط

زیست‌شهر ۲- اقتصاد شهر ۳- عوامل اجتماعی و فرهنگی ۴- نقش شهر در جوار خوب برنامه‌ریزی منطقه‌ای

۵- مسائل سیاسی - اداری - مدیریت ، خروجی طرح‌های جامع شهری نقشه‌های پیشنهادی توسعه‌ی

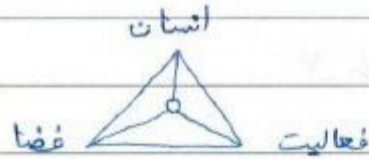
شهر و کاربری اراضی به صورت کلی است.

بیوست‌های اضافه شده به طرح‌های جامع شهری : ۱- بیوست پرفاوند غیر عامل ۲- بیوست مدیریت بران

طرح آمایش سرزمین؛ طرح آمایش سرزمین از سه مؤلفه اصلی انسان - فضا - فعالیت

تشکیل شده است. واژه آمایش از مصدر آمدن به معنای آمادگی یا آماده بودن می باشد. در حقیقت

طرح آمایش سرزمین استراتژی و راهبردهای اصلی توسعه را بآید در سایر سطوح برنامه ریزی را مشخص



می کند.

Subject _____

Date _____

بخش دوم

7 صفحه

P4PCO

ز استخوان بندی شبکه شهری در زمان شهر و سوس در دوره نئولیتیک (شکلها) دوره است *

زندگی شهری در دوره های تاریخی ۱۴۱

سرمایه عمومی و در نتیجه به وجود آمدن بناهای یادبود و مقبره ها بود که قشر جدیدی از جامعه یعنی کاهنان بر آن حاکمیت داشتند. این پیامد نیز قشرهای دیگری را در جامعه مثل هنرمندان، صنعتگران و معماران به وجود می آورد. با فعالیت تمام وقت این هنرمندان، مخارج زندگی آنها از طرف معابد یا پادشاهان تأمین می شد.

۴. نگارش و علوم. در سکونتگاههای شهری، نیاز به ثبت امور مختلف در سازمانهای اجتماعی، مقدمه به وجود آمدن ریاضیات بود که هر دو با تمدن شهری، پیوندی نزدیک داشت.

۵. تجارت. آخرین عامل مهمی که شهر را از روستاهای قدیمی جدا می ساخت، تجارت بود که به شبکه ای از مسیرها و راههای تجاری وابسته بود و این شبکه راهها به منزله استخوان بندی شهر و نواحی شهر نشین محسوب می شد. ✓✓✓✓
در سالهای اخیر در رشته جغرافیای شهری، هنگام بررسی علل پیدایش شهرها بیشتر بر چهار نظریه تأکید می شود:

۱. نظریه هیدرولیک یا مبنای محیط گرایی: مفهوم مازاد تولید

یک اصل مهم در تاریخ اقتصاد این است که تمدن واقعی بشر، تنها در بخشهایی از نواحی جغرافیایی که دارای آب و هوای مساعد و خاک حاصلخیز بوده، ظاهر شده ✓
است. در این نواحی جغرافیایی، با مازاد تولید انسان می توانست باز هم برای تولید بیشتر تلاش کند و نه تنها برای بقای خویش با مشکلاتی مواجه نمی شد، بلکه با فعالیت بیشتر، می توانست به توسعه اقتصادی مورد نظر نیز دست یابد. در دوره نئولیتیک جدید، ✓
اوضاع مساعد طبیعی به بخشهای محدودی اختصاص نداشت، بلکه نواحی وسیع و گروههای انسانی بسیاری را در بر می گرفت. این عده همه جا با بهره گیری از اوضاع مساعد طبیعی به مازاد محصول دست یافتند. بتدریج در میان آنها شغلهای تخصصی به وجود آمد و باعث توسعه اجتماعی شد و در پی این تحولات، شهرهایی به وجود آمد و سیر مدنیت راه تکاملی پیمود.

توسعه کشاورزی - که باعث به دست آوردن مازاد محصول می شود - تا حد

نظریه هیدرولیک ...
 تقسیم کار ...
 دیدگاههای نو در جغرافیای شهری ۱۴۲

بسیاری به یک سیستم آبیاری پیشرفته و همه این موارد به سازمانهای اجتماعی و سیستمهای اداری بستگی دارد. وجود این تحولات از ویژگیهای شهر به شمار می رود و پیامد تحولات مذکور به یک نوع سازمان یابی شهری منجر می شود:

الف) به وجود آمدن قشر بندهای اجتماعی؛

ب) تخصص یافتن در شغلهاى مختلف؛

ج) به وجود آمدن سازمانهای اجتماعی.

به طوری که ملاحظه می شود نظریه هیدرولیک در پیدایش شهرها به تفسیر اکولوژیک از شهرنشینی بسیار نزدیک است؛ بدین سان که براساس این نظریه، آبیاری زمینهای قابل کشت، افزایش جمعیت و تراکم آن در نواحی مساعد طبیعی، باعث پیدایش شهرها می شود.

در شهرهای سومری برای نگهداری نیروی نظامی، از ثروت و درآمد شهرها استفاده می شد و ثروتها و درآمدهای شهری نیز از جاصلخیزی خاک و وجود یک سیستم منظم آبیاری به دست می آمد. سیلابهای منظم بهاری، با سدها و کانالهای مهار شده، به بخشهای مورد نیاز می رسید. این سیستم آبیاری در به دست آوردن (مازاد) محصول بسیار مؤثر بود. سومریها با آگاهی از روشها و تکنیکهای آبیاری، به مازاد محصول دست یافتند و عالیترین تمدن شهری را با امتیازاتی که از آن حاصل می شد بنا نهادند. طرفداران نظریه نقش هیدرولیک در پیدایش شهرها در دفاع از نظریه خود به این نکات اشاره کرده اند:

الف) در کشاورزی هیدرولیک، همواره نوعی تقسیم کار به وجود می آید؛

ب) کشاورزی هیدرولیک، کشت زمین را افزایش می دهد؛

ج) در کشاورزی هیدرولیک همکاری و تعاون بسیار ضروری است؛

د) به موازات توسعه کشاورزی، دفاع و تشکیل نیروی نظامی لازم است.

به موازات مازاد تولید و تمرکز جمعیت در یک مکان، تعاون و همکاری و

1. "Urban Origins", *Progress in Human Geography*, Vol.1, No.1, p.19.

« شهر مرکز ناحیه ج. باعث می شود تجارت در داخل ناحیه ای آسان شود »

زندگی شهری در دوره های تاریخی ۱۴۳

دیوانسالاری و مدیریت برای سامان بخشی به امور ضرورت پیدا می کند که همه اینها در نهایت به یک مرکز قدرت فعال نیاز دارند؛ در نتیجه برای اداره این سازمانهای اجتماعی، نیروی سیاسی به وجود می آید. پیامد تقسیم کار، تمرکز قدرت و ساختن ادارای، زمینه ای برای پیدایش شهر فراهم می آورد. ساختمانهای بزرگ، معابد و بناهای یادبود ایجاد می شود و کاهنان، شاهزادگان، کاتبان و صنعتگران هر کدام در سازمان اجتماعی شهر وظیفه ای بر عهده می گیرند که در روستاها سابقه نداشته است.

برخی از طرفداران نظریه هیدرولیک در پیدایش شهرها معتقدند گذر از کشت بارانی به سیستم آبیاری، در تاریخ همواره با رشد سریع جمعیت، تمرکزگرایی، ساختن بناهای یادبود، قشر بندیهای اجتماعی و گسترش یافتن جنگلها همراه بوده و بدین ترتیب سکونتگاههای شهری به وجود آمده است.^۱

می توان گفت در (بررسیهای شهرنشینی بر مبنای مآزاد محصول، مسأله آبیاری) از عوامل اصلی پیدایش شهرها و توسعه شهرنشینی است. (

۲. نظریه اقتصادی: شهر به عنوان یک بازار

در نظریه های اقتصادی، شهر مرکز مبادله کالا و کانون اصلی تجارت شناخته می شود. شهر به عنوان مرکز یک ناحیه جغرافیایی باعث می شود مبادلات تجاری در داخل ناحیه، همواره در مرکز آن صورت گیرد و تجارت راه دور نیز در آن متمرکز می شود.

در این نظریه شهر کانون برخورد مسیرهای تجاری به شمار می آید که در بخش بازار این مسیرها به هم می رسند. برای حفظ ثروت شهر و امنیت تجاری آن، اطراف شهر، برج و بارو می سازند تا دفاع از آن امکانپذیر شود. عده ای از محققان نه تنها اساس شهرهای اولیه، بلکه شکل گیری بسیاری از شهرهای قرون وسطای اروپا را در قلمرو تجاری آنها جستجو می کنند. این عده تا آنجا پیش می روند که تمدن انسان را زاده غریزه تجاری انسان می دانند.

1. Loc.cit.

نمونه شهر نظریه سداسی شهر برشته‌ی بربت شهر جاتال هیوک در آناتولی مرکزی است
 * (طرفداران این نظریه معتقدند مستقیماً زندگی بر مبنای سبک را آغاز شده و در نهایت به شهر شهری رسیده)
 دیدگاه‌های نو در جغرافیای شهری ۱۴۴

در این نظریه، توسعه کشاورزی تحت تأثیر رشد و توسعه شهری قرار می‌گیرد؛ بدین سان که با کشاورزی، هم مواد غذایی مورد نیاز شهر تأمین می‌شود و هم مواد اولیه و خام کارگاهها و صنایع تولیدی شهر فراهم می‌آید. این نظریه را نه تنها به زمان گذشته، بلکه به زمان ما نیز تعمیم می‌دهند. طرفداران نظریه پیدایش شهرها در نتیجه عامل تجاری معتقدند حدود سال ۹۰۰۰ ق.م. تجارت محلی با گروههای شکارچی مجاور، باعث پیدایش شهرها شده است. در آغاز، تجارت این مراکز شهری، حیوانات زنده و انواع دانه‌ها بود. موقعیت بازار، شکل اصلی شهر را نشان می‌داد و در یک فضای بزرگ، معامله پایاپای شهروندان و بازرگانان نواحی مجاور صورت می‌گرفت. (میدان معاوضه کالا، تنها فضای باز شهری بود. طرفداران این نظریه، جاتال هیوک را نمونه‌ای از این قبیل شهرها می‌دانند که در دوره نئولیتیک در آناتولی (ترکیه) قرار داشت و تاریخ آن حدوداً به سال ۷۵۶۰ ق.م. برمی‌گردد. تعدادی از مردم شهر از شکارچیان و هیوچه‌چینان قدیمی بودند؛ اما شهر مرکز تجارت بود و اقتصاد محلی به آن بستگی داشت. در کنار تجارت، دسترسی به معادن نیز امکانپذیر بود. صنایع دستی و انواع هنرها رواج داشت. با توجه به شغل عده‌ای از مردم شهر، طرفداران این نظریه معتقدند تمدن انسان، بدون گسیختگی مستقیماً از زندگی بر مبنای شکار آغاز شده و در نهایت به تمدن شهری منتهی شده است.

۳. نظریه شهر به عنوان یک پایگاه نظامی و دفاعی

در این نظریه، عده‌ای از مردم ضرورتاً برای دفاع از سکونتگاههای خود دور هم جمع می‌شدند و مسأله دفاع، هسته اولیه شهر را به وجود می‌آورد. (جاتال هیوک نمونه‌ای از اینگونه شهرها بود. در این شهر، ردیفی از واحدهای مسکونی، شکل حلقه‌ای شهر را ایجاد می‌کرد که ورود به آن تنها از طریق پشت‌بام خانه‌ها ممکن بود. بدین سان همه شهرهای اولیه - یا دست کم بیشتر آنها - در داخل دیوارهای شهری ایجاد می‌شد و به برج و باروها مجهز بود.

(جاتال هیوک نمونه شهر دفاعی و شکارچی است)

1. Catal Huyuk

2. George and Mckinley; *Urban Ecology*; p.30.

در برابر نظریه دفاعی در پیدایش شهرها، عده‌ای از محققان معتقدند مسأله دفاع در شهرها - البته نه در همه آنها - مهم به نظر می‌رسد؛ اما لازم است ابتدا در یک مکان، زمینه‌های مساعدی برای زندگی دسته‌جمعی فراهم شود تا دفاع از آن نیز ضرورت یابد. شاید بتوان این نظریه را چنین توجیه کرد که در شهرها از همان آغاز پیدایش باید به مسأله دفاع توجه می‌شد و به موازات تجمع مردم و ایجاد سازمانهای شهری، مسأله دفاع نیز اهمیت بیشتری می‌یافت.

۴. نظریه مذهبی: گسترش معابد و عبادتگاهها

بیشتر محققانی که درباره نقش عامل مذهبی در پیدایش شهرها به تحقیق پرداخته‌اند، در میان ادیان بیش از همه بر ارتباط دین اسلام با توسعه شهری تأکید می‌کنند. بسیاری از جغرافیدانان و تاریخ‌نگاران اسلامی نظیر ابن خلدون، هنگام بحث درباره شهرنشینی، به تفاوتهای (دو) سیستم فرهنگی قبل و بعد از اسلام اشاره می‌کنند:

✓ الف) سیستم فرهنگ بادیه‌نشینی - کوچ‌نشینی که قبل از اسلام در بیشتر نقاط عربستان دیده می‌شد؛

✓ ب) سیستم فرهنگ شهری که با ظهور اسلام در همه جا گسترش یافت.

هنگام گذر از فرهنگ بادیه‌نشینی - کوچ‌نشینی، به فرهنگ شهری، ایجاد سازمانهای اجتماعی ویژه‌ای ضرورت می‌یابد که فرهنگ اسلامی بیش از دیگر ادیان، بر این سازمانهای اجتماعی تأکید می‌کند. در اینجا این سؤال پیش می‌آید که هرچند دین اسلام، باعث رونق یافتن شهرنشینی و پیدایش بعضی از شهرها شده است، آیا می‌توان عامل مذهب را در پیدایش شهرها یک عامل تعیین کننده به شمار آورد؟ عده‌ای معتقدند عامل ناسیونالیسم در مرحله تغییر اجتماعی، عامل اساسی محسوب می‌شود؛ بدین سان که نقش اجتماعی ناسیونالیسم، یک منطقه خاص اجتماعی را در جامعه گسترش می‌دهد که پیامد آن، دگرگونی در سطح جامعه است. ناسیونالیسم در شهرها به وجود می‌آید و بعد به حوزه‌های روستایی می‌رسد. در مرحله گسترش بتدریج گروههای اجتماعی در یک قالب واحد به هم پیوند می‌خورند. با توجه به نقش ناسیونالیسم،

طرفداران نظریه مذهبی در پیدایش شهرها معتقدند عوامل مذهبی در به هم پیوستن گروه‌های مختلف اجتماعی در سکونتگاه‌های مختلف انسانی و نیز در تمرکز جمعیت و پیدایش شهرها، بویژه در دوره‌های قدیم بسیار مؤثر بوده است؛ چنانکه در بسیاری از شهرهای اولیه، قدرت اصلی در دست کاهنان شهر بود و این کاهنان با انجام دادن آیینهای مذهبی، عوامل زیانبخش طبیعی را از جامعه شهری دور می‌کردند. در این دوره‌ها معابد از چشم‌اندازهای ویژه شهری به شمار می‌رفت و مازاد تولید، به دستور کاهنان، یا در انبارهای شهر ذخیره می‌شد و به مصرف می‌رسید، یا با تولیدات سکونتگاه‌های مجاور مبادله می‌شد. بدون شک، عامل مذهب از عوامل اصلی در پیدایش و توسعه شهرنشینی در دوره‌های قدیم بوده است.

نتیجه‌گیری از نظریه‌ها

۱. مازاد تولید، وجود کارگاه و دسترسی به معادن، شاید بیش از دیگر عوامل در پیدایش شهرها، یا در دوران کودکی شهر مؤثر بوده است. به موازات عامل مازاد تولید، نیاز به معابد، مسأله دفاع و ساختن بناهای یادبود ضرورت یافته است؛ البته این نظریه را نمی‌توان در پیدایش همه شهرهای اولیه عامل تعیین کننده به شمار آورد.
۲. در همه نواحی جغرافیایی دنیای قدیم هنگامی که گروه‌های انسانی از مرحله میوه‌چینی به مرحله تولید مواد غذایی رسیدند، زمینه‌های مساعدی برای پیدایش شهرها به وجود آمد؛ اما مذهب نیز باعث پیدایش برخی از شهرها شده است.
۳. در دنیای قدیم در سه ناحیه جنوب غربی آسیا، چین و هند و در آغاز دوره مسیحیت در دو ناحیه دنیای جدید، امریکای مرکزی و پرو، تمدن شهرنشینی ظاهر شد؛ در حالی که در بقیه نواحی جهان، بعداً به وجود آمد.
۴. در آغاز، تمدن شهری در بین‌النهرین و مصر ظاهر شد، سپس به طرف مشرق به حوزه سند و بعد از آن به جنوب شرقی آسیا رسید. گسترش شهرنشینی به سوی غرب، در آغاز به ناحیه کرت و یونان، سپس از طریق مستعمرات یونان و سازمانهای رومی به سراسر اروپا راه یافت. بعد از این مراحل، تمدن شهری به اروپای جنوبی و غربی نفوذ

« بِنْتُ نَسَبٍ : عصر حجر بدیم غارنشین است سکونتگاههای انسان ها بود است »

زندگی شهری در دوره های تاریخی ۱۴۷

کرد و از طریق اقیانوس اطلس به امریکای جنوبی و شمالی رسید.
۵. عده ای از محققان معتقدند زمانی که معبد در مکانهای پرجمعیت ساخته شد، بتدریج تأسیسات شهری و تقسیم کار به وجود آمد و روستاهای سابق، کارکرد شهری پیدا کردند. مازاد تولیدات کشاورزی نیز همواره در انبارهای غله معباد مصری ذخیره می شد تا در روزهای قحطی در اختیار مردم قرار گیرد.

آغاز زندگی شهری

انسان پالئولیتیک به صورت کوچ نشینی، زندگی خود را از راه شکار، میوه چینی و ماهیگیری تأمین می کرد. پالئولیتیک (عصر حجر قدیم) تقریباً ۱۰ هزار سال پیش پلکان گرفت. در این دوره، غارنشینی اساس سکونتگاه انسانها بود و معتقدات آنها بر پایه سحر و جادو قرار داشت.

انسان عصر حجر قدیم بتدریج به زندگی خانوادگی، گروهی و قبیله ای روی آورد و براساس مقتضیات فصلی در یکی از اقامتگاهها به زندگی جمعی پرداخت تا از گزند حوادث طبیعی مصون بماند. اقامتگاههای انتخابی، بیشتر در کنار رودها، باتلاقها و خلیج های کوچک به وجود می آمد؛ آنجا که دسترسی به ماهیگیری و آب مشروب امکانپذیر بود. این اقامتگاهها همه اقامتگاههای فصلی بودند.

در طی زمان، به دلیل آب و هوای مساعد و خاک حاصلخیز، بتدریج زندگی روستائینی با پرورش گیاه و دام ظاهر شد. در حدود ۱۵ هزار سال پیش با پرورش گیاهان، تولید اولین محصولات کشاورزی مثل خرما، زیتون، انجیر، سیب و انگور، میزان وابستگی گروههای انسانی را به شکار و میوه چینی کاهش داد و در حدود ۱۲ هزار سال پیش، اهلی کردن حیواناتی مثل گوسفند و گاو و بعد از آن، الاغ و اسب عملی شد. این تحولات، منابع ذخیره غذایی را برای ادامه حیات گروههای انسانی فراهم ساخت. پیامد این تحولات نیز به وجود آمدن سکونتگاههای روستایی بود. از این زمان به بعد، گندم و

1. Northam, Ray M.; *Urban Geography*; p.23.

Subject _____

Date _____

بخش سوم

20 صفحه

P4PCO

1

Subject
Date

« هبانی برنامه نری شهری »

« شهرت بهینه ترین مصفوع که بشر آن اخلوی کرده است »

هدف در شهرت زندگی انسان بر محور تعالی - حقوق انسان حمایت شود - ارتباط اجتماعی همسر شود -

تولید همسر شود (شکل گیری اقتصاد) - نظم بر اساس قوانین صورت پذیرد - محیطت کلری می رود

« در شهرها انواع روابط سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و... سبب افزایش سرعت در تغییر می شود که این امر در صورت

کفالت و همین سرعت سبب تبع در پیچیدگی روابط می گردد

« انسان در شهر در برابر تغییر عوامل عقب می ماند اما در صورت اینگونه نیست »

« در شهر امکان رشد بیشتر ذهن باعث پیچیده تر شدن روابط می شود »

« اگر تکنیک عوامل در شهر پیچیده است اما در صورت سازماندهی عوامل ذاتی است »

« سرعت تغییر قیمت ها در شهر بسیار زیاد (مخصوصاً زمین) و این باعث تراکم عراضی است و صنایع های ناشی از

همچنین نقش تعیین کننده بر اقتصاد شهری دارد »

تعریف شهرت محیط زندگی و فعالیت اقتصادی و فرهنگی و اجتماعی انسان هاست به نحوی که محیط را نظام هندسکی دهد و در آن

محیط کالبد شهری که در گذشته ای جریان های اقتصادی، روابط اجتماعی، شیوه های تولید و... می باشد می توانم تا به

در سرنگامی عناصر موجود با سیاست شهری به نحوی عجیب شدند و مدیریت شهری لازمه همان حالت است. آنچه که در شهری اخیریم نخست تراکم قابل توجه اسکانهاست (بین ۵۰۰۰۰ تا ۱۰۰۰۰۰ نفر در ایران) و دوم اقتصاد شهری شکل گیری نمود و سوم روابط اجتماعی از حالت محلی خارج شود چهارم در صورت وجود سازمان های اجتماعی و اقتصادی پیچیدگی های آن ها محدودی برسد که سازمان اداری - سیاسی را طلب نماید در این صورت مدیریت شهری تحت عنوان شهرداری پایه عرضه شهری می گذارد.

* نظام کالبدی - فضایی :

۱- شهر در منطقه : روستا

۲- ساحل طبیعی شهر

۳- گتوهای تاریخی : ۱ گتوهای تاریخی ۲ محورها تاریخی

۴- محدوده های شهر : ۱ محدوده اول ۲ محدوده دوم ۳ محدوده سوم

۵- الگو توزیع فضا های شهری : ۱ الگو محدوده گتوهای بار ۲ الگو کانول های شهری

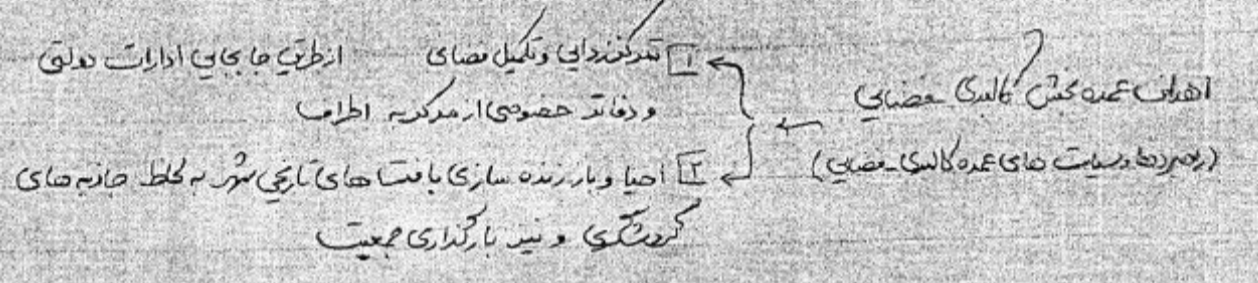
۶- تباری عناصر اصلی سازمان کالبدی : ۱ نشانه ها و نمادها ۲ نشانه ها

۳ نشانه ها و نمادها : ۱ نشانه های شهری ، طبیعی ، انسان ساخت ، عملکردی ، فانه های شهری
۲ نشانه ها : ۱ نشانه های ناشی از حرکت سواره ، گره های فعال محله ای ، کلیدها

۷- مضامین عمومی سرور: این مضامین در قوانین و مقررات و مصاهای فرائض

۸- قسمت ها و تنگناهای عمده نظام کالبدی درست

۹- اهداف، راهبردها، سیاست های اقوام:



کالبد (ساختار): عنصر کالبدی با تعریف نقاط عطف، امکان درک ساختار را موجب می شود

① عنصر کالبدی تعریف فعالیت ها را سرعده دارند به تجاری، فزونی، سیاسی، آموزشی و نظامی و...

② اشکال مختلف بافت سه برزانه، درست دانه، ویلایی، آپارتمان نشینی، سطحی، درون گرا تاریخی

③ بیوتنی و کسب و کاری بافت ها

④ تنوع عناصر کالبدی در میدان قانون گذاری

⑤ عدم برداشته در ساختار کالبدی - مضامین مطرح و نه اجرا درمی آید

⑥ مزه مداخله مستقیم مکانی است که تمام عملیات عملی و اجرایی در آن انجام می گیرد

⑦ اعتبار تخصیصی برای پروژه در آن جا هزینه می گردد



صفات اصلی شکل دهنده فضا

تعریف کالبد: کالبد یکی از عناصر چهارگانه شکل دهنده فضا است که در پایه ای به نام طبیعت شکل می گیرد؛
 با اراده مستقیم انسان به منظور سکونت، فعالیت زندگی و انواع فعالیت های تزیینی دارنده در شهر
 در کالبد اشکال مختلفی از بافت های سیم که هم دارای تنوع، هم دارای وحدت و هم دارای گستردگی بوده و
 میزان پیوستگی و گسستگی آن ها تابعی است از رابطه فضایی عناصر شهری نسبت به هم میگیرد.

کاربری زمین: با عمل یا هدف خاص از آن، زمین یک مصرف داشته و انسان قلمروی گیرد
 همپای انسانی
 * هویت زمین: فضای سبز، اراضی کشاورزی، اراضی بایر، جنگل ها و ...

دایره کاربری زمین: مشخص می کند که چه نوع فعالیت هایی، در چه زمان و مکانی، چگونه، چه مقدار و چرا قرار می گیرند.
 منطقه شهری: دایره بدون یک محدوده یا منظمه - مرزهای معینی از یکدیگر مشخص کند - آن منطقه نفس بند نباشد
 زمین ملی ارزش های مهم شهر را به خودش اختصاص میدهد - انواع توسعه آینده شهر را شکل می دهد - برنامه ریزی

کاربری
 تزیینی زمین مسیر یا سیم - خدمات شهری منظور شود - کارکردهای داخلی شهرها میسر شود
 (نوع و منابع عمومی)
 اختصاص زمین به مصارف عمده مکانی و کاری و ...

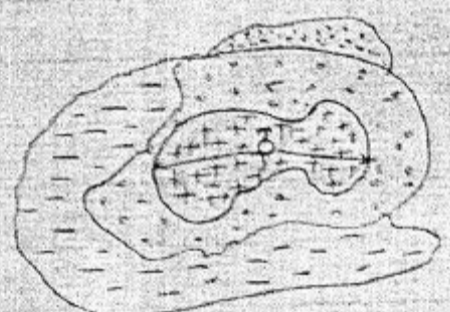


Subject
Date

منطقه بندی ۱) حتی العقده توزیع پول ۲) عوامل ایجاد مزاحمت کنند

در منطقه بندی باید سعی شود ضوابط عمومی به نحوی دسته بندی شود که اگر مردم به آن دسترسی

آسان داشته باشند یعنی آن سرچشم عمومی به صورت یک چرخه دمج شده بسته در نهایت که دیگران از آن محرم شوند



رشد اسپرل ۳ به معنای برکناری شهری است

مدیر سافت شوز آکشنیکان ها در معیار و ساختار ها نظریات مختلف مطرح است. هر کدام از

این نظریات بسته به کارایی و هدفی که از شهر یا منطقه ای گم عنوان مدوره جمع انسان ها

یاد می کنند و جوهی از نقش و کارکرد شهر انسان می رسد یکی زمانی ممکن است از منظر

اقتصادی به شهر نگاه شود و یک حوزه شهود جهانی است به بیان ساده و زمانی دیگر شهر به عنوان

مدیر سیاسی مطرح شود در سیاستمداران در اجاب کن شوند و زمانی نیز شهر محل زندگی از این

فعالیت های باشد به طور کلی آتوری ها در نظریاتی در قالب مکان گزینی و مکان یابی مطرح است

که مانیت به کنی از آن ها در این جمله (نظریه آتوری مکان مرکزی) بحث خواهیم کرد

Subject _____
Date _____

* رویه مکان مرکزی در یک است ؟ * مرکز شهر
 * بخش قدیمی *
 * تعداد کم مالایه و مصالح در مکان *
 * مالایون سطح فعالیت های بخش خصوصی *
 * رعایت میان کارهای آنها جهت مکان تزیینی *
 * کاربری های چندانی باعث : رشد عمودی - رشد افقی -
 رشد جانبی *
 * افزایش ترافیک *

منطقه میانی : تعداد منطقه مرکزی ساقه شواست ؟

تراکم ساختمانی محدود
 رویه پیرامونی است
 بلوک بندی ساقه ها
 کمبود فضای باز و سبزی
 بیشتر مسکونی است
 وجود پارک های کوچک
 انتشار کم در آمد متاکن نسبت به

منطقه بیرونی : مسکونی - مسکن متوسط - عامل آن توسعه اتوموبیل - باز داری نصاب های عمومی و وسیع -
 تراکم پایین - تراکم کسان قدیمی وسیله آن : (پارک) - بهترین مکان برای سکونت - از نظر شهرت ها جا در به دارد

(5)

تاریخ
شماره

نسبه نحل تمرکجهیت - ابزار تولید - سرمایه - نیازها و احتیاجات

اولین بحث در ترمینولوژی، شناخت و مطالعه وضع موجود

۱. سبب زمین از ۷۳ تا ۱۰۶۴ م یعنی ۳٫۱ درصد (تا ۷ درصد) سبب شناخت

۲. سهم سبب را از سطح مجموعه اندازه میگیریم. از ۰ تا ۱۰۰ درصد

۳. سبب کمتر از ۳ درصد برای ترمینولوژی مناسب نیست و همچنین سبب های بالای ۱۳ درصد غیر قابل استفاده

۴. یک مقدار استفاده برای ترمینولوژی است

۵. سهم سبب از نظر جهات مختلف دسته بندی کنیم. و تا ۱۰۰ درصد

مثال: در قیام رشت، ۱۷ درصد سبب در جنوب شرقی - ۱۷ درصد در شرقی

✓ خصوصیات ها
طبیعی
مصنوع

۶. از اراضی که اوردی برای ترمینولوژی استفاده نمیکنند

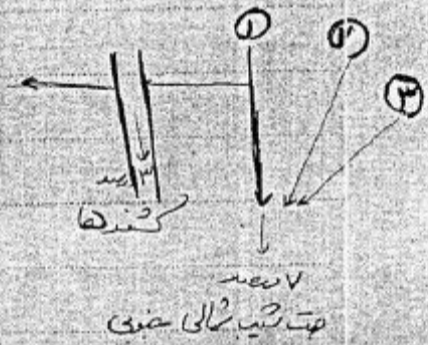
۷. مسائل زمین شناسی، آیا گسلی در شرقی آن وجود دارد؟ آیا نقاط طبیعی مثل آتشفشان نزدیک آن است؟

۸. پدیده های چون لایه های زمین شناسی از نظر جنس، کثافت آتشفشان، کثافت آتشفشان، با قابلیت

✓ پوشش گیاهی: چمنوع برش در صد کرام

✓ انواع سطحی در برش یک و نحوه نام آن: سه حرکت و دفع آب های سطحی به شیب ها

✓ نحوه دفع آب های سطحی: کانورس انتقال آب محود ← چند درصد صوی چند درصد کانورس به قوی است که خود آنها به چند درصد شکم بندی انتقال آب در سطح زمین



✓ شهرسازی: برای چه کسی؟ → انسان → سکونت، فعالیت، زندگی، تفریح، حرکت، وضع بناها

✓ جمعیت → شناسایی ویژگی ها → وسع جمعیت کل → مکان شهرسازی

هری ساختار سنی جمعیت → تصمیم گیری در مورد ساختار زیماوت و ایجاد اشتغال

۵۲٫۵ درصد زیر ۱۴ سال → در داخل خانه ها مستر هستند خانه ها پر جمعیت

۳۲ درصد ۱۵ تا ۲۵ سال → نیاز به مکان قوری

۱۱ درصد ۲۵ تا ۳۵ سال

۲۷ درصد بالای ۳۵ سال

Subject

$$\frac{\text{جمعیت}}{\text{مساحت کل زمین}} = \frac{\text{تراکم یا فاصله کوئی}}{\frac{\text{جمعیت (نف)}}{\text{مساحت کوئی مکان}}}$$

نکته ۲. هر نظام شهرسازی همیشه به عناصر دخالت کننده در شهر توجه ویژه می کنیم. از جمله عناصر دخالت کننده

در شهر جمعیت و سپس نوع کار آن است. در مقوله جمعیت نسبت جمعیت و بعد ضوابط ما را بر آن می سازد

که در توزیع واحدهای مسکونی ضوابط دیگر نظام قضایی میوم. پس وجود عناصری مثل هم نسبی جمعیت، نسبت

جنسی، میزان مهاجرت، درصد رشد و تکلیف در گروه های سنی حاکی از آن خواهد بود که ما در توزیع واحدهای

مسکونی قاعده مناسب نیاز را رعایت کنیم. به طور طبیعی نسبت جمعیت میان سال و وزن خانوارهای پرتراکم

راست می دهد که بر اساس آن ما با اینی خانوارهای پیش از یک نفر در تنظیم و توزیع واحدهای مسکونی و نیز

توزیع تراکم باید رعایت کنیم. همانقدر که در قیاس نسبت ملاحظه می شود نسبت جمعیت میان سال تا بزرگی حدود

۴۰ درصد را در بر می گیرد. این بدین معناست که خانوارهای پر جمعیت (۴ نفر بالا) را در برنامه بزرگی لحاظ کنیم.

اگر چه توزیع کنیم باید نسبت نیاز را به واحدهای مسکونی را به خوبی در نظر بگیریم و نسبت نیاز به واحدهای

مسکونی بخواهد بر اساس وزن کل شهر بدین صورت است و

$$9385 = \text{کل خانوار}$$

۲۵-۲۶ سال ۳۴۴۰ خانوار

تا ۲۴ سال ۵۴ درصد جمعیت کل ← ۴۱۵۰ نفر

$$\begin{array}{r} 9385 \\ - 3440 \\ \hline 5945 \\ - 212 \\ \hline \end{array}$$

خانوار بالای ۲۵ سال
بزرگراه اول

PAPCO

چرا هم سنی را وارد مباح سازی می کنیم؟ برای اینکه اینگونه چند جوابه ساخته شود مباح خواهد بود...

تفکیک زمین از ۱۵۰ متر نمی توان کند مابین بست کرد.

اگر مساحت خانه ها کوچکتر از ۲۰ متر مربع باشد (در کوچه)؛ اگر تعداد خانه ها زیاد می شود (افزایش بار کوچه)؛
لازم برای پارکینگ به مشکل می خوریم.

تفکیک زمین؛ جدا سازی و افزایش و تقسیم بر اساس نیاز به زمین که ممکن است کاربری های متعددی

در آن حادث شود. تفکیک بسته به نوع مکان انجام می شود. تفکیک زمین در شرایطی انجام می شود که نخواهیم

نسبت به سرویس دهی انواع آن؛ شیوه های استعاره از زمین؛ شیوه های اداره زمین؛ مدارات موجود در سطح زمین؛

قواعد سیاسی و اداری و حکومتی موجود در آن حفظ تصمیم بگیریم. آنچه در لغت به معنای جدا کردن و جزو به جزو کردن

و در اصطلاح حقوقی بسته به عبارت است از تجزیه مال غیر منقول به قطعات کوچکتر.

مختص تفکیک از قبل از ریاست

یک غیر منقول؛ اعم از خانه، زمین، دکان

عدم اشاعه در آن در صورت اشاعه عدم افراز سهم ششاع؛ مثلا مالکی قطعه زمینی دارد و با طرح به اداره بست

انجام به تفکیک آن به چند قطعه می کند بدین است حالت اشاعه وجود ندارد. در بعضی مالکین ششاع قطعه زمینی

Subject _____
Date _____

هتند و با تعداد انواع آن زمین را به دستجاتی به وسیله اداره ثبت قسمت می کنند. در این حالت قطعات مفروضه و بهم ششاع باقی می مانند.

۱) زمین تفکیک زمین مناسب:

۲) کیفیت ارتباط هر دو جزء

۳) کیفیت ارتباطی: اگر تفکیک منجر به تفکیک شود آن تفکیک درست نیست.

۴) هویت مستقل فضایی - کالبدی: و قوا به منطقه ای هویت مستقلی بهم، به آن هویت داده ایم و تعریف بر روی زمین شود.

۵) خوانایی الگوی زمین: اگر در منطقه ای تفکیک زمینها مناسب و هماهنگ باشد، اداره تفکیک با حتم باید به همان صورت باشد.

۶) حجم بزرگی مضای =

۷) تعلق مکانی: ۸) اصیت اجتماعی - روانی ۹) همبستگی اجتماعی

۱۰) انواع تفکیک زمین:

۱) تفکیک عرضی: تفکیک زمین به صد لکن ۵۰ قطعه بدون پس زمین دستوری محرز

۲) تفکیک کلی زمین: تفکیک یک زمین به پس از ۵۰ قطعه با دستوری محرز

اهداف در حدنگ کوهن:

- ۱- کمک به توسعه منظم اجتماعی از طریق ضوابط و مقررات و کنترل طرح و بهبود طرح ترابری
- ۲- اطمینان از اینکه مضا‌های که برای کاربری‌های عمومی و فضای سبز خصوصی در نظر گرفته شده است
 خوبی سازماندهی شده اند و استانداردهای منطقه بندی برای ایجاد قطعات جدید بکار برده شوند
- ۳- رعایت فرصت‌ها و امکانات و محدودیت‌های محیط طبیعی
- ۴- کارگیری روش‌های بهسازی محیط

در مطالعات بهسازی در حدنگ ترابری، همه جدول کاربری زمین - سازماندهی مضا‌های شهری در طرح ترابری - مکان یابی مضا‌ها و کاربری‌ها

انواع	محدود	کمی	کمی
تجاری	کمی	کمی	کمی
مسکونی			
اداری			
آموزشی			

Subject

Date

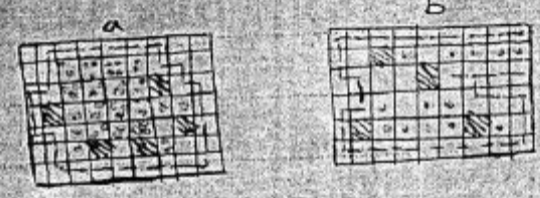
شماره های سینجین پراکنگی:

واژه ای فرانسوی است که به ریز افقی گفته می شود. اسپیدال یا همان پراکنگی به معنای ریز سریع و پراکنده نواحی هندویل (کلاستر) و حتی گروه های کوچک است. برای سینجین ابعاد پراکنده از Δ به Δ بر می آید و بر مبنای ابعاد پراکنده (شماره های سینجین ابعاد پراکنده)

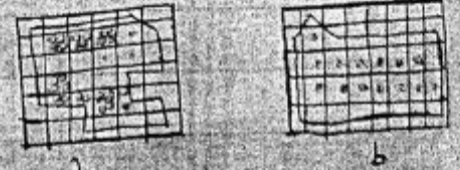
- ✓ تراکم
- ✓ پیوستگی
- ✓ همگرایی
- ✓ خوشه بندی (مجموعه بندی)
- ✓ همگرایی (میان گامی)
- ✓ هسته ای یا قطبی بودن
- ✓ کارایی ترکیبی
- ✓ معادلت

✓ تراکم: تعداد واحدهای مکانی در هر هکتار از زمین های حاصل توسعه شهری می باشد.

- واحد مکانی
- مساحت توسعه شهری (غیر قابل توسعه)
- مساحت قابل توسعه



✓ پیوستگی: روی ای است که بین های قابل توسعه فیزیکی در یک های شهری بود. فاصله از هم سواره شده (مجموعه بندی)

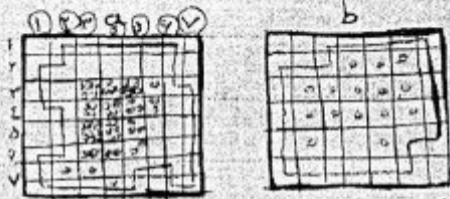


لح ۵ پیوسته تراست ولی ۵ متر تراست

Subject _____

Date _____

۱- تعداد درجه ای است که رسد توسعه به جای اینکه در کل ناصبه بواکنش عادلانه داشته باشد به طور نامناسب تنها



روضاها که محدودی از کل ناصبه سرریز واقع شده است

در 'a' دلیل استفاده خاص از شرایط مکانی جازمه‌هایی در

روم مکرر از طریق بصریت.

در صورتی که در 'a' بصریت.

در فضای محدودی که در صورتی که

در شکل 'a' دیده واقع در (۳۲) و (۳۴) و (۳۵) و (۳۶) و (۳۷) و (۳۸) و (۳۹) و (۴۰) به لحاظ وجود مکانی های جنبه سطوح فعالیت

نسبت سکونت و مساحتی اتفاق افتاده است. این موضوع در شرایطی است که سایر محدوده‌های شهر تقریباً

بلااستفاده یا با تراکم ضعیف همگرا است. این موضوع می‌تواند از دو دلیل بدست آمده باشد. دلیل اول: تصور

که دلایل توسعه در شرایط معارف ندارد زیرا مولف طبیعی ممکن است برای آن ناصبه یا عوامل نامی از گرایش زمین

عاطفی برای آن تصور. دلیل دوم: شهرت نیست به نوازه توسعه شهری زیرساخت های لازم را به آنجا نرسانده یا به لحاظ

نداشتن بودجه عمل از این جهت است.

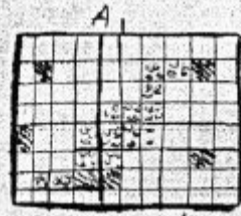
۲- خورده بندی درجه ای از توسعه فیزیکی شهر است که نسبت درجه بندی را مشخص می‌دهد در صورتی که جدول

توسعه فیزیکی زمین به طور مستقیم نسبت به سطحی که ی شود مقدار مصرف زمین در هر هکتار از زمین های قابل توسعه که به

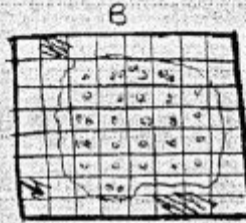
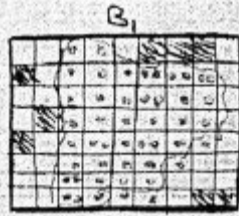
وسیله کاربری های مسکونی یا غیر مسکونی استخوانی شود در سطحی که ی دهد پس در صورتی که هدف بررسی

Subject _____

Date _____



نقشه A1
 A1 منطقه شهری
 A1 منطقه شهری



نسبت توسعه فیزیکی زمین است.

سؤالات ۴ فصل ۴: مناطق و تکتیک های برنامه ریزی شهری

۱- مفهوم منطقه شهری را توضیح دهید.

۲- منطقه شهری انباشتی، منطقه شهری انحصاری، منطقه شهری محیط زیست (پارک محیطی)، منطقه شهری کلی، مناطق کشاورزی

را شرح دهید.

۳- شاخص های منطقه شهری کدام است؟

۴- منطقه شهری کاربری چیست؟

۵- ملک هارودش های منطقه شهری را توضیح دهید (نوشته ناکسوتونف عددا، روش برنامه ریزی عمده صحیح مشغول، روش توسعه شهری، روش آنگیز اسکالوگرم)

بافت فرسوده 8

1- تعیین موقعیت منظم فرسوده

2- بررسی محورها درزه های محصوره

3- سامانه عملکردی و فضایی وضع موجود

4- لکه ها و کاربری های مهم و تأثیرگذار مثل فضای آکوستیک و زمین با ارتفاعات شده و...

5- کاربری ارضی محصوره و کاربری های هم لایه در دره مسکنی، تجاری، سکونی و تجاری و مساحت هر کدام

6- بررسی تعداد طبقات، درصد هر کدام از کاربری ها و کاربری سرانه، قدمت اینها و محاسبه درصد مساحت هر کدام از قسمت ها

مردق دار محمد، ثبت شعیرت مهندسی

7- بررسی کیفیت اینها (نوساز، تخریبی، مستقر و...) و محاسبه درصد هر کدام

سوال برای بررسی بافت فرسوده در شهرها کدام معیار مهم تر است با فرضیات

1- مصالح بنایی سنگ و سیمان، آجر و شیشه و... (نمای ساختمان) ها) به درونگی المان، اول آجر بند سیمان و سنگ

9- دانته بندی قطعات به بررسی مساحت قطعه ها (100 متری و 150 متری و...)

10- تحلیل شاخص های فرسودگی و اولویت بندی مداخله

11- پهنه بندی بافت فرسوده (تفکیک مناطق اولویت بندی شده و تعیین موقعیت آن)

۱۲- بررسی ویژگی‌های جمعیتی (تراکم فاصلی و فاصله‌ای، جمعیت کل، تراکم جمعیت، پراکنش و...) (۱۰۰)

تراکم کل جمعیت محدود به مساحت محله و مساحت کل شهر و جمعیت کل مهم‌ترین فاکتورهاست.

۱۳- جمعیت محدود به تفکیک بلوک‌ها، در مناطقی که تراکم بالاست، این مساحت و عدم دسترسی وجود دارد.

۱۴- تراکم جمعیتی به تفکیک بلوک‌ها

۱۵- بعد خانوار به تفکیک بلوک‌ها

۱۶- نقش بومی جمعیت شهر در افق طرح، نقش بومی جمعیت محله بودگی در افق طرح

۱۷- بررسی ویژگی‌های اجتماعی (تراکم و پراکنش)، (سویا، پایداری اقتصادی اجتماعی، تعلق خاطر به محله)،

مسائل مشکلات اعتیاد، مواد مخدر، بیکاری، سیرت و...

۱۸- بررسی میزان و نوع مشارکت در بازسازی و نوسازی

۱۹- بررسی نقاط تجمع مردم

۲۰- تحلیل و ارزیابی ساختار اجتماعی، جمعیتی، نقاط قوت، نقاط ضعف، فرصت‌ها، تهدیدها

سؤال: برای شناسایی بافت فرسوده چه آیین‌هایی را در نظر می‌گیریم؟

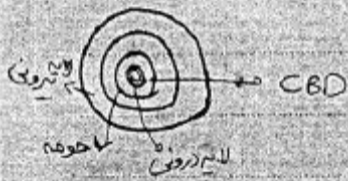
بافت فرسوده چیست؟ برای بافت فرسوده چه اقداماتی انجام می‌دهیم؟ چه عواملی در بافت فرسوده در

Subject

Date

نظریه‌های سوداگری آنتیم‌ها و زیر آنتیم‌ها هر یک را دسته بندی کنید مثال برای شناسایی بافت خرسوده

را تعریف به عنوان کاروری کلان (سودگی) (اراک) (کاروری) (کاروری) کنید



CBD به ملک چند هسته ای - شهر را به عنوان یک مرکز دانند که به مناطق اطراف آن

رشد کرده و به شکل دایره متداخل ایجاد شده اند

CBD - مرکز تجاری پیچیده شهر - - - - - است

الگوی قطعی: شهر بر اساس درجه توسعه تجاری رشد کرده است - - - - -

شهرهای دوران گذشته (۱۸ تا ۲۰ میلادی) دارای چنین وضعیتی در اروپا بوده اند. عدم

شهرها ملک های توسعه آن ها بر اساس همین الگو بوده است. ملک دایره متداخل همچنان منتهی

منظم نبوده است و این سطح از اراک دارد که الگوی پیشنهادی ارتت مرکز بعد ها توسط تکنولوژی روز

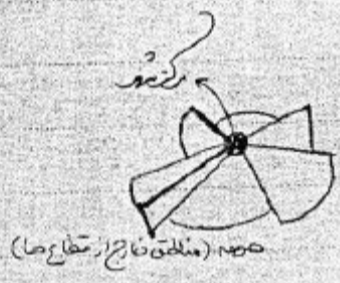
دچار درگیر شده است. در اروپای عصر تجاری یعنی زمانی که کارخانجات در مرکز شهر بوده اند الگوی ارتت

تقریباً رایج و صادق بود اما بعد از گذشت یک سده این الگو نشان داده شد که راز درست داده است

EXPCO

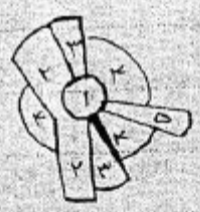
11

الگوی ارشد در شکل (1) از نوعی درم رنگی منبسطی دوار متساوی است. گوئیم که این
 سُررابطه سامانه رنگی می تواند دارای دوار متساوی بلند پس به چهار است مثل تغییر وضعیت از بندی
 را طوری انجام دهیم که با محدودیت ها کنار بیاید.



الگوی قطعی همپرهودیت :

A ← دقت صلیب هم در قیاس ضعیف زیاد و شامل معارضه های ادوات و...
 که در آن قطعات با هم است



- ۱) مدنی
- ۲) صنوق
- ۳) فقیرین
- ۴) منطوق
- ۵) عیاشین

اگر هدف از این مدل نگاه به توسعه سوره بر اساس دایره متساوی بلکه به شکل پنج های اختصاصی از مرکز به
 بیرون به عبارتی هر بخش از مرکز سُررابطه را به یک رسته درم پیوند دارد.

۲) این مدل رسته سُررابطه به صورت درجاتی از مرکز به بیرون هم بر اساس سُررابطه (مجموعی و هم بر اساس توسعه
 فیزیکی) می بیند.

۳) مدل قطعی معقولانه تر از مدل ارشد است. البته اگر بخواهیم معطای از رسته سُررها در این باره

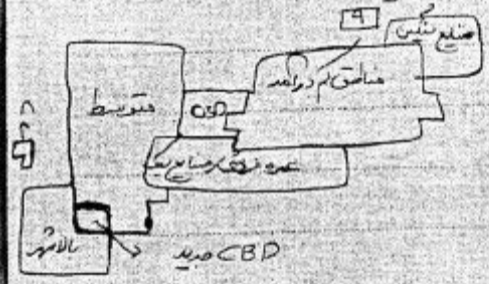
(۲۴)

Subject: _____
Year: _____ Month: _____ Date: _____

بررسی کنیم شرایط توزیع ملک ارشد را ترجیح داد

۱) ملک قطعی همسر اگر محدودیت های طبیعی را بینیم در ساختن فضای شهر باید جدات می دهد

ملک ضمیمه ای؟ جایی همسین را اولرد اولمن ...



۲) شهر نمی تواند به شکل تک هسته ای رشد کند (همه شهرها) زیرا الگوی تک هسته ای می تواند در شهرهای کوچک تعین

دیده شود اما شهرهای بزرگ و شهرهای متوسط و خالص نیز می تواند اجتماعی آن ها به گونه ای است که نمی توان آن ها

را با یک CBD اداره کرد لذا ای ملید ساختن فضای شهر را به صورت منطقه ای و ضمیمه ای بینیم در

این صورت شهر با یک اکسین جلهی از کارکرد و عملکرد روبه روضه محدود میسازد چارین آن بود که

بزرگی به ملک قطعی هویت داده شود و در حصص ساختن شهرها یکدیگر نظر شود

۳) شهرهای بزرگ ایران کم کم به سوی چند هسته ای حرکت می کنند تهران دارای چند هسته می باشد اعتقاد

به عنوان دارنده های، صنایع، خدمات، تجاری بالا، صنعت قیر، صنایع تجاری بالا، بازار تهران به عنوان

تجاری سنتی، امن، حصار به عنوان کالای لوکس و

Subject _____

Date _____

بخش چهارم

14 صفحه

P4PCO

گونه شناسی مناطق شهر - بنیاد در مطالعات شهری و منطقه ای: * با نظری برواکاوی مفهوم مجموعه شهری در ایران

ایرج اسدی^۱، دکتر اسفندیار زبردست^۲

^۱ دانشجوی دکتری شهرسازی، دانشکده شهرسازی، پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

^۲ استاد دانشکده شهرسازی، پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

(تاریخ دریافت مقاله: ۸۹/۲/۲، تاریخ پذیرش نهایی: ۸۹/۵/۲)

چکیده:

تا پیش از آغاز قرن بیستم استفاده از دو مفهوم شهر و روستا و در معدودی موارد کلان شهر می توانست برای تشریح اشکال توسعه فضایی و سکونتی موجود آن زمان کافی باشد. اما توسعه و گسترش شهر نشینی قرن بیستمی موجب شکل گیری پدیده های فضایی کلانی در گستره سرزمینی شد که پیشتر وجود نداشتند. از ابتدای قرن بیستم تاکنون تلاش های زیادی در زمینه مفهوم سازی های مرتبط با این پدیده های نوظهور شکل گرفته اند که در برخی مواقع در اثر تعدد و کثرت این مفاهیم نوعی اغتشاش در تعاریف و یافتن مصادیق آنها بین مخاطبان این مفاهیم به وجود می آید. مقاله حاضر بعد از بررسی دوازده مفهوم بر استفاده مرتبط با منطقه شهر بنیاد آنها را در سه دسته مفاهیم الق (مفاهیم ناظر بر ابر شهر مرکزی ساخته شده، ب (مفاهیم ناظر بر یک شهر منطقه منسجم و ج (مفاهیم ناظر بر چند شهر منطقه مستقل همجوار دسته بندی می کند که بر حسب معیار پیوستگی کالبدی و شدت همبستگی عملکردی و نیز مقیاس فضایی از همدیگر متمایز می شوند. در این مقاله تلاش شده است تا علاوه بر ارائه مشخصه های تمایز بخش مفاهیم مختلف مناطق شهر بنیاد، نوعی تبارشناسی از مفاهیم نیز ارائه گردد تا از این ره، درک جامع تری از موضوع به دست آید.

واژه های کلیدی:

گونه شناسی، منظومه شهری، شهر منطقه، منطقه کلان شهری، مجموعه شهری.

این مقاله برگرفته از یکی از فصول رساله دکتری ایرج اسدی است که با راهنمایی دکتر اسفندیار زبردست در دانشکده شهرسازی دانشگاه تهران در دست انجام است.

نویسنده مسئول: تلفن: ۰۲۱-۶۶۲۱۲۸۲۱، نمابر: ۰۲۱-۶۶۹۵۵۶۲۸، E-mail: iasadi@ut.ac.ir

مقدمه

سکونتی حومه‌ای در قالب شهرهای اقماری و اخیرتر شهر-لیه‌ها و سکونتگاه‌های فرا-شهری در آن، زمینه‌ساز شکل‌گیری پدیده‌های جدیدی در سازمان فضایی سرزمین گشت که پیشتر قابل تعریف نبود. این دسته پدیده‌ها و هویات منطبقه‌ای کلان، حاصل رشد و تحول در اندازه شهر مرکزی، پیوستگی کالبدی شهرهای همجوار مستقل و یا تعامل کارکردی مفاهیم دسته اول به شمار می‌آیند.

به هر روی، مفاهیم فضایی مقیاس کلان و ارائه تعاریف فضایی و انجام نوعی گونه‌شناسی از این دسته پدیده‌ها موضوع اصلی مقاله حاضر است. ضرورت این گونه‌شناسی در وجود اغتشاش ذهنی است که مخاطبان این مفاهیم - حتی کارگزاران فرادست نظام برنامه ریزی - در یافتن مصداق این مفاهیم با آن روبرویند. مجموعه شهری تهران که اکنون مفهومی رسمی در نظام برنامه ریزی کشور است، یکی از این مصداق مفاهیم کلان فوق‌الذکر است که در مطالعات مرتبط با طرح مجموعه شهری معادل منظومه شهری انگاشته شده است در حالی که چنین نیست. نکته مهمتر اینجاست که اثرات این نوع مفهوم شناسی تنها در عرصه نظری محدود نشده و به عرصه عمل نیز وارد خواهد شد که آن، پیدا کردن استراتژی و سیستم اداره و حکمروایی متناظر با مفهوم شناسی مورد نظر است.

در مقاله حاضر تلاش می‌شود عمده مفاهیم مقیاس کلان رایج در متون مرتبط و کاربرد های مختلف آنها بررسی گردد. باید یادآوری شود که برخی از این مفاهیم و کاربرد آنها در متون تخصصی هم دارای میزانی از اغتشاش در کاربرد هست که تمایز روشن بین آنها را دشوار می‌سازد. نظر به آشنایی چند ساله نگارندگان با مفاهیم این حوزه، استخراج فهرستی اولیه از مفاهیم مرتبط با مناطق شهر-بنیاد^۱ چندان دشوار نبود. آنچه دشوار می‌نمود تمایزافکنی نسبتاً روشن بین این دسته مفاهیم بود که برخی از آنها، ولو به نظر متفاوت، مشابه بوده و برخی دیگر، ولو مشابه، متفاوت [تفاوت ناحیه کلان شهری یا منطقه یا شهر منطقه کلان شهری و یا مشابهت مفهومی بین منظومه شهری و ابر شهر یا کلان شهر و یا حتی تجمع شهری].

تا پیش از آغاز قرن بیستم، استفاده از دو مفهوم شهر و روستا و در معدودی موارد، کلان شهر می‌توانست برای تشریح اشکال توسعه فضایی و سکونتی موجود آن زمان کافی باشد. اما توسعه و گسترش شهر نشینی قرن بیستمی در دو مقیاس خرد و کلان موجب شکل‌گیری پدیده‌های نوینی در سازمان فضایی سرزمین شد. به تبع شکل‌گیری این پدیده‌های فضایی، اندیشمندان علوم مرتبط نیز البته با تأخیر شروع به مفهوم سازی‌هایی برای پدیده‌های نوظهور کردند. بازتاب تحولات فضایی در مقیاس خرد را می‌توان در ساخت مفاهیمی چون شهرهای جدید و شهرهای اقماری، حومه نشینی و پراکنده رویی شهری و اخیرتر شهر-لیه‌ها^۲، سکونتگاه‌های فرا-شهری^۳، اگزوپلیس‌ها^۴، شهر-فن‌ها و قطب‌های فن‌آوری^۵ سراغ گرفت که همگی در طول قرن بیستم و در هاله شهری-روستایی^۶ شهرها و کلان شهرهای کشورهای توسعه یافته یا در حال توسعه شکل گرفتند. بازتاب دسته دوم تحولات فضایی (پدیده‌های مقیاس کلان) را می‌توان در ساخت و پرداخت مجموعه دیگری از مفاهیم مرتبط دریافت که به نوعی از گسترش شهر یا کلان شهر اولیه، به هم پیوستن شهرها و نواحی شهری مستقل همجوار و یا در تعامل کارکردی نواحی شهری و روستایی به لحاظ کالبدی مجزا از هم شکل گرفتند. مفاهیمی مانند کلان شهر^۷، منظومه شهری^۸، ناحیه کلان شهری^۹، شهر-منطقه^{۱۰}، زنجیره شهری یا مگالوپلیس^{۱۱}، ابرشهر^{۱۲}، ابرشهر-منطقه^{۱۳}، منطقه شهری عملکردی^{۱۴}، تجمع شهری^{۱۵}، منطقه کلان شهری^{۱۶}، منطقه شهری چند هسته‌ای^{۱۷} و... از جمله پدیده‌های فضایی مقیاس کلان و مفاهیم مبین آنها است. بخش عمده این مفاهیم حاصل اندیشه اندیشمندان حوزه علوم جغرافیایی و منطقه‌ای است.

شاید بتوان نوعی رابطه تولیدی بین این دو دسته پدیده‌ها و مفاهیم خرد و کلان نشان داد. تحولات فضایی مقیاس خرد موجب مولد شکل‌گیری پدیده‌ها و مفاهیم مقیاس کلان هستند. به عبارت دیگر رها شدن شهر و یا کلان شهر سنتی از حصار شهر مرکزی و سرریز توسعه در شکل نقاط سکونتی، خرید، کار و تفریح به هاله روستایی - شهری، توسعه انواع اشکال

۱. روش و روش شناسی تحقیق

در جدول و نمودار انتهایی مقاله به آنها اشاره شده است. اگر بخواهیم از نوعی روش در انجام این تحقیق یاد کنیم می‌توان از روش تحقیق بازنگری پژوهش^{۱۸} یاد کرد که قسمی از روش تحقیق تحلیل ثانوی و یا فرا-تحلیل^{۱۹} محسوب می‌شود (Hakim, 2000, 21-25).

برای انجام این گونه‌شناسی از مناطق شهر-بنیاد، ابتدا تلاش شد تا تعاریف مختلف این مفاهیم جمع‌آوری شده و نوع کاربرد آنها در متون مختلف بررسی شود. با بررسی تعاریف و تطبیق مصداق آن در متون مختلف به تدریج ابعاد و ویژگی‌های تمایز بخش هر یک از مفاهیم به دست آمد که ترکیب این ویژگی‌ها در مراحل بعد، به مولفه‌های این گونه‌شناسی منتهی گشت که

جدول ۱- مفاهیم مورد بررسی و معادل‌های فارسی مورد استفاده.

مفاهیم و واژه‌های مورد بررسی	معادل‌های به کار رفته در مقاله
1. Metropolis	کلان‌شهر
2. Conurbation	منظومه شهری
3. Metropolitan area	ناحیه کلان‌شهری
4. Urban agglomeration	تجمع شهری
5. Mega city	ابر شهر
6. City-region	شهر-منطقه
7. Metropolitan region	منطقه کلان‌شهری
8. Functional urban region	منطقه شهری عملکردی
9. Polycentric urban region/ Polynucleated metropolitan regions/ Multicore City-regions	مناطق شهری چند هسته‌ای
10. Megalopolis	مگالوپولیس / زنجیره شهری
11. Mega city-region / Polycentric Mega City-region	ابرشهر-منطقه (چند هسته‌ای)
12. Mega region/ Super region or Megas	ابر-منطقه

۲. بررسی مفاهیم مناطق شهر بنیاد

همانگونه که اشاره شد، دوازده مفهوم مرتبط با مناطق شهر-بنیاد در این جا مورد بررسی قرار گرفته‌اند. جدول ۱ این مفاهیم و معادل‌های فارسی مورد استفاده در این مقاله را کنار هم قرار داده است. اگرچه برخی معادل‌های مورد استفاده برای مثال منظومه شهری می‌تواند مورد مجادله قرار گیرد، با این وجود مجموعه واژگان مورد استفاده در این جا مواردی است که در متون فارسی متواتر به کار رفته است.

۲-۱- کلان‌شهر

کلان‌شهر تنها مفهومی است که ماهیتی دو گانه دارد به طوری که هم به عنوان یک مفهوم خرد و هم مفهوم کلان مورد استفاده قرار گرفته است. متروپولیس اصطلاحی یونانی است و مراد از آن شهر مادر (مادر شهر) یا دولت-شهر والد^{۱۱} (همانند آتن) است که مردم شهر را برای ایجاد مستملکات جدید به بیرون شهر می‌فرستد. این واژه همچنین به شهر اصلی یک تمدن یا کشور نیز اطلاق می‌شود. عصر شکوهمند کلان‌شهرها در ایالات متحده به فاصله سال‌های ۱۸۵۰-۱۹۵۰ اطلاق می‌شود که شیکاگو و نیویورک نمونه‌های مسلم آن به شمار می‌آمدند (Shumsky, 1998).

در مدل کلاسیک یک کلان‌شهر، صنعت محرک اصلی رشد شهری و هسته اقتصاد محسوب می‌شود. ویژگی اصلی کلان‌شهرها، تراکم شدید مردم و فعالیت‌ها بود که در شکل حلقه‌های متحدالمرکز سازمان می‌یافتند. خوشه‌ای از برج‌های اداری و تجاری در مرکز و هسته کلان‌شهر، صنعت در حلقه پیرامون مرکز، و نوار حومه‌ای مسکونی برای افراد ثروتمند که می‌توانند از ازدحام دو حلقه درونی خود را رهایی بخشند. در حال حاضر هسته‌های کلان‌شهری قدیمی دیگر واجد صنعت، تجارت خرده‌فروشی یا کارکردهای اداری نیستند. اکنون همه این نوع کارکردها در سرتاسر شهر -منطقه پخش شده است. با وجود این، کلان‌شهر ناپدید نشده است بلکه اکنون در شکل انواع جدید مراکز پویا که محل استقرار مراکز و شعب اصلی شرکت‌ها، فرهنگ سطح

بالا (موزه‌ها، سالن‌های کنسرت و تئاتر) و ارتباطات (رسانه‌ها و انتشارات) است به حیات خود ادامه می‌دهد (ibid).

به نظر برخی پژوهشگران واژه کلان‌شهردیگر برای معرفی شهرهای بزرگ کنونی مناسب نیست و باعث ابهام و سوء برداشت می‌شود. به نظر راجر سیموندز واژه متروپولیتن دارای بار ارزشی و تاریخی است و بیشتر معرف قطب‌های توسعه در عصر سرمایه‌داری صنعتی است. ویژگی عمده این شهرها داشتن الگوی شعاعی و ایفای نقش مرکزیت برای تولید صنعتی و تجمع کارگران بوده است. این وضعیت امروزه در کشور های غربی تغییر کرده است. از دید سیموندز مفهوم شهر-منطقه انطباق بیشتری با وضعیت شهرهای بزرگ امروزی دارد (مهدی زاده، ۲۰۱۲:۲۲).

مرور متون مرتبط با مفهوم کلان‌شهر حاکی از تسلط دو دیدگاه در تعریف مفهوم کلان‌شهر است که شاید بتوان با تسامح دیدگاه کسی و دیدگاه کیفی یا دیدگاه آماری و دیدگاه جامعه‌شناختی را به آنها اطلاق نمود. دیدگاهی که کلان‌شهر را از زاویه آمار و ارقام صرفاً کمی تعریف می‌کند و دیدگاهی که بر اساس نظریات جامعه‌شناس آلمانی، جورج زیمل، کلان‌شهر را به عنوان ماشین از خود بیگانه سازی انسان تعریف می‌کند. از دیدگاه آماری بسیاری از منابع مانند (UN, 2004; Angotti, 1993, Metropolis, 2005) کلان‌شهر را شهری تعریف می‌کنند که حداقل ۷۵۰ هزار یا یک میلیون نفر جمعیت داشته باشد (به نقل از زیردست، ۹۰، ۱۳۸۴). بهترین تجلی دیدگاه دوم را می‌توان در فیلم به یادماندنی کارگردان شهیر آلمانی-اتریشی فریتس لانگ نگریست که در سال ۱۹۲۷ به تصویر کشیده شد. فیلمی که نیرومندترین بینش از شهر و جامعه مدرنیته را به نمایش می‌گذارد (Hutchinson, 2009, 502). این دیدگاه زاویه‌ای کاملاً منحصر به فرد را در تعریف یک شکل خاص از سکونت انسانی مطرح می‌سازد که در تعریف دیگر مفاهیم مرتبط با موضوع کمتر - اگر نه اصلاً - دیده می‌شود. مفهوم کلان‌شهر از دیدگاه ریخت‌شناسی از آنجا که بر پیوستگی ناحیه شهری ساخته شده تاکید دارد، با مفاهیمی مانند ابر شهر یا منظومه شهری نقاط اشتراک زیادی دارد.

۲-۲- منظومه شهری

این مفهوم از جمله مفاهیم چالش برانگیز در عرصه مطالعات شهری و منطقه‌ای است که تلقی‌ها و کاربردهای متفاوتی به خود گرفته است. منظومه شهری در حقیقت حاصل اولین تلاش برای مفهوم سازی پدیده‌های فضایی مقیاس کلان در قرن بیستم به شمار می‌آید بر اساس یک بررسی (برک پور، ۹۹، ۱۳۸۲) اصطلاح منظومه شهری در متون فارسی با مترادف‌ها و معادل‌هایی همچون شهرگان، شبکه شهری و مجموعه شهری نیز به کار رفته است. این مفهوم اولین بار توسط پاتریک گدس و در مطالعه ماهیت توسعه شهری بریتانیا در قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم مورد استفاده قرار گرفت. وی در حین مطالعه سکونتگاه‌های شهری چون لیورپول و منچستر و همچنین گلاسکو و ادینبورگ که در حال پیوستن به هم دیگر بودند دریافت که شکل جدیدی از سکونتگاه‌های شهری در حال ظهور است در حالی که مفاهیم موجود نمی‌توانند معرف

این پدیده جدید باشند. وی اظهار می‌دارد:

"ما برای تمرکز بر چنین انواع جدید سازمان سکونتی و به عبارت دیگر دگرگونی جغرافیایی شهرها و روستاها نیازمند ابداع و بسط واژه‌شناسی مناسبی هستیم. ما باید نام‌های مناسبی برای این انواع شهر-منطقه‌ها و یا این نوع مجموعه‌های شهری" بسازیم. مجموعه‌هایی که نمی‌توان آنها را مجموعه کنگومرایی نامید اگرچه به لحاظ محتوایی به آن بسیار نزدیکند. اما منظومه شهری (کان اوریبشن) چگونه؟ به نظر می‌رسد این واژه بسیار مناسبی برای اطلاق به این پدیده نوظهور باشد (Geddes, 1915). از نظر گس منظومه شهری نوعی ابر شهر است که با به هم پیوستن و ادغام شهرهایی که پیشتر از هم مجزا بوده‌اند به وجود می‌آید (Cave 2005; Whittick, 1974; Johnston et al, 2000). بر اساس واژه‌نامه مرییم وبستر^{۲۰} به لحاظ لغوی این واژه ترکیبی از پیشوند "con" به مفهوم پیوسته بودن یا با هم بودن و "urb" به معنای شهر است که در ترکیب، به معنای شهرهای به هم پیوسته است (به نقل از ربردست، ۱۳۷۷: ۴۲۰).

در دیدگاه و تلقی در بین شارحان ایده‌های گس درباره منظومه شهری قابل فهم است. بخش عمده‌ای از آنها منظومه شهری را نواحی شهری پیوسته‌ای تعریف می‌کند که از به هم پیوستن چندین شهر از پیش مستقل به وجود آمده است. پیوستگی کالبدی در این تلقی از منظومه شهری اصلی پایه محسوب می‌شود. اما به نظر می‌رسد نوع دیگری نیز می‌توان به آنچه در ذهن گس وجود داشت نگاه کرد و آن اینکه وی درباره شهرهایی فکر و کار می‌کرد (در بستر زمانی اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم) که از لحاظ کالبدی از هم جدا هستند اما به قدری به هم نزدیکند که امکان اشتتلاف و ادغام آنها در آینده وجود دارد. همانگونه که روشن می‌شود، در این تلقی از منظومه شهری که کمتر مورد توجه واقع شده است، پیوستگی کالبدی، شرط محسوب نمی‌شود.

شناخته شده‌ترین فرد موثر بر رواج دیدگاه و تلقی اول از مجموعه شهری رامی‌توان سی.ب. فاوست^{۲۱} دانست که در مطالعات خود درباره شهرهای بزرگ که در کتاب تاثیرگذارش "استان‌های انگلستان" (۱۹۱۹)^{۲۲} به چاپ رساند، تاثیر عمده‌ای بر مفهوم منظومه شهری داشته است. وی معنای بسیار محدودتری به آنچه در تعریف گس درباره منظومه شهری است می‌دهد. از نظر وی منظومه شهری ناحیه‌ای است با مجموعه پیوسته مساکن، کارخانجات و دیگر بناها، بنادر، پارک‌های شهری و زمین‌های بازی که از یکدیگر به واسطه وجود زمین‌های کشاورزی مجزا نیستند. اگرچه وی معترف است که چنین ناحیه شهری می‌تواند در درون خود شامل زمین‌های روستایی محصور باشد که هنوز به شکل یک حفره درون ناحیه پیوسته شهری به کشاورزی اشتغال دارد. به عبارت دیگر منظومه شهری از دید فاوست با مرزهای ناحیه ساخته شده فشرده شهری پایان می‌پذیرد (گولد، ۱۳۷۶: ۸۱۳، ۱۹۶۴: 237). اگر تعریف و تلقی دوم از منظومه شهری گس به مفهوم منطقه شهری چند هسته‌ای و یا مگالوپلیس شباهت داشته باشد، مفهوم منظومه شهری از دیدگاه فاوست که بعدها ملاک عمل مطالعات بعد از خود قرار گرفت، به مفهوم ابر شهر ساخته شده بیشتر شباهت

دارد که در آن ملاک "پیوستگی کالبدی چند شهر مستقل همجوار" از تعریف منظومه شهری حذف شده و این مفهوم به یک ناحیه شهری پیوسته‌ای قابل اطلاق است که می‌تواند از گسترش‌های متحدالمرکز یک شهر بزرگ نیز به دست آید [مانند تهران]. به این ترتیب فاوست به تعریف منظومه شهری مصادیق دیگری را نیز اضافه می‌کند با وجود این تلقی دوم از منظومه شهری را به کناری می‌گذارد. این تلقی که آن را می‌توان تلقی فاوستی از منظومه شهری نامید، آنقدر مورد تاکید قرار می‌گیرد که جان پار (Parr, 2007, 384) از نظریه پردازان اقتصاد فضایی معاصر همانند آثار دیگر (Small and Witheric, 1995) بر وجود دو نوع منظومه شهری تک هسته‌ای و چند هسته‌ای اذعان داشته و تاکید دارد که:

"[ابر] شهر ساخته شده می‌تواند نتیجه گسترش پیرامونی یک شهر در قالب نوارهای متوالی و پیوسته باشد مانند برلین، لندن و پاریس و یا به دلیل به هم پیوستن نواحی شهری مستقل همجوار به شکل یک ناحیه کلان‌شهری واحد ظاهر شود مانند بیرمنگام، بوستون، منچستر و... که دقیقاً با روح تعریف گس از منظومه شهری همخوانی دارد. در هر صورت نباید به خود اجازه دهیم که بپذیریم ابر شهر ساخته شده [یا منظومه شهری] می‌تواند دارای قطعات غیرشهری مانند پارک‌ها و ذخیره‌گاه‌های طبیعی، نوارهای سبز و یا هر محدودیت‌های کاربری زمین باشد که موجب عدم پیوستگی در سطح شهری شود"

با وجود غلبه این فهم از منظومه شهری هنوز در برخی منابع (Pitzel, 2004) و در تعریف منظومه شهری به مصادیقی از مگالوپلیس‌ها ارجاع داده می‌شود که روشن می‌کند تعریف و تلقی دوم از منظومه شهری هنوز مورد استفاده است که شرط پیوستگی کالبدی در آن اصل محسوب نمی‌شود.

۲-۳- ناحیه کلان شهری

این مفهوم پیش از آنکه نتیجه نوعی مفهوم سازی علمی باشد، یادآور نوعی تعریف رسمی و آماری از "نواحی شهری" در آمریکا است. مطالعات زبردست (۱۳۸۷، ۹۵-۷۷) نشان می‌دهد که این روش‌شناسی از سوی کشورهای دیگری نیز برای تعریف نواحی شهری و کلان شهری در چند دهه اخیر مورد اقتباس قرار گرفته است. از این رو، مفهوم ناحیه کلان شهری در این جا ارتباط چندانی با مفهوم کلان شهر چه از دید آماری و چه از دید هنجاری و جامعه‌شناختی ندارد. زیرا این مفهوم اساساً برای تعریف آماری از نواحی شهری در آمریکا ارائه شده است به طوری که هر ناحیه شهری با جمعیتی ۱۵۰۰۰۰ نفری می‌تواند از این عنوان بهره‌مند شود. با وجود این، بعد از گذر از آستانه جمعیتی خاص در تعریف آن، برای مثال یک میلیون نفر که در قالب مفهوم ترکیبی دیگری تعریف می‌شوند، می‌توان از انطباق این مفهوم با مفهوم "کلان شهر" در معنای خاص آن و به عنوان پایتخت منطقه‌ای بحث کرد.

از دهه ۱۹۱۰ اداره بودجه آمریکا واژه‌های مختلفی را برای توصیف مکان‌هایی که کاملاً شهری شده‌اند اما مرزهای سیاسی آنها مناسب چندانی با توصیف ناحیه مورد نظر ندارد، مورد استفاده قرار داد است. با وجود این، اولین باز تعریف نواحی کلان شهری

به همدیگر پیوند خورده‌اند که تجمع شهری به عنوان یک کل، نوعی منطقه شهری عملکردی را شکل می‌دهد (Hutchison, 2009, 838).

اگر آستانه جمعیتی ۵ میلیون نفر را بپذیریم، در سال ۲۰۰۰ تعداد ۳۹ تجمع شهری در جهان وجود داشته است: مکان‌هایی مانند پاریس، استانبول و یا مسکو. شش تجمع بزرگ جهان شامل توکیو، مکزیکوسیتی، بمبئی، سائوپولو، نیویورک و لاگوس هستند. توکیو با جمعیتی حدود ۳۵ میلیون نفر، مکزیکوسیتی با ۱۹ میلیون و بمبئی با ۱۷ میلیون به ترتیب بزرگترین تجمع‌های شهری در جهان هستند (ibid).

واژه تجمع شهری دارای برخی معادل‌های مترادف است. شهر - منطقه، ابرشهر، ناحیه شهری شده، منطقه شهری عملکردی و حوزه شهری اگرچه نه در محتوا بلکه در مقصود مشابهند. هر کدام به تراکم‌های جغرافیایی جمعیت و فعالیت‌های اقتصادی - اجتماعی و به خوشه‌گیری فضایی شهرهای بزرگ و کوچک، شهرک‌ها و روستاها در قالب یک "ناحیه ساخته شده" اشاره دارند. واژه ناحیه کلان‌شهری در ایالات متحده مورد دیگری است که برای تعریف یک شهر مرکزی و سکونتگاه‌های حومه‌ای اطراف آن اشاره دارد. اما ناحیه کلان‌شهری یک ناحیه تک مرکزی است. با وجود این، با بزرگتر شدن ناحیه کلان‌شهری و شکل‌گیری شهر-لبه‌ها [گرایش به شکل چند مرکزی]، این دسته نواحی شباهت بیشتری به تجمع‌های شهری یافته است. مشابه‌ترین واژه‌ها به تجمع شهری مفهوم منظومه شهری است. بر اساس تعریف، در صورت غایب‌الگوی چند هسته‌ای در منظومه شهری می‌توان از مشابهت آن با مفهوم تجمع شهری سخن گفت. در طرف مخالف، برخی محققان مدعی هستند که منظومه شهری شکل چند هسته‌ای یک تجمع شهری است. بنابراین تجمع شهری را به شکلی از توسعه تک هسته‌ای تقلیل می‌دهند. از سوی دیگر برخی محققان دیگر استدلال می‌کنند که مفهوم ناحیه کلان‌شهری را به آنگونه که در آمریکا تعریف شده است - و بسیار محدود به قلمروهای اداری و متکی بر شهر مرکزی است - نمی‌توان معادل تجمع شهری فرض نمود (ibid, 839).

بر هر حال با وجود اغتشاش واژه شناختی موجود یک نکته نسبتاً روشن است و آن اینکه تجمع شهری چه مفهومی تک هسته‌ای باشد و چه مفهومی چند هسته‌ای، چه درونش سکونتگاه‌های روستایی وجود داشته باشد یا نداشته باشد، برگستره ناحیه ساخته شده کالبدی دلالت دارد که تراکم سرجمع آن در حد تراکم شهری است. به عبارت دیگر تجمع شهری گستره ناحیه ساخته شده شهری است که فضاهای باز و نواحی روستایی که اغلب در ماه روستایی شهری وجود دارند، گسستگی در پیوستار فضایی این ناحیه ایجاد نمی‌کنند.

۲-۶- منطقه شهری عملکردی

در نیم قرن گذشته، یک رشته از تحقیقات در پی آن بوده‌اند تا شهر را با بازارهای کار فضایی گسترده‌اش در ارتباط با هم ببینند. در بریتانیا این امر مستلزم مطالعه سفرهای آونگی و بسیار اخیرتر در تلاش برای تعریف نواحی سفر-به-کار^{۳۸} نمود پیدا کرده است که اول بار در سال ۱۹۵۳ مطرح شد. در آمریکا این رویکرد تقریباً متفاوت بوده است و این تفاوت احتمالاً بازتاب گستره وسیع‌تر

در آمریکا با عنوان نواحی کلان‌شهری استاندارد (SMA) در سال ۱۹۴۹ انجام شد که در سال‌های ۱۹۵۹ و ۱۹۸۳ به ترتیب جای خود را به مفاهیمی چون ناحیه آماری کلان‌شهری استاندارد (SMSA) و ناحیه آماری کلان‌شهری (MSA) تغییر صورت داد. اکنون واژه شناسی مرجع برای چنین نواحی از دهه ۱۹۹۰ به بعد اصطلاح "ناحیه کلان‌شهری (MA)" است که هم برای نواحی آماری کلان‌شهری و هم نواحی آماری کلان‌شهری یکپارچه (CMSA) به کار می‌رود. تعریف کنونی برای ناحیه کلان‌شهری مکانی است که دارای حداقل یک شهر با جمعیت ۵۰۰۰۰ نفر (شهر مرکزی) بوده و جمعیت کلان‌شهری آن بالغ بر ۱۰۰۰۰۰ نفر (۷۵۰۰۰ نفر در نیوانگلند) باشد (Pitzl, 2004; Shumsky, 1998). در خارج از آمریکا، این واژه اگرچه کاربرد محدودتری دارد، با این وجود بیشتر با مفهوم منظومه شهری، ابرشهر و تجمع شهری نزدیک است که هر سه مفهوم برگستره شهری ساخته شده تأکید دارند.

۲-۴- ابرشهر

نخستین کاربرد واژه ابرشهر در مورد تجمع‌های بسیار بزرگ شهری از سوی جانیس پرلمان^{۳۹} در اواسط دهه ۱۹۷۰ صورت گرفته است. میزان جمعیت معیار اصلی تعاریف ابرشهر است. ابرشهرها بسته به زمان و منبع تعریف (مانند بانک توسعه آسیایی یا سازمان ملل) کلان‌شهرهایی تعریف شده‌اند که دارای جمعیتی بیش از ۸.۵ و یا ۱۰ میلیون نفر هستند. در برخی تعاریف، حداقل تراکم جمعیتی ۲۰۰۰ نفر در کیلومتر مربع مورد تأکید قرار گرفته است. گاهی منظومه‌های شهری وسیع با تراکم‌های جمعیتی کمتر نیز در زمره ابرشهرها دسته‌بندی شده‌اند (مانند ناحیه روهر در آلمان یا شهر - حومه یکپارچه تورنتو در کانادا) (Caves, 2005, 454). اگرچه [از دید کمی] ابرشهرها در کشورهای درحال توسعه اکنون بر شرکای دنیای صنعتی خود برتری یافته‌اند، با این وجود فاقد نفوذ جهانی اقتصادی و سیاسی هستند که ابرشهرهایی چون نیویورک، لندن، توکیو و یا پاریس را سزاوار عنوان جهان شهر یا شهر جهانی کرده است (ibid). بر اساس تعریف، مفهوم ابرشهر بیشتر یک مفهوم آماری از شهرهای بسیار بزرگ است و می‌تواند با مفهوم کلان‌شهر و منظومه شهری به لحاظ مشخصه‌های فضایی شباهت‌های بسیاری داشته باشد.

۲-۵- تجمع شهری

سازمان ملل متحد، تجمع شهری را "قلمروهای پیوسته جمعیتی با سطح تراکم مسکونی شهری" بدون توجه به مرزهای اداری سیاسی موجود در آنها - تعریف می‌کند. این تعریف محتوی این ایده است که تجمع شهری شامل طیف مکان‌هایی است از شهرهای بزرگ تا روستاهای کوچک با تراکم پایین و حتی روستایی که درون آنها پخش شده است به طوریکه الف: یک تجمع شهری دارای تراکم جمعیتی است که از سطح روستایی فراتر بوده به طوریکه می‌تواند به عنوان تراکم‌های شهری دسته‌بندی شود. ب: تجمع شهری شامل یک یا چند شهر بزرگ و تعدادی شهرها و شهرک‌های کوچک‌تر است. علاوه بر این تجمع شهری دارای شکلی چند هسته‌ای و یا چند مرکزی است. پ: مکان‌های مختلف درون تجمع شهری به گونه‌ای

مجموعه های کنگلومرایی برای اطلاق به این پدیده استفاده کرده است. اما به نظر می رسد از دید وی، واژه شهر-منطقه یا دیگر واژه ها، فاقد معنی و محتوای روشن و خاص برای اطلاق به چنین پدیده هایی بودند. به عبارت دیگر این واژه فارغ از معنایی خاص در نوشته های گدس وجود داشته است (Geddes, 1915).

اگر چه به اعتقاد بسیاری از صاحب نظران علوم منطقه ای (Camagni, 2001; Porter, 2001) مفهوم منطقه و به ویژه شهر-منطقه تحت تاثیر جهانی شدن در حال تبدیل شدن به نقطه کانونی مهم در عرصه اقتصادی و تبع آن سیاستگذاری است، با وجود این به نظر می رسد هیچ تعریف مشترک پذیرفته شده ای برای این واژه وجود ندارد (Parr, 2005). مطالعات پار نشان می دهد که در بریتانیا چهار نوع تلقی از شهر-منطقه در متون و اسناد مرتبط این کشور وجود دارد که هر کدام ماهیت و گستره جغرافیایی متفاوتی را شامل می شود به طوری که طیفی از مناطق رسمی یا اداری بزرگ (نه منطقه در انگلستان) تا خرد منطقه های منتج از تقسیم این مناطق اداری و... را دربر می گیرد (Parr, 2005, 563-564).

با این وجود، بسیاری از اندیشمندان علوم منطقه ای یادآوری کرده اند شهر-منطقه [کلان شهری] یک هویت عملکردی و یک منطقه گرمی است. از این رو در تعریف آن به جای تاکید بر ویژگی هایی چون همگنی درونی و یا تمایز درونی در ارتباط با دیگر مناطق، بر روابط عملکردی بین شهر مرکزی و محیط پیرامون تاکید می شود. اولین تلاش برای صورت بندی ساختار فضایی کلی شهر-منطقه ها یا مناطق کلان شهری توسط جامعه شناس امریکایی آر. دی. مکنزی^۲ در سال ۱۹۲۳ انجام شده است که بعدها با تحقیقات افرادی چون دیکنسون (Dickenson, 1964, 12-13) ادامه یافت. اگر از تحقیقات گذشته گذر کنیم، یکی از اخیرترین تلاش ها در تعریف ساختار شهر-منطقه ها، مجموعه تحقیقات جان پار (Parr, 2005) از دانشگاه گلاسگو است.

از دید وی، شهر-منطقه دارای دو عنصر سازنده اصلی است: شهر (ناحیه مرکز) و قلمرو پیرامون آن (ناحیه پیرامون). این دو دسته ناحیه یا زون شکل جامع و مانعی به تعریف شهر-منطقه می بخشد. ناحیه م یا مرکز شامل یک ناحیه شهری و ساخته شده پیوسته ای است با جمعیتی که از یک حداقل مشخص بیشتر است. این ناحیه می تواند در اصل یک کلان شهر باشد که در اثر رشد مداوم و پیرامونی یک شهر شکل گرفته است [منظومه شهری در تعریف فاوست] یا یک ناحیه شهری که از به هم پیوستن چند مرکز شهری مستقل به وجود آمده است [منظومه شهری در معنی دقیق گدسی]. در کل ناحیه مرکز، هم هسته تاسیس خدمات محسوب می شود و هم گره مهم ارتباطات و حمل و نقل. این ناحیه همچنین کانون مالکیت، کنترل، سازمان های تجاری و یا بازرگانی و نهادهای اداره عمومی است.

ناحیه پ یا پیرامون در طرف دیگر، قلمروی است که بیشترین ارتباط و پیوند را با ناحیه مرکز شهر-منطقه دارد. ناحیه پ به نسبت جمعیت روستایی دارای جمعیت شهری نیز هست و هرچه

کشور و سطح بالای جریان های سفر روزانه بوده است. برای برخورد با پیچیدگی موضوع سفرهای آونگی در تعریف مناطق شهری (Parr, 2007, 383) و همزمان با نارضایتی از مفهوم ناحیه عملکردی موجود یعنی ناحیه آماری کلان شهری استاندارد به عنوان واحد تحلیل (Parr, 2005, 563) برایان بری و همکارانش^۳ در سال ۱۹۶۸ مفهوم جدیدی را با عنوان ناحیه اقتصادی عملکردی^۴ مطرح کردند. از دید بری برای یک بازار کار ویژه (مجموعه شهرستان هایی که نیروی کار را به طور روزمره به شهرستان مرکزی می فرستند) ناحیه اقتصادی عملکردی عبارتند از: "همه آن شهرستان های درون بازار کار که برای آنها نسبت کارگران ساکن که به شهرستان های مرکزی سفر می کنند فراتر یا بیشتر از نسبت افرادی است که به دیگر شهرستان های مرکزی سفر می کنند".

مفهوم ناحیه اقتصادی عملکردی با جرح و تعدیل هایی بعدها در اروپای غربی نیز به کار گرفته شد. این مفهوم در اروپا به منطقه شهری عملکردی تغییر نام داد. در مطالعه ای از مناطق شهری شش کشور اروپایی که از سوی بروئل در سال ۲۰۰۲ به انجام رسید، آن محدوده یا شهرداری جزء منطقه شهری عملکردی محسوب شده است که حداقل ۱۰ درصد نیروی شاغل آن برای کار به شهر یا کلان شهر مرکزی سفر می کنند. محاسبه بر این مبنای گسترده این هویت فضایی جدید را بسیار وسیع می سازد. مساله ای که در کاربرد این مفهوم در اروپا روی می دهد گستره بسیار وسیع این هویت فضایی است: بیش از ۱۵۰ کیلومتر قطر در مورد پاریس و لندن. ارزش نظری واقعی این مفهوم در توانایی آن برای برجسته ساختن پیوند های بین ناحیه شهری ساخته شده و قلمرو پیرامونی است (Parr, 2007, 383) یقیناً هر چه میزان این درصد کمتر گردد، منطقه شهری عملکردی وسعت بیشتری خواهد داشت (Parr, 2005, 563).

این نوع منطقه نیز همانند مفهوم شهر-منطقه شامل دو بخش مرکز و قلمرو پیرامونی است. از دید جان پار منطقه شهری عملکردی در شکل خاص خود مقیاس یا مفهوم دیگری از شهر-منطقه است (Parr, 2005, 563-4) که بیشتر بر اساس سفرهای آونگی تعریف می شود و همانند آن می تواند برای هر منطقه عملکردی که پیرامون هسته های شهری و کلان شهری با اندازه های مختلف شکل می گیرد، به کار رود.

۲-۷-شهر-منطقه

مفهوم شهر-منطقه با وجود کاربرد پذیری گسترده اش هنوز یکی از مفاهیم مبهم و چالش برانگیز در این حوزه به شمار می آید. واژه شهر-منطقه [به عنوان مفهومی خاص برای اطلاق به پدیده ای فضایی] اول بار در سال ۱۹۴۷ از سوی رابرت دیکنسون مطرح گردید (Parr, 2005). اما لازم به یادآوری است که گدس در دهه ۱۹۱۰ و در کتابش "شهرها در تحول" در جستجو برای یافتن مفهومی متناسب برای پدیده های نو ظهوری مانند منظومه های شهری از واژه هایی چون شهر-منطقه، مجموعه های شهری و

شهر-منطقه‌های توسعه یافته‌تر باشد، سهم جمعیت شهری آن بیشتر است. جمعیت شهری این قلمرو در مراکز با اندازه جمعیتی متفاوت استقرار یافته‌اند و ممکن است یکی یا چند مرکز موجود در این قلمرو نسبت به ناحیه مرکز به نسبت دارای اندازه بزرگی باشند. ناحیه پ ناحیه‌ای است برای تولید مواد غذایی و مواد خام و در بسیاری موارد کالاهای کارخانه‌ای. این ناحیه همچنین قلمرویی است برای تولید خدمات تفریحی و در ضمن منبع مهمی برای تامین نیروی کار و سرمایه شهر مرکزی (ibid).

۲-۸- منطقه کلان شهری

از دید اندیشمندان گذشته مانند مکزی و دیکنسون، تفاوتی بین مفهوم شهر-منطقه و منطقه کلان شهری به لحاظ ماهیت و ساختار فضایی وجود ندارد، اگرچه مطالعات دانشگاهی اخیر به ویژه تحت تاثیر جهانی شدن معنای هنجاری ویژه‌ای به شهر-منطقه بخشیده است که آن را از منطقه کلان شهری متمایز می‌سازد. مفهوم شهر-منطقه کلان شهری به عنوان یک هویت جغرافیایی با ارجاع به گستره فضایی دقیق ارتباطات خاص با شهر قابل تعریف است. دیکنسون چهار فرایند اصلی موثر را تعریف می‌کند که با همدیگر کار می‌کنند، به طور متقابل بر همدیگر اثر می‌گذارند و به ما اجازه می‌دهند تا فضای شهر-منطقه کلان شهری را تعریف کنیم. اگر چه مرزها و شاخص‌های این چهار فرایند منطبق بر خطوط روشن جغرافیایی روی نقشه نیستند، اما ماهیتی هاله مانند دارند. این فرایندها عبارتند از شبکه روابط تجاری، روابط اجتماعی، جریان جمعیت و اثرات شهرمرکزی بر کاربری زمین نواحی پیرامونی (Dickenson, 1964, 28).

اگر از واژه شناسی جغرافیای زمان استفاده کنیم، منطقه کلان شهری نیز همانند شهر-منطقه ساختاری است که متاثر از خط سیرهای افراد در زندگی روزمره شان شکل می‌گیرد، که این خود یادآور مفهوم مهم دیگری است و آن "فضای جریان‌ها" است. در این دید، منطقه کلان شهری به عنوان فضای جریان‌ها تعریف می‌شود به ویژه بر حسب سفرهای آونگی بین نواحی مسکونی و مکان‌های مرکزی (Hutchinson, 2009, 510). علاوه بر این، تعریف دیگری نیز از منطقه کلان شهری به ویژه در سال‌های اخیر ارائه شده است که تعریفی آماری و رسمی از این مفهوم است که البته هم تحت تاثیر معیارهای عملکردی و هم آماری و جمعیتی ارائه می‌شود.

تعریف ارائه شده از منطقه کلان شهری از سوی سازمان توسعه و همکاری‌های اقتصادی (OECD, 2006) به تبعیت از تعریف آماری از "کلان شهر" بنا شده است. تمامی شهرهای بالای یک میلیون نفر جمعیت در کشورهای عضو این سازمان در صورت دارا بودن چند پیش شرط به عنوان منطقه کلان شهری تعریف می‌شوند. تعریف ارائه شده از این سازمان بر اساس سه معیار اندازه شهر مرکزی، تراکم و سفرهای آونگی تعریف شده است. به این ترتیب که اگر در ناحیه مورد بررسی کمتر از ۱۵ درصد جمعیت در اجتماعات با تراکم کمتر از ۱۵۰ نفر در کیلومتر مربع زندگی می‌کنند آن ناحیه به عنوان یک ناحیه شهری محسوب خواهد شد. حال اگر در این ناحیه

شهر-منطقه توسعه یافته‌تر باشد، سهم جمعیت شهری آن بیشتر است. جمعیت شهری این قلمرو در مراکز با اندازه جمعیتی متفاوت استقرار یافته‌اند و ممکن است یکی یا چند مرکز موجود در این قلمرو نسبت به ناحیه مرکز به نسبت دارای اندازه بزرگی باشند. ناحیه پ ناحیه‌ای است برای تولید مواد غذایی و مواد خام و در بسیاری موارد کالاهای کارخانه‌ای. این ناحیه همچنین قلمرویی است برای تولید خدمات تفریحی و در ضمن منبع مهمی برای تامین نیروی کار و سرمایه شهر مرکزی (ibid).

ساختار تعریف شده برای مفهوم شهر-منطقه در این جا به گونه‌ای است که کاملاً تعمیم پذیر به دیگر مفاهیم مقیاس کلان مانند منطقه کلان شهری است. اگر بخواهیم بین منطقه کلان شهری و شهر-منطقه تمایزی ایجاد کنیم، می‌توان گفت که منطقه کلان شهری، شهر-منطقه‌ای است که در هسته آن یک کلان شهر با ماهیت کلان شهری قرار دارد نه هر شهری با هر ویژگی و مقیاسی. مفهوم شهر-منطقه از دید مشخصه‌های فضایی و با کاربردی که در متون مختلف یافته است، به استثنای بعد هنجاری تعریف آن که تحت تاثیر جهانی شدن نوعی بازحیات بخشی در متون دانشگاهی و اسناد سیاستی یافته است به گونه‌ای است که برای بسیاری از مفاهیم پیش گفته مانند منظومه شهری، تجمع شهری، منطقه کلان شهری، ابرشهر و تجمع شهری قابلیت کاربرد دارد. از دید رابرت بیورگارد (۲۰۰۹)، یکی از ویراستاران دایره المعارف مطالعات شهری، این نه به دلیل فراگیری و شمولیت تئوریک بلکه به دلیل عدم دقت در تعریف شهر-منطقه است (Hutchison, 2009, 840).

از دید ریخت شناختی، برخی از محققین، شهرمنطقه‌ها را پیشرفته‌ترین مرحله توسعه شهری می‌دانند. این شکل جدید، متفاوت از الگوی توسعه کلان شهری سنتی است که در آن شهر یا کلان شهر مرکزی تسلط و کنترل سیاسی، اقتصادی و نمادینی را بر پیرامون خود اعمال می‌کند. مفهوم شهر منطقه در ادبیات معاصر بیشتر نشان دهنده نوعی چند مرکزیت و یا رد تسلط کلان شهری است (Bevir, 2007, 83-84). افراد دیگری نیز با وجود مناسب دانستن استفاده از این مفهوم در مطالعه شهر و محیط پیرامونی تاکید دارند که این مفهوم ضرورتاً برای همه شهرها و در همه زمینه‌ها قابل کاربست نیست (Collin et al, 2003, 26). اگر مفهوم منطقه کلان شهری در پی تاکید بر روابط عملکردی است که شهرها و نواحی پیرامونی آنها را وحدت می‌بخشد، مفهوم شهر-منطقه در سال‌های اخیر به آن ابعاد کارکردی مناطق کلان شهری ارجاع داده می‌شود که بر حسب خلاقیت، نوآوری و رقابت پذیری اقتصاد جهانی تعریف می‌شود (Hutchison, 2009, 512).

روشن است که وجود این چنین پیش شرط هنجاری در استفاده از این مفهوم باعث می‌شود در بسیاری از متون مرتبط با جهانی شدن و توسعه شهری در دو دهه اخیر (Scott, 2001; Sassen, 2001)، مفهوم شهر-منطقه و شهر-منطقه‌های جهانی بدل به مفهومی یگانه و بدون جانمیشین گردد، زیرا این شهرها و

و مقیاس مجموعه شهری به هیچ وجه نمی توان از مفهوم منظومه شهری یا مفاهیم مشابه آن مانند ناحیه کلان شهری یا تجمع شهری برای اطلاق آن بهره برد.

۲-۱- منطقه شهری چند هسته ای

منطقه کلان شهری، شهر-منطقه و منطقه شهری چند هسته ای سه مفهومی هستند که به ترتیب میزان غلبه مرکز بر پیرامون مرتب شده اند. اگر در مفهوم منطقه کلان شهری غلبه و تسلط مرکز بر شهرها و محیط پیرامونی در اوج خود قرار دارد، این شرایط در شهر-منطقه کمتر شده و در مناطق شهری چند هسته ای به حداقل خود می رسد. به عبارت دیگر تفاوت اصلی در میزان غلبه شهر اصلی بر پیرامون است.

چند مرکزگرایی اساساً به معنی وجود چندین مرکز در یک ناحیه مشخص است که به نظر می رسد در دو دهه اخیر به چشم انداز شهری غالب در کشور های پیشرفته بدل شده است (Kloosterman and Musterd, 2001, 823). سال ۱۹۹۹ نقطه عزیمت جریان چند مرکزگرایی در اروپا بود که با انتشار چشم انداز توسعه فضایی اروپایی^{۳۳} (ESDP) تحقق پیدا کرد. مجموعه سیاست های این چشم انداز از آن پس در پی تقویت چند مرکزیت در اروپا بر آمده است (Albrecht, 2001, 298). این چند مرکزیت، هم در سطح قاره ای و هم در سطح ملی و خرد ملی دنبال شده است. در سطح ملی به تبعیت از سیاست های چشم انداز توسعه فضایی اروپایی بسیاری از کشور ها از جمله انگلستان (Wong, 2002)، اسپانیا (Farinos et al, 2005) و هلند (Needham, 2005) دست به تغییر نظام برنامه ریزی ملی زده و گذار به برنامه ریزی فضایی^{۳۴} با هدف تعادل بخشی به توسعه قلمرویی و ایجاد و تقویت نهاد های منطقه ای را در پیش گرفته اند. در سطح قاره ای نیز چند مرکزیت در قالب اعتلای مراکز آلترناتیو در بیرون از پنتاگون معروف اروپایی^{۳۵} (اروپای شمال غربی) دنبال شده است (Hall and Pain, 2006, 4). مناسب ترین ترجمان سیاست چند مرکزیت در سطح محلی را می توان اعتلای الگوی توسعه چند هسته ای در مناطق کلان شهری یا شهر منطقه ها دانست.

مرور متون صورت گرفته از سوی میجر (Meijers, 2005, 765) حاکی از این است که با وجود محدودیت متون مرتبط با این مفهوم، طیف متنوعی از مفاهیم مترادف با آن به کار رفته است مانند شهر-منطقه چند هسته ای^{۳۶}، شهرهای شبکه ای^{۳۷}، شبکه های شهری^{۳۸}، و مناطق کلان شهری چند هسته ای^{۳۹}. مفهوم منطقه شهری چند هسته ای را می توان از بعد ساختار فضایی و روابط بین شهری با مفاهیم کهن تری مانند شهر پراکنده^{۴۰}، مگالوپلیس و ایده شهر منطقه ای^{۴۱} مامفورد در ارتباط دید. متون مختلف، منطقه شهری چند هسته ای را مجموعه ای از شهرهای به لحاظ تاریخی متمایز و به لحاظ سیاسی و اداری مستقل تعریف می کند که در همجواری همدیگر قرار گرفته و از طریق زیرساخت های لازم دارای پیوند مناسبی با هم هستند. رانداشتات یکی از نمونه های اعلای منطقه شهری چند هسته ای است.

شهری، شهر یا منطقه شهری با بیش از یک میلیون نفر وجود داشته باشد باید پیش شرط های دیگری مانند سفرهای آونگی را ملاحظه نمود تا به حدود منطقه کلان شهری دست یابیم. اگر نواحی همپیوند با این شهر مرکزی دارای جمعیتی بیش از ۵۰۰ هزار نفر باشد و جمعیت کل ناحیه یک و نیم میلیون گردد، این قلمرو به عنوان منطقه کلان شهری تعریف می شود^{۴۲}. همانگونه که اشاره شد، اگرچه در آغاز مفهوم سازی شهر-منطقه و منطقه کلان شهری تمایزی بین این دو وجود نداشت، ولی تغییرات در کاربرد مفهوم شهر-منطقه و بسط کاربرد آن به ویژه در دو دهه اخیر نوعی معنای زمینه ای خاصی به آن بخشیده است که آن را از مفهوم منطقه کلان شهری، متفاوت می سازد (رک به تعریف شهر-منطقه).

۲-۹- مجموعه شهری

مفهوم مجموعه شهری اول بار در مصوبه طرح ریزی و مدیریت مجموعه شهری تهران و سایر شهرهای بزرگ کشور و شهرهای اطراف آنها مصوب ۱۳۷۴ مطرح شد. در اینجا اشاره به مختصات مجموعه شهری تهران می تواند در شناخت ماهیت این مفهوم به صورت تطبیقی کمک کند. تهران به عنوان پایتخت ایران و یک ابرشهر ساخته شده با وسعت حدود ۷۰۰ کیلومتر مربع و جمعیتی بالغ بر هشت میلیون نفر در مرکز هندسی مجموعه شهری تهران قرار گرفته است. مجموعه شهری تهران جمعیتی بالغ بر ۱۳ میلیون نفر داشته و مساحتی نزدیک به ۱۶۰۰۰ کیلومتر مربع را پوشش می دهد. جمعیت کنونی شهر تهران به عنوان کلان شهر مرکزی مجموعه شهری نزدیک به ۶۰ درصد کل جمعیت منطقه را به خود اختصاص می دهد و شامل ۲۲ منطقه شهرداری است که در مجموع ۴/۷ درصد مساحت کل منطقه را به خود اختصاص داده است. مجموعه شهری تهران بیش از ۹۰ درصد مساحت استان تهران را دربر می گیرد. در حال حاضر این محدوده متشکل از ۱۳ شهرستان و بیش از ۳۰ بخش (قلمروهای حکومتی) و بیش از ۵۰ محدوده شهرداری (قلمرو مدیریتی) است. در مجموعه شهری تهران منطقه کلان شهری تهران نزدیک ۱۲۰۰ نقطه روستایی وجود دارد که حدود ۲۰۰ مورد آنها دارای دهیاری یا نظام مدیریت مستقل روستایی هستند.

بر اساس تحقیق زبردست (۲۱۸،۱۳۸۷) در گزارش پژوهشی تعریف مجموعه شهری و تعیین شاخص های آن، مجموعه شهری محدوده ای است جغرافیایی که از یک شهر مرکزی و حداقل دو شهر پیرامونی و نواحی روستایی ما بین آنها تشکیل شده است که تمامی شهرهای پیرامونی آن با شهر مرکزی یکپارچگی اقتصادی، اجتماعی و خدماتی دارند. بر اساس این تعریف و توصیف جغرافیایی مجموعه شهری تهران، نزدیکترین مفهوم جهانی به آن، مفهوم منطقه کلان شهری یا منطقه شهری عملکردی است. به دلایل وجود ابعاد هنجاری مستتر در تعریف شهر منطقه، نمی توان از این مفهوم برای اطلاق به مجموعه های شهری در ایران استفاده کرد، ولی آنچه مسلم است این که به دلیل ماهیت، ساختار فضایی

امریکایی وجود دارد زیرا همانگونه که کاستلز (۱۳۸۰، ۴۷۲-۳) نیز تأکید دارد، ابر شهر منطقه چند هسته‌ای چه نمونه آسیایی و چه نمونه اروپایی آن یک شهر منطقه منسجم کارکردی ولو در مقیاسی بسیار بزرگ است. از این رو به لحاظ ماهیت، متفاوت از یک مگالوپلیس کلاسیک است که بیشتر نتیجه همجواری فضایی شهر منطقه‌های کارکردی مستقل است. مگالوپلیس و مفاهیم هم‌رتبه آن از لحاظ مقیاس فضایی بزرگترین انواع منطقه‌های شهر-بنیاد محسوب می‌شوند که از کنار هم قرار گرفتن مناطق شهری به لحاظ عملکردی مستقل شکل می‌گیرند.

۲-۱۲- ابرشهر-منطقه

این مفهوم اول بار به عنوان بازتعریفی از مگالوپلیس در آسیا و در نام گذاری سازمان فضایی در حال شکل‌گیری پیرامون دلتای رودخانه مروارید مطرح شد. با این وجود، ابر شهر منطقه هم از لحاظ لغوی و هم از دید مصادیق کاربرد آن در اروپا و حتی آسیا تفاوت ماهوی چندانی با مفاهیم منطقه کلان‌شهری، شهر-منطقه و منطقه شهری چند هسته‌ای ندارد، مگر مقیاس فضایی آن که گسترده‌ای بسیار بزرگتر از یک شهر-منطقه متعارف را در بر می‌گیرد. اگر چه همانگونه که پیشتر اشاره شد-مفهوم شهر-منطقه تلویحاً بر چند مرکزیت تأکید دارد، با وجود این اگر خواستار شود بر چند مرکزیت ابر شهر-منطقه‌ها تأکید مضاعفی شود، از مفهوم ابر شهر منطقه چند هسته‌ای^{۳۳} استفاده خواهد شد.

از دید پیتر هال و کتی پین (2006، 3) اگرچه ژان گاتمن اولین بار در سال ۱۹۶۱ در اثر پیشگام خود با عنوان "مگالوپلیس" الگوی اولیه ابر شهر-منطقه‌ها را تعریف نمود و مارتین مگریج و جان پار^{۳۴} در سال ۱۹۹۷ الگوهای مشابهی را در پیرامون لندن باز شناختند، با وجود این بازتعریف جدید آن در آسیای شرقی صورت گرفته است. در نواحی مانند دلتای رودخانه مروارید، دلتای رودخانه یانگتسه چین و جاکارتای بزرگ. این یک شکل جدیدی از سازمان فضایی و اسکان بشر محسوب می‌شود که مانوئل کاستلز (۱۳۸۰، ۴۷۱) آن را نتیجه فرایند قطب‌گرایی فضایی بین کلان‌شهری^{۳۵} می‌داند. ابر شهر منطقه دلتای رودخانه مروارید یکی از شناخته شده ترین نمونه این هویت فضایی جدید در آسیاست که در منطقه‌ای به وسعت ۵۰ هزار کیلومتر مربع گسترده شده و بسته به این که مرزهای آن را در کجا تعریف کنیم، جمعیتی بین ۴۰ تا ۵۰ میلیون نفر را دربر می‌گیرد (Hall and Pain, 2006, 3).

پیتر هال تأکید دارد که این ابر شهر منطقه‌ها صرفاً پدیده‌هایی خاص آسیا نیستند. تحقیقات اخیر در آمریکا ده ابر منطقه یا ناحیه مگالوپلیتنی تعریف کرده است که ۱۹۷ میلیون آمریکایی در آن ساکنند و این اشکال جدید واقعیت‌هایی هستند که در اروپا نیز مشاهده و بررسی شده‌اند (ر.ک. به تعریف ابر منطقه). اخیرترین مطالعه در این زمینه در اروپا تحقیقاتی است که سر پیتر هال و کتی پین طی آن تلاش کرده‌اند تا ۸ نمونه از این ابر شهر-منطقه‌های اروپایی را مورد مطالعه قرار دهند: ابر شهر-منطقه‌هایی چون لندن، پاریس، راندشتات، راین روهرو، راین ماین، منطقه شمال سوئیس، دوبلین، بزرگ و بلژیک مرکزی (ibid).

۲-۱۱- مگالوپلیس یا زنجیره شهری

مگالوپلیس اولین مفهوم سازی در سطح فرا شهر- منطقه‌ای است که بعد از چهار دهه، الهام بخش مفهوم سازی‌های دیگری در نوع خود بوده است. مفاهیمی مانند ابر منطقه در آمریکا و حتی ابر شهر-منطقه چند هسته‌ای در آسیا ملهم از آن شکل گرفته‌اند. دایره المعارف شهر (Caves, 2005, 455) تصریح می‌کند که اولین کاربرد این واژه در نقد کلان‌شهری شدن بزرگ مقیاس از سوی لوئیز مامفورد (در سال ۱۹۳۸) اتفاق افتاده است. وی فصلی از کتاب فرهنگ شهرها را تحت عنوان "ظهور و افول زنجیره شهری یا مگالوپلیس" به نقد نقش استثماری عریان این شکل از توسعه اختصاص داد که به قیمت نحیف تر شدن پسرکانه خود روز به روز قریب‌تری پیدا می‌کرد. مگالوپلیس یا زنجیره شهری که مشتق از دو واژه یونانی "مگا" و "پولیس" است معرف شهری بسیار عظیم است.

همزمان با انتشار این اثر از مامفورد و حتی بعدتر، جغرافی دان شهیر فرانسوی ژان گاتمن در طی سه دهه متوالی ۱۹۳۰، ۱۹۴۰ و ۱۹۵۰ مدیریت پروژه‌ای با عنوان "تحقیق درباره مگالوپلیس" را به عهده داشت. در این پروژه پایگاه آماری استفاده می‌شد تا بتوان براساس آن شهرستان یا کانتی‌های کلان‌شهری را از غیر کلان‌شهری تمیز داد. نقشه تهیه شده براساس این داده‌ها به روشنی نشان می‌داد یک سری از شهرستان‌های کلان‌شهری به صورت غیر منقطع از حومه بوستون تا ماساچوست و حومه واشنگتن دی. سی^{۳۶} گسترش یافته‌اند. از این نقشه روشن می‌شد که شکل شهری جدیدی در حال ظهور است. آنچه در حال شکل‌گیری بود ناحیه شهری توسعه یافته و واحدی بود که در طول ۵۰۰-۶۰۰ مایل در ساحل شمال شرقی آمریکا گسترش می‌یافت (Pitzl, 2004).

از دید دایره المعارف مطالعات شهری (Hutchison, 2009) از جمله نمونه‌های مطرح مگالوپلیس آمریکایی (به غیر از ساحل شمال شرقی با ۴۲ میلیون جمعیت در سال ۲۰۰۰) می‌توان به کریدور میلوکی-شیکاگو- دیترویت- پیتسبورگ^{۳۷}، لس آنجلس بزرگ- سن دیه گو- تیخوانا^{۳۸} و شاید منطقه شهری سان فرانسیسکو- سن خوزه- ساکرامنتو^{۳۹} اشاره کرد. از دیگر موارد خارج از آمریکا می‌توان به کریدور توکیو-ناگویا-اوزاکا با بیش از ۸۰ میلیون جمعیت، مناطق شهری با مرکزیت سائوپولو- ریودوژانیرو، پکن-تیانجین-تانگشان^{۴۰} و دلتای رودخانه مروارید^{۴۱} (هنگ کنگ- گوانگژو) و دلتای رودخانه یانگتسه^{۴۲} (شانگهای بزرگ) اشاره کرد.

آنچه از مصادیق اشاره شده در منابع مختلف از مگالوپلیس به دست می‌آید اینکه این مفهوم از لحاظ ماهیت و مقیاس فضایی بسیار نزدیک به مفاهیم دیگری چون ابر منطقه (بازتعریف آمریکایی مگالوپلیس بعد از ۲۰۰۰) و ابر شهر-منطقه چند هسته‌ای (بازتعریف آسیایی مگالوپلیس در دهه ۱۹۹۰) است. اگرچه دایره المعارف جدید مورد اشاره در ذکر مصادیق تفاوتی را بین مگالوپلیس و ابر شهر-منطقه ایجاد نمی‌کند، با وجود این تفاوت نسبتاً ظریفی بین ابر شهر-منطقه آسیایی و یاروپایی و مگالوپلیس یا ابر منطقه

ویژگی های محیطی، فرهنگی، زیرساختی و کارکردی همه طرح ها را وادار می کند تا نواحی بزرگی از نواحی غیر کلان شهری و روستایی را در محدوده ابر منطقه قرار دهند (ibid, 115).

۳- گونه شناسی مفاهیم مرتبط با منطقه شهر-بنیاد

هدف اصلی این مقاله ارائه تعاریف فضایی، انجام نوعی گونه شناسی و تبارشناسی از مفاهیم مختلف مرتبط با منطقه شهر- بنیاد است (رجوع کنید به جدول ۳ و نمودار ۱). از دید منطقی دو شکل بسیار کلی از منطقه شهر- بنیاد قابل تصور است که بر حسب وجود یا فقدان معیار پیوستگی کالبدی بین اجزای سازنده از هم قابل تفکیک هستند (تصور دوگانه از مفهوم منظومه شهری گدس نیز ناظر بر این دوگانگی منطقی و ممکن است). اشکال دسته اول این مفاهیم که بر پیوستگی کالبدی تاکید دارند، ناظر بر یک ابر شهر ساخته شده بزرگ و در برخی موارد بسیار بزرگ است که می تواند در دو ساختار فضایی متفاوت ظاهر شود: الف) ابر شهر ساخته شده ای که ناشی از گسترش متحدالمرکز یک شهر و یا کلان شهر است؛ ب) ابر شهر ساخته شده ای که با گسترش کالبدی و به هم پیوستن چندین شهر از پیش مستقل موجود در ناحیه شکل می گیرد (منظومه شهری در معنای دقیق گدسی آن). همانگونه که اشاره شد، این دسته مفاهیم منطقه شهر بنیاد را می توان بر حسب معیار پیوستگی کالبدی از دیگر مفاهیم بازشناخت. این مفاهیم عبارتند از کلان شهر، منظومه شهری، ابرشهر، تجمع شهری و ناحیه کلان شهری (در معنای غیر آماری و غیر امریکایی آن).

دیگر گروه مفاهیم کلان شامل آن دسته از مفاهیم منطقه شهر- بنیاد هستند که پیوستگی کالبدی در تعریف آنها جای خود را به معیار همبستگی کارکردی و همجواری فضایی می دهد. در این دسته مفاهیم بین عناصر سازنده لزوما پیوستگی کالبدی وجود نداشته و به جای آن می توان از معیارهای روابط کارکردی و همجواری فضایی در تعریف سود برد. این دسته مفاهیم بر حسب مقیاس فضایی و عناصر سازنده آنها به دو دسته مفاهیم مقیاس کلان و خیلی کلان تقسیم می شوند.

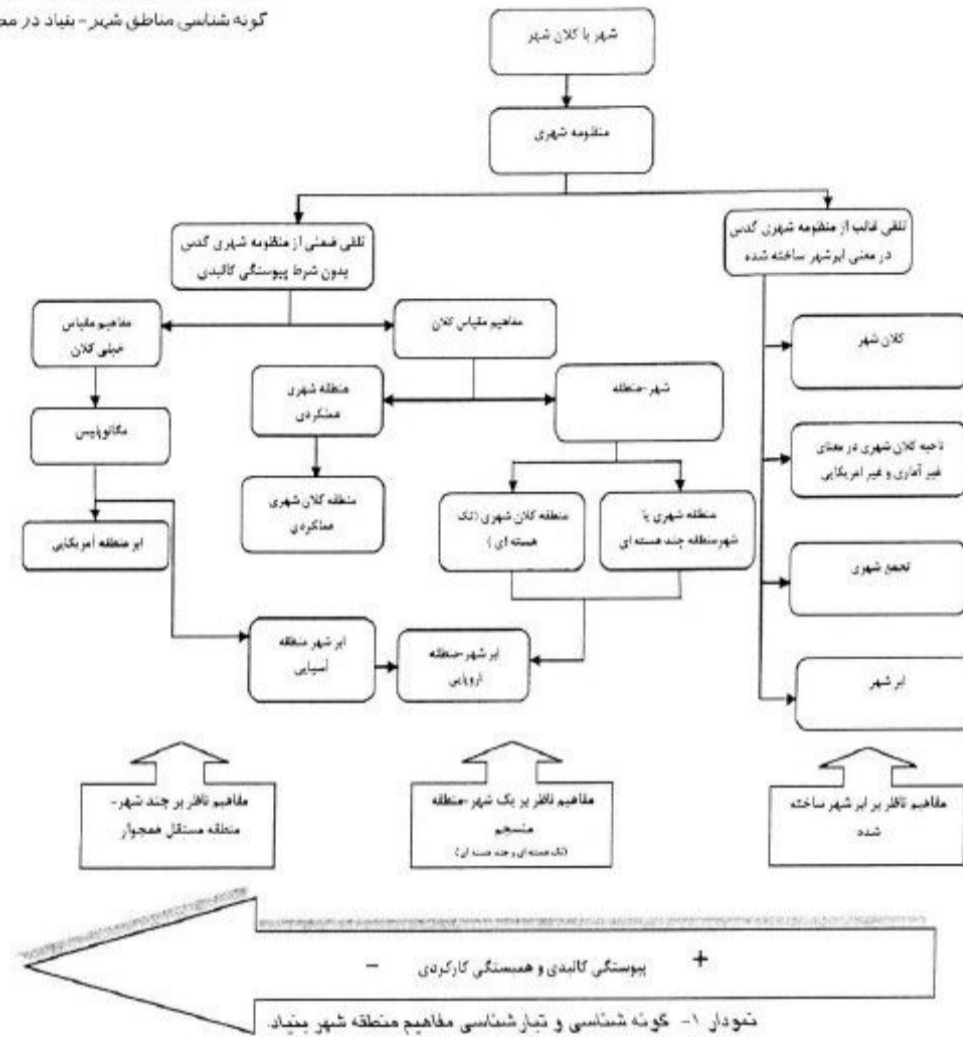
از جمله مفاهیم مقیاس کلان می توان به مفهوم شهر-منطقه و منطقه شهری عملکردی اشاره کرد. اجزای سازنده این مفاهیم شهرها و روستاها و مراکز کار و فعالیت و... هستند که در هاله روستایی- شهری پراکنده شده اند. اگرچه ساختار فضایی این دو مفهوم به طور ضمنی روشن است (شهر-منطقه ها میل به چند هسته ای شدن دارند و منطقه شهری عملکردی گرایش به تک هسته ای بودن دارد)، با این وجود همانگونه که پیشتر نیز در تعریف مفاهیم آمد، مفاهیم شهر-منطقه و منطقه شهری عملکردی دارای مقیاس فضایی چندان روشنی نیستند، به گونه ای که هر شهری با گذر از آستانه ای خاص می تواند برای خود منطقه ای را بر حسب جرم جمعیتی و فعالیت اقتصادی خودش سازمان

به نظر می رسد، این مفهوم به لحاظ مقیاس فضایی کاربرد دوگانه ای دارد. مصادیق آسیایی آن -که باز تعریفی از مگالوپلیس امریکایی است- از لحاظ مقیاس و جمعیت بسیار بزرگتر از نمونه ابرشهر-منطقه های اروپایی است. اگر بتوان پذیرفت که برای مثال دلتای رودخانه مروارید نوعی مگالوپلیس آسیایی است [اگرچه از لحاظ ساختار فضایی متفاوت از یک مگالوپلیس کلاسیک است که معمولاً شکلی خطی دارد و نیز از لحاظ وجود روابط عملکردی که خیلی مستحکم تر از مدل کلاسیک مگالوپلیس است] پذیرش آن حداقل برای همه ابر شهر منطقه های اروپایی بسیار مورد تردید خواهد بود. از دید تبارشناسی ابر شهر- منطقه های اروپایی از لحاظ ماهیت و مقیاس به مفهوم شهر- منطقه بسیار نزدیک ترند تا مگالوپلیس. به هر حال در کاربرد این مفهوم در اروپا، آسیا و امریکا باید به این نکته توجه داشت که مقیاس این مفاهیم و حتی ماهیت آن در سه قاره فوق متفاوت از هم است.

۲-۱۳- ابر منطقه

این مفهوم همراه با مفهوم مناطق مگالوپلیتنی اول بار در مقالات لنگ و داول (Lang and Dhavale, 2005) و گزارش های انجمن طرح منطقه ای (RPA) منتشر شد (به نقل از Lang and Knox, 2009). ابر منطقه مفهوم جدیدی است که متأثر از ایده مگالوپلیس گاتمن -که الهام بخش طرح ابر منطقه های امریکایی ۲۰۵۰ است- در متون مرتبط به ویژه در طرح مورد اشاره مورد تاکید قرار گرفته است. ابر منطقه نسخه دیگری از مگالوپلیس است. نیل پیرس (Hutchison, 2009, 502) در سال ۲۰۰۸ از قرن مگالوپلیس یاد کرده و یادآوری می کند که بیش از ۲۰۰ میلیون از جمعیت امریکا (دو سوم جمعیت) در ۱۰ منطقه مگالوپلیتنی زندگی می کنند. پیش بینی می شود تا سال ۲۰۵۰، ۷۰ درصد جمعیت کشور و ۸۰ درصد اشتغال در هشت تاده ابر منطقه امریکا زندگی خواهند کرد. فرا- منطقه ها یا ابر [منطقه] ها^{۵۵} و مگالوپلیس های جدید از جمله مفاهیم جدید هستند که در جغرافیای مگالوپلیتن جدید برای نواحی بزرگ سکونتگاه های پیوسته ساخته شده به کار رفته اند (Dewar and Epstein, 2007, 110). طرح امریکایی ۲۰۵۰ ابر منطقه ها را شبکه های بزرگی از نواحی کلان شهری تعریف می کند که در هم پیوند خورده اند. این ابر منطقه ها به واسطه ویژگی های زیست محیطی، فرهنگی، زیرساختی و عملکردی تعریف می شوند (ibid, 113).

در سال ۲۰۰۶ منابع برای برنامه ریزی و ارائه طرح اولیه ابر منطقه ها در امریکا تبارک دیده شد: این ابر مناطق عبارت بودند از شمال شرق (مگالوپلیس کلاسیک ژان گاتمن)، دریاچه های بزرگ، کالیفرنای جنوبی، پیدمونت آتلانتیک^{۵۶}، کاسکادیا-شمال غرب^{۵۷}، کریدور آفتاب آریزونا و مثلث تگزاس^{۵۸} (ibid, 110). در طرح هایی که برای این هشت منطقه تهیه شده است، تعاریف مختلفی از ابر منطقه ارائه شده است. برخی از طرح ها، ابر منطقه را نواحی کلان شهری همجواری تعریف می کنند و در ضمن معیاری برای میزان پیوند آنها ارائه نمی دهد با این وجود



تمایز افکنی بین مفاهیم مختلف مورد استفاده در این عرصه و مانند هر گونه شناسی دیگر، خط و خطوط کشیده شده به هیچ روی تام و تمام تلقی نمی شوند و بسته به زمینه سیاسی، اقتصادی و سرزمینی مفروض دچار نوعی نسبیت ذاتی هستند. کلیه مفاهیم بررسی شده در این مقاله در سه دسته کلی قابل دسته بندی است: الف) آن دسته از مفاهیم منطقه شهر بنیاد که در تعریف آن بر پیوستگی کالبدی تاکید می شود و نماینده اصلی این دسته مفاهیم، مفهوم منظومه شهری است. این دسته مفاهیم به تلقی متعارف انسان از شهر بسیار نزدیکترند (ب) مفهومی از منطقه شهر بنیاد که حوزه ای بسیار فراتر از ناحیه شهری ساخته شده را دربر گرفته و شامل قلمروی عملکردی و تعاملی بین شهر مرکزی و شهرها و روستاهای پیرامونی است که در هاله شهری-روستایی پراکنده هستند. این دسته مفاهیم، به تلقی متعارف از منطقه بسیار نزدیکترند تا تلقی از شهر، مفهوم نماینده این دسته مفاهیم، شهر- منطقه یا منطقه کلان شهری است. ج) آخرین دسته و بزرگترین مقیاس فضایی مفاهیم ذیل مناطق شهر بنیاد مربوط به گستره های فرا-شهر منطقه ای است که متشکل از چندین شهر- منطقه تقریباً مستقل همجوار است. نماینده اصلی این دسته مفاهیم، مفهوم مگالوپلیس یا زنجیره شهری است.

دهد. از این رو برای تصریح مقیاس فضایی و ساختار فضایی این دسته مفاهیم معمولاً از پسوندها و پیشوندهای مکمل استفاده می شود، مانند منطقه کلان شهری تک هسته ای یا چند هسته ای، شهر-منطقه چند هسته ای یا مناطق کلان شهری عملکردی، حتی مفهوم ابر شهر- منطقه چند هسته ای نیز در دو دهه اخیر برای تصریح و تمایز بخشی مقیاس فضایی کلان مفاهیم پیش گفته وضع شده اند.

مفاهیم مقیاس خیلی کلان، از سوی دیگر، ریشه در آثار ژان گاتمن و مفهوم مگالوپلیس دارد. اگر شهرها و روستاها اجزای سازنده مفاهیم مقیاس کلان هستند، عناصر تشکیل دهنده مفاهیم مقیاس خیلی کلان، شهر-منطقه ها هستند. به عبارت دیگر، اگر مفاهیم مقیاس کلان با کنار هم قرار گرفتن چندین شهر و نقاط سکونت و فعالیتی دیگر در قالب "یک منطقه ارگانیک" شکل می گیرد، مفاهیم مقیاس خیلی کلان از کنار هم قرار گرفتن مفاهیم مقیاس کلان (شهر-منطقه ها و مناطق کلان شهری) شکل می گیرند و این تلویحاً گویای مقیاس بسیار بزرگ و غیر قابل مقایسه آنها با انواع دیگر مفاهیم اشاره شده در این مقاله است. جدول ۲ به تشریح ریخت شناسی و معیارهای تعریف مناطق شهر- بنیاد پرداخته است.

گونه شناسی طرح شده در اینجا تلاشی است برای

جدول ۲- ریخت شناسی و معیارهای تعریف مناطق شهر- پنیاد

مفاهیم	واضع و خاستگاه زمانی	ریخت شناسی مفهوم				معیار تعریف مفهوم
		ناظر بر ابر شهر مرکزی ساخته شده	ناظر بر یک شهر منطقه ای یا چند هسته ای	ناظر بر چند شهر منطقه نسبتاً مستقل همجوار	پویستگی کابردن ناحیه ساخته شده	
کلان شهر منظومه شهری	یونان باستان پاتریک گدی (۱۹۱۵)	*	*	*	*	همبستگی عملکردی و همجواری فضایی شهر- منطقه های نسبتاً مستقل
ناحیه کلان شهری	اداره آمار و بودجه آمریکا (۱۹۴۹) در متنی غیر آماری و غیر آمریکایی	*	*	*	*	همبستگی عملکردی و همجواری فضایی شهر- منطقه های نسبتاً مستقل
تجمع شهری ابر شهر	سازمان ملل جانس پرتمان (۱۹۷۵) رابرت دیگنسون (۱۹۶۶)	*	*	*	*	همبستگی عملکردی و همجواری فضایی شهر- منطقه های نسبتاً مستقل
منطقه کلان شهری	بدون تمایز آشکار با شهر منطقه	*	*	*	*	همبستگی عملکردی و همجواری فضایی شهر- منطقه های نسبتاً مستقل
منطقه شهری عملکردی	ایران ابری و همکاران (۱۹۶۸)	*	*	*	*	همبستگی عملکردی و همجواری فضایی شهر- منطقه های نسبتاً مستقل
مجموعه شهری	مصوبه طرح ریزی و مدیریت مجموعه شهری تهران و سایر شهرهای اطراف مصوب ۱۳۷۴	*	*	*	*	همبستگی عملکردی و همجواری فضایی شهر- منطقه های نسبتاً مستقل
مناطق شهری چند هسته ای	بدون تمایز آشکار با شهر منطقه طرح مجدد از دهه ۱۹۶۰	*	*	*	*	همبستگی عملکردی و همجواری فضایی شهر- منطقه های نسبتاً مستقل
مگا پویستیس / ناحیه شهری ابر شهر - منطقه آسیایی	ژان گائمن (۱۹۶۱) دهه ۱۹۹۰	*	*	*	*	همبستگی عملکردی و همجواری فضایی شهر- منطقه های نسبتاً مستقل
ابر منطقه	لنگ و داول (Lang and Dhaivale, 2005) انجمن طرح منطقه ای (RPA, 2007)	*	*	*	*	همبستگی عملکردی و همجواری فضایی شهر- منطقه های نسبتاً مستقل

قرار گرفتن ابر شهر منطقه های آسیایی در این گروه با دشواری های روش شناختی روبرو است که به بخشی از آنها در ذیل بحث مفهومی و نتیجه گیری اشاره شد. با این وجود قرار دادن آنها در کنار ابر شهر منطقه های اروپایی (مفاهیم مقیاس کلان) نیز درست به نظر نمی رسد. به نظر می رسد این مفهوم در میانه مفاهیم کلان و خیلی کلان قرار می گیرد.

نتیجه

اگرچه در تعریف مفاهیم دسته اول بر معیار پویستگی کالبدی به عنوان اصل تمایز بخش اشاره شد، با این وجود معیارهای معرف مفاهیم دسته دوم، یعنی همبستگی کارکردی، در آنها نیز قابل بررسی است. به عبارت دیگر کلان شهرها و منظومه های شهری و ابر شهرها اگرچه با تعریف و تصور اولیه ما از شهر انطباق بیشتری دارد، با این وجود، آنها بر حسب معیارهای موجود، هویتی کارکردی نیز محسوب می شوند. مجموعه شهری تهران که در مطالعات طرح مجموعه شهری تهران معادل "منظومه شهری" قلمداد شده است، محدوده ای است به وسعت ۱۶۰۰۰ کیلومتر با مرکزیت هسته کلان شهر تهران که وسعتی حدود ۷۰۰ کیلومتر مربع و جمعیتی نزدیک ۸ میلیون نفر دارد. جمعیت کل مجموعه شهری اکنون بیش از

۱۳ میلیون نفر است. بر اساس مفهوم شناسی انجام شده در این مقاله و بر اساس ماهیت و ساختار مجموعه شهری تهران نمی توان از مفاهیم زیر مجموعه ابر شهر ساخته شده برای اطلاق به آن استفاده کرد، زیرا قلمرو آن فراتر از کلان شهر یا منظومه شهری مرکزی است. مفاهیم مناسب با این قلمرو در زیر مجموعه مفاهیمی چون شهر- منطقه یا منطقه شهری عملکردی قرار دارند. از آنجا که در هسته مجموعه شهری، کلان شهری چون تهران قرار دارد و نظر به اینکه ساختار فضایی این منطقه تک هسته ای غالب بوده و کشور و منطقه جزء کشور های در حال توسعه است، مناسب ترین واژه و مفهوم برای اطلاق به آن، مفهوم "منطقه کلان شهری" است.

پی نوشت ها:

۱. New towns and Satellite city
۲. Edge city
۳. Exurbia
۴. Exopolise
۵. Technoburbs and Technopole
۶. Rural-urban Fringe
۷. Metropolis
۸. Conurbation
۹. Metropolitan area
۱۰. City-region
۱۱. Megalopolis
۱۲. Mega city

۱۳. Mega city-region
 ۱۴. Functional Urban Region(FUR)
 ۱۵. Urban agglomeration
 ۱۶. Metropolitan region
 ۱۷. Polycentric Urban Regions
 ۱۸. مقصود از منطقه شهر بنیاد آن دسته مناطقی هستند که هسته اصلی و عنصر مقوم منطقه سکونتگاه‌های انسانی به ویژه شهرها یا کلان شهرها موجود در آن هستند که به واسطه پیوستگی کالبدی، همبستگی‌های کارکردی یا همجواری فضایی تعریف شده و متمایز از دیگر انواع مناطقی هستند که بر اساس مولفه‌های همگنی طبیعی یا کالوژیک تعریف می‌شوند.
 ۱۹. Research Review
 ۲۰. Meta analysis
 ۲۱. Parent City-state
 ۲۲. Town aggregate
 ۲۳. Conglomeration
 ۲۴. Merriam-Webster Online Dictionary,2006
 ۲۵. C.B.Fawcett
 ۲۶. Provinces of England, 1919
 ۲۷. Janice E. Perlman
 ۲۸. Travel To Work Area(TTWA)
 ۲۹. Berry et al, 1968
 ۳۰. Functional Economic Area
 ۳۱. R. D. Mackenzie
 ۳۲. <http://www.oecd.org/dataoecd/41/37/45511614.pdf>
 ۳۳. European Spatial Development Perspective
 ۳۴. Spatial Planning versus Traditional Land use Planning
 ۳۵. این چند ضلعی حلقه ای است که لندن، پاریس، میلان، مونیخ و هامبورگ را شامل می‌شود و اول بار در بیانیه چشم انداز توسعه فضایی اروپا ۱۹۹۹ از آن یاد شد. این منطقه با اسامی دیگری چون مکالوپلیس اروپایی، موز آبی و مثلث طلایی نیز مشهور است (Davoudi,2003,988-9).
 ۳۶. Multicore City-regions
 ۳۷. Network Cities
 ۳۸. City Networks
 ۳۹. Polynucleated Metropolitan Regions
 ۴۰. Dispersed City
 ۴۱. The Regional City
 ۴۲. BosWash
 ۴۳. Milwaukee-Chicago-Detroit- Pittsburgh corridor (ChiPitts)
 ۴۴. Greater Los Angeles, San Diego-Tijuana
 ۴۵. San Francisco-San Jose-Sacramento urban region
 ۴۶. Beijing-Tianjin-Tangshan
 ۴۷. Pearl River Delta (Hong Kong-Guangzhou)
 ۴۸. Yangtze River Delta (greater Shanghai)
 ۴۹. Polycentric Mega City-region
 ۵۰. Mogridge and John Parr
 ۵۱. Intra metropolitan Space, Polarization Process
 ۵۲. Super region or Megas
 ۵۳. Piedmont Atlantic
 ۵۴. Cascadia -Northwest
 ۵۵. Arizona sun corridor and Texas triangle

فهرست منابع:

- اسدی، ایرج (۱۳۹۰)، تبیین عقلانیت منطقه گرایی کلان شهری در تهران، رساله دکتری در شهرسازی، دانشکده شهرسازی، دانشگاه تهران - برک پور، ناصر (۱۳۸۳)، دانشنامه مدیریت شهری، فصلنامه مدیریت شهری، شماره ۱۷،
 زبردست، اسفندیار (۱۳۸۷)، تعریف مجموعه‌های شهری و تعیین شاخص‌های آن، مرکز مطالعاتی و تحقیقاتی شهرسازی و معماری
 زبردست، اسفندیار (۱۳۸۴)، نظام مدیریت مناطق کلان شهری، مرکز مطالعاتی و تحقیقاتی شهرسازی و معماری گزارش مرحله اول،
 کاستلز، مانوئل (۲۰۰۸)، عصر اطلاعات: اقتصاد، جامعه و فرهنگ (جلد اول)، ترجمه احمد علیقلیان و افشین خاکباز، انتشارات طرح نو،
 گولد، جولیاوس و کولب، ویلیام (۱۳۷۶)، فرهنگ علوم اجتماعی، ویراستار: محمد جواد زاهدی مازندرانی، انتشارات مازیار،
 مهدی زاده، جواد (۱۳۸۳)، تحول در مفهوم، نقش و ساختار کلان شهرها، فصلنامه مدیریت شهری، شماره ۱۷.

- Albrecht, L. (2001), In Pursuit of New Approach to Strategic Spatial Planning: a European Perspective, *International Planning Studies*, Vol.6, No.3.
- Angotti, T. (1993), *Metropolis 2000: Planning, Poverty, and Politics*, London: Routledge .
- Bevir, M.(ed.)(2007), *Encyclopedia of Governance*, Sage Publications, Inc.
- Camagni, R. (2001), *The Economic Role and Spatial Contradictions of Global City-Regions: The Functional, Cognitive and Evolutionary Context*, in Scott, A. (ed.), *Global City – Region: Trends, Theory, Policy*, Oxford University Press.
- Caves, W. Roger. (2005), *Encyclopedia of the City*, Routledge, London and New York .
- Collin, J. Pierre , Dagenais, M. and Poitras, C. (2003), From City to City-region: Historical Perspective on the Contentious Definitions of the Montreal Metropolitan Area, *Canadian Journal of Urban Research*, Vol, 12, Issue. 1.
- Davoudi, S. (2003), Polycentricity in European Spatial Planning: From an Analytical Tool to a Normative Agenda, *European Planning Studies*, Vol. 11, No. 8.
- Dewar, M. and Epstein, D (2007), Planning for "Megaregion" in the United States, *Journal of Planning Literature*, Vol 22, No.2.
- Dickinson, E. Robert.(1964), *City and Region: a Geographical Interpretation*, Routledge, 1998 Reprint
- Farinos, J. Dasi. González, J. Romero. De Madariaga, I. Sánchez. (2005), Structural Problems for the Renewal of Planning Styles: The Spanish Case, *European Planning Studies*, Vol.13, No.2.
- Geddes, P. (1915), *Cities in Evolution*, London: Williams and Norgate, 1949 Reprint.
- Hakim, C. (2000), *Research Design: Successful Design for Social and Economic Research*, Routledge .
- Hall, P. and Pain, K (2006), *From Metropolis to Polypolis*, in Hall and Pain (ed.) *The Polycentric Metropolis: Learning from Mega-City Regions in Europe*, Earthscan.
- Hall, P. and Pain, K. and Green, N. (2006), *Anatomy of the Polycentric Metropolis: Eight Mega City-region in Overview*, in Hall and Pain (ed.) *The Polycentric Metropolis: Learning from Mega-City Regions in Europe*, Earthscan.
- Herrschel, T. and Newman, P. (2002), *Governance of Europe's City Regions: Planning, policy and politics*, Routledge, London and New York .
- Hutchison, R. (2009), *Encyclopedia of Urban Studies*, sage publication.
- Johnston, R. J. Gregory, D .Pratt, G. and Watts, M. (2000), *The Dictionary of Human Geography*, Blackwell Publishers, USA.
- Kloosterman, C.Robert and Musterd, S. (2001), The Polycentric Urban Region: Towards a Research Agenda, *Urban Studies*, Vol. 38, No. 4.
- Lang, R. E. and Dhavale, D. (2005), *Megapolitan Areas: Exploring a New Trans-Metropolitan Geography*. Census Report No. 05:01 (July). Metropolitan Institute at Virginia Tech, Alexandria, VA.
- Lang, Robert and Knox, Paul K.(2009), 'The New Metropolis: Rethinking Megalopolis'. *Regional Studies*, Vol.43, no. 6.
- Meijers , E. Romein , A. and Hoppenbrouwer , E. C. (2003), *Planning Polycentric Urban Regions in North Europe : Value , Feasibility and Design* , DUP Science , Delft University Press.
- Meijers, E.(2005), Polycentric Urban Regions and the Quest for Synergy: Is a Network of Cities More than the Sum of the Parts? *Urban Studies*, Vol. 42, No. 4.
- Metropolis (2005), Available at: <http://www.metropolis.org>.
- Needham, Barrie,(2005), The New Dutch Spatial Planning Act: Continuity and Change in the Way in Which the Dutch Regulate the Practice of Spatial Planning, *Planning Practice and Research*, Vol. 20, No. 3.
- OECD (2002), *Redefining territories: Functional Region, Territorial Development Services*, Territorial Development Policy Committee.
- OECD (2006), *OECD Methodology for the Definition of Metropolitan Region*, Metropolitan Database, <http://www.oecd.org/dataoecd/41/37/45511614.pdf>.
- Parr, B. John. (2005), Perspectives on the City-Region, *Regional Studies*, Vol.39.No.5.
- Parr, B. John. (2007), Spatial Definition of the City: Four Perspectives, *Urban Studies*, Vol.44, No.2
- Pitzl, G. (2004), *Encyclopedia of Human Geography*, Greenwood Publication.
- Porter, E. Michael. (2001), *Regions and the New Economics of Competition*, in Scott, A (ed.) *Global City – Region: Trends, Theory, Policy*, Oxford Press.
- Sassen, S. (2001), *Global Cities and Global City-regions: a comparison*, in Scott, A. (ed.) *Global City – Region: Trends, Theory, Policy*, Oxford University Press.
- Scott, J. Allen (2001), Globalization and the Rise of City-region, *European Planning Studies*, Vol.9, No.7.
- Shumsky, N. Larry. (ed.) (1998), *Encyclopedia of Urban America: The Cities and Suburbs*, ABC-CLIO Inc.
- Small, R. J. and Witherick, M. E. (1995), *A Modern Dictionary of Geography*, Edward Arnold .
- UN (2004), *World Urbanization Prospects: the 2003 Revision*, New York: United Nations, Department of Economic and Social Affairs/Population Division .
- Whittick, A. (1974), *Encyclopedia of Urban Planning*, McGraw Hill, USA.
- Wong, C. (2002), Is There a Need for a Fully Integrated Spatial Planning Framework for the United Kingdom? *Planning Theory and Practice*, Vol.3, No.3.

Subject _____

Date _____

بخش پنجم

14 صفحه

P4PCO

۲-۲-۱-۲-۲-محیط

محیط به هر آنچه در پیرامون وجود دارد و به صورت بالقوه با فرد در ارتباط قرار می‌گیرد، اطلاق می‌شود. از جمله تقسیم‌بندی‌هایی که در مورد محیط شده است، تقسیم‌بندی‌های جان لنگ است، وی محیط را در زیرگروه محیط کالبدی، محیط اجتماعی، محیط روان‌شناختی و محیط رفتاری تقسیم می‌کند. محیط کالبدی شامل مکان‌های زمینی و جغرافیایی، محیط اجتماعی شامل نهادهای متشکل از افراد و گروه‌ها، محیط روان‌شناختی شامل تصاویر ذهنی مردم و محیط رفتاری مجموعه عواملی است که فرد به آن واکنش نشان می‌دهد.

۲-۲-۱-۳- تعریف کیفیت محیط

کیفیت محیط عبارت است از شرایط اجتماعی، فرهنگی و کالبدی محیط شهری که نشان‌دهنده میزان رضایت با عدم رضایت شهروندان از محیط شهری است. در واقع یک محیط باکیفیت بالا، حس رفاه و رضایتمندی را به جمعیتی که در آن ساکن‌اند به واسطه ویژگی‌هایی منتقل می‌کند که ممکن است، فیزیکی، اجتماعی یا نمادین باشند [۵۵]. کیفیت محیط از برآیند کیفیت اجزای متشکله یک ناحیه معین حاصل می‌شود، اما با این حال بیشتر از جمع اجزای سازنده، بر ادراک کلی از یک مکان دلالت دارد. اجزای سازنده محیط (طبیعت، فضای باز، زیرساخت‌ها، محیط انسان‌ساخت (مصنوع)، تسهیلات محیط کالبدی و ذخایر طبیعی، روابط اجتماعی و...) هر یک مشخصات و کیفیات خاص خود را داراست [۵۴].

کیفیت محیط مقوله‌ای است میان‌رشته‌ای، پیچیده، چندبعدی و مرتبط با جنبه‌های ذهنی (کیفی) و عینی (کمی) است که تعاریف و مفاهیم متعددی از آن ارائه شده است:

کیفیت محیط را می‌توان یکی از دل‌مشغولی‌های دانش شهری دانست. این امر به‌گونه‌ای است که بسیاری از نظریه‌پردازان «ارتقای کیفیت محیط» را مهم‌ترین وظیفه فعالیت شهری می‌دانند [۱۶].

امروزه محور اصلی مباحث برنامه‌ریزی و طراحی شهری کیفیت است. رابطه‌ی متقابل بین انسان و محیط و در نتیجه تأثیر محیط بر انسان نیز از سوی متفکرین و صاحب‌نظران دوره‌های مختلف به اثبات رسیده است و حتی این امر در مشاهدات تجربی نیز قابل دریافت می‌باشد. از جمله مسائل تأثیرگذار محیط بر انسان می‌توان به وجوه مادی چون صدا، نور، عملکرد، آب‌وهوا و... وجوه غیرمادی چون هویت، حس تعلق به مکان، امنیت و... اشاره کرد. بارزترین وجهی که می‌تواند تمامی تأثیرات مادی و معنوی محیط بر انسان را شامل شود، کیفیت محیط هست [۱۷].

کیفیت زندگی ارتباط متقابل میان جامعه، سلامت، اقتصاد و شرایط محیطی است که انسان و توسعه اجتماعی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. کیفیت زندگی شهری دربرگیرنده ابعاد روانی است که شاخص‌هایی همچون رضایت، شادمانی و امنیت را دربرمی‌گیرد. لذا از این منظر آن را رضایت اجتماعی نیز می‌نامند و بر اساس آن با شاخص‌های دسترسی به

فرصت‌های اجتماعی مثل اشتغال، ثروت و اوقات فراغت توجه می‌شود. برخی این واژه را مترادف با رفاه و عده‌ای دیگر آن‌ها بیانی از رفاه می‌دانند که با میزان کالاهای عمومی و نحوه توزیع آن‌ها مشخص می‌شود [۲۶].

بسیاری از دانشمندان علوم شهری، کیفیت محیط شهری را یکی از مؤلفه‌های کیفیت زندگی می‌دانند؛ بنابراین می‌توان گفت کیفیت محیط یک قسمت از کیفیت زندگی است و شامل تمام فاکتورهایی می‌شود که بخشی از رضایتمندی انسان‌ها را تشکیل می‌دهند [۲۴].

از سوی دیگر باید اذعان نمود که کیفیت زندگی بدون کیفیت محیطی که در آن زندگی می‌کنیم معنایی ندارد. امروزه بسیاری از ناهنجاری‌های رفتاری در جوامع شهری مانند خشونت، پرخاشگری، تجاوز به حقوق دیگران و رعایت نکردن قانون ضمن داشتن ریشه‌های تاریخی، فرهنگی و اقتصادی در کیفیت فضاهای سکونتی و کاری نهفته است؛ بنابراین می‌توان بیان کرد که کیفیت محیط یک قسمت از کیفیت زندگی است و شامل تمامی فاکتورهایی می‌شود که بخشی از رضایتمندی انسان را از محیط تشکیل می‌دهند. کیفیت محیطی یک نتیجه پیچیده‌ای است از ترکیب تصورات ذهنی، ارزش‌ها و گرایش‌هایی که در میان افراد و گروه‌ها متغیر است. کیفیت محیطی می‌تواند به‌عنوان یک درک وسیع‌تر از کیفیت زندگی تلقی گردد. کیفیت پایه‌ای از قبیل سلامتی و ایمنی در ترکیب با عواملی از قبیل راحتی و جذابیت مفهوم پیدا می‌کند. کیفیت محیطی طبیعت، فضای سبز، زیرساخت‌ها، محیط انسان‌ساخت، مطبوعیت محیط فیزیکی و منابع طبیعی که هرکدام از آن‌ها کیفیت ویژه‌ای دارند، از معرف‌های کیفیت محیطی به‌حساب می‌آیند. به‌طور کلی کیفیت محیطی به‌عنوان شاخصی برای اندازه‌گیری درجه‌ای از محیط که برای زیستن انسان مناسب هست، مورد استفاده قرار می‌گیرد [۲۳]. رابطه متقابل و تأثیر کیفیت محیط شهری بر کیفیت زندگی شهرها توسط کونین لینچ (۱۹۸۱) نیز مورد تأیید واقع شده است. وی می‌گوید اگر بنا بر این است که طراحی شهری مفید واقع گردد باید قادر باشد از راه اعتلای کیفیت محیط کالبدی به اعتلای کیفیت زندگی انسان یاری نماید [۳۷].

در تعیین کیفیت زندگی مراد از مفهوم کیفیت اقتصادی، برخورداری خانوارها از استانداردهای زندگی است. مقصود از استانداردهای زندگی، قابلیت دسترسی به کالاها و خدمات پایه بوده و معمولاً برحسب درآمد سرانه و یا مصرف سرانه محاسبه می‌شود. دسترسی به سرمایه، کالا و خدمات عمومی در جوامع، معیاری از رفاه اقتصادی است به شرطی آنکه به‌گونه‌ای منصفانه و متعادل بین مردم توزیع شده باشد، در غیر این صورت حتی باوجود دسترسی بالا به سرمایه و خدمات، بسیاری از مردم از لحاظ استاندارد زندگی و به تبع آن کیفیت زندگی در سطح نازلی به سر خواهند برد [۱۸]. از سوی دیگر مطالعات علمی نشان داده‌اند که رابطه میان وضعیت اقتصادی و کیفیت زندگی رابطه خطی نبوده و این دو در نقطه‌ای همسو و هم‌جهت حرکت می‌کنند و آن نقطه‌ای است که حداقل شرایط مطلوب مادی برای زیستن انسان فراهم شده باشد، ولی از آن به بعد دیگر نمی‌توان انتظار داشت که تأمین نیازهای اقتصادی به بهبود کیفیت زندگی کمک

کند، زیرا انسان موجودی چندوجهی و پیچیده است و منطق اقتصادی نمی‌تواند بسیاری از رفتارهای او را تبیین کند [۲۶].

مفهوم کیفیت به مفهوم نسبی که واجد معنایی فراتر و متفاوت با معنای بدیهی و معمول آن است، تبدیل شود و در نهایت به مجموعه‌ای از خصوصیات یا صفات مشخص که باعث متمایز کردن یک شیء دیگر شده، ما را قادر می‌سازد که در مورد برتری، مشابهت و یا فروتری چیزی در مقایسه با چیزی دیگر قضاوت و حکم نماییم و از نظر زیباشناختی در مورد زیبا یا زشت بودن، خوب یا بد بودن و از نظر عملکردی در مورد بهتر یا بدتر بودن و کارآمد یا ناکارآمد بودن آن قضاوت و حکم نماییم، کیفیت گفته می‌شود. کیفیت یک شیئی از دو منبع یا دو عرصه ذهنی و عینی سرچشمه می‌گیرد. می‌توان نظریات سه‌گانه موجود در زمینه حالت وجودی کیفیت طراحی شهری را در سه زمینه:

۱- کیفیت طراحی شهری به‌مثابه کیفیت و صفتی که ذاتی محیط کالبدی بوده و به شکل مستقل از ناظر وجود دارد. در این میان بسیاری از طراحان شهری نو - خردگرا از جمله آلدوروسی و الکساندر طرفداران این نظریه دانست.
۲- کیفیت طراحی شهری به‌مثابه مقوله‌ای کاملاً ذهنی و سلیقه‌ای که توسط ناظر ساخته‌شده و هیچ‌گونه ربطی با ساختار و خصوصیات کالبدی ندارد. امکان گراها از این جمله هستند.

۳- کیفیت طراحی شهری به‌مثابه پایدار و رویدادی که در جریان است و میان خصوصیات کالبدی و محسوس محیط از یکسو و الگوها و رمزهای فرهنگی و توانایی‌های ذهنی فرد ناظر از سوی دیگر، شکل گرفته و اِپلیرد، لینچ و لنگ از این جمله هستند.

کیفیت زندگی در معنای واقعی آن نمی‌تواند مستقل از مناسبات، روابط و پیوندهای مشترک اجتماعی و وابستگی متقابل در زمینه عدالت توزیعی که امنیت شخصی و اقتصادی، حمایت شهروندی و حقوق انسانی را تنظیم می‌کند، مفهوم‌سازی شود [۳۰].

در واقع جنبه‌های خاص محیط به‌عنوان عناصر کلیدی مربوط به کیفیت زندگی فرد شناخته می‌شوند. به‌عبارت‌دیگر می‌توان گفت کیفیت زندگی شهر در ارتباط مستقیم با کیفیت آن است یعنی اگر کیفیت زندگی در شهر مناسب باشد، این امر به خاطر کیفیت بالای محیط شهر است. کیفیت محیط شهری یک مفهوم مبهم است که از عوامل انسانی و طبیعی که در مقیاس‌های متفاوت فضایی عمل می‌کنند منتج می‌شود. به‌عبارت‌دیگر، کیفیت محیط شهری یک پارامتر متغیر فضایی و پیچیده است که از عملکرد فاکتورهای به‌هم‌پیوسته از جمله جزیره گرمایی شهر، توزیع فضای سبز، تراکم ساختمان‌ها، شکل و طرح آن‌ها و کیفیت هوا تشکیل شده است [۶۰].

کیفیت محیط شهری مدت‌هاست که در نوشته‌ها و تحقیقات جغرافیایی مورد مطالعه و بررسی قرار گرفته است. این امر با استفاده از داده‌های کمی، توصیفات کیفی، تبیین‌های اندیشمندانه و ویژگی‌های محیط توصیف و تشریح شده است؛ اما به‌کارگیری کیفیت محیط شهری در عمل دشوار بوده و درک و فهم کامل آن هنوز در دسترس نیست. کیفیت محیط

شهری اساساً یک مفهوم چندبعدی بوده و شامل ابعاد فیزیکی، فضایی، اقتصادی و اجتماعی محیطزیست شهری می شود. این مفهوم می تواند از جنبه های متفاوتی از جمله طرح ریزی فیزیکی شهری، زیرساخت ها اثرات اقتصادی خط مشی های حکومت، اعتقادات عمومی و عوامل و واقعیت های اجتماعی سنجیده شود [۵۶].

کیفیت محیط یک مفهوم چندبعدی است که با مفاهیمی همچون کیفیت زندگی، کیفیت مکان، ادراک و رضایت شهروندی و قابلیت زندگی اشتراکاتی دارند به طوری که در بسیاری موارد به عنوان معانی مشابه در نظر گرفته می شوند. کیفیت محیط به صورت یک مفهوم پیچیده شامل ترکیبی از ادراکات ذهنی، ویژگی ها و ارزش هایی است که در میان افراد، گروه ها و جوامع متفاوت است [۲۲].

علاوه بر این، کارمونا و همکاران (۲۰۰۳)، آگاهی به اهمیت تقویدپذیری، تنوع، پاکیزگی و انعطاف پذیری عناصر سازنده کیفیت محیط شهری می دانند. به طور خلاصه، کیفیت محیط شهری باستند به پاسخگوی سرزندگی، زندگی شخصی افراد، شخصیت و منش انسان ها، زیبایی شناسی، ارتباط میان افراد، پیراستگی، دسترسی، رؤیت شدگی و تنوع باشد [۵۸]. محقق دیگری با توجه به بررسی مطالعات انجام شده در زمینه کیفیت محیط شهری عوامل تعیین کننده کیفیت محیط شهری را در قالب چهار دسته تقسیم بندی نموده است:

۱. عوامل اقتصادی شهر: این عوامل می تواند درآمد خانوارها، تأمین مواد غذایی، کارایی، عملکرد افراد، هزینه های شهری، امنیت شغلی، موقعیت اقتصادی، نبود انحصار اقتصادی و غیره.

۲. عوامل فیزیکی: عبارت اند از ازدحام جمعیت، تراکم مسکونی، حمل و نقل شهری، ساختار فیزیکی، دسترسی های مناسب، هویت، تنوع محیطی، بافت شهری، آسایش، سروصدا، ایمنی.

۳. عوامل اجتماعی و فرهنگی: عبارت اند از سن، جنس، نژاد، مذهب، فشارهای روانی، خشونت، دزدی، ترس، فقر، انحرافات، بیماری های مسری و آلودگی محیطزیست.

۴. عوامل سیاسی: عبارت اند از توزیع عادلانه ثروت درون شهری، متعهد بودن نسبت به نظام سیاسی و قانونی، عدالت [۲۳]. کیفیت زندگی را می توان این گونه تعریف کرد: کیفیت زندگی هم جنبه های کمی و کیفی مانند چگونگی توزیع کالا و خدمات و نیازهای مادی انسان و جنبه های ذهنی و کیفی مانند روابط اجتماعی، رضایت از زندگی، مشارکت و احساس همبستگی اجتماعی و کلیه نیازهای معنوی انسان را دربرمی گیرد [۲۸].

Suh و Diener در سال ۱۹۹۷ کیفیت زندگی را تنها به صورت رضایت از زندگی (Life Satisfaction) تعریف کرده اند [۵۴].

کیفیت محیط شهری بستگی به کیفیت زیرساخت های شهر و مدیریت مناسب آن ها دارد و شامل محیط کالبدی (فیزیکی) مانند (مدیریت آب باران، کیفیت هوا، فضای سبز، سروصدا، ترافیک و...)، تسهیلات مربوط به مسکن (تأمین

آب، برق، گاز، تلفن، بهداشت، دفع فاضلاب و ... و محیط اجتماعی (جامعه، استقلال، کنش‌های اجتماعی، احساس رضایت و امنیت اجتماعی) می‌شود [۵۹].

از آنجا که کیفیت زندگی بدون کیفیت محیطی که در آن زندگی می‌کنیم معنایی ندارد، بنابراین می‌توان گفت کیفیت محیط یک قسمت از کیفیت زندگی است و شامل تمامی فاکتورهایی می‌شود که بخشی از رضایت‌مندی انسان‌ها را از محیط تشکیل می‌دهند. کوین لینچ در مورد کیفیت محیط شهرها می‌گوید: برای سکونت و زندگی شهر خانه‌ای است بزرگ و همان‌گونه که خانه باید از صفات و مزایایی برخوردار باشد تا سکونت و زندگی را مطلوب و آسایش‌بخش سازد، شهر نیز باید دارای کیفیت و ویژگی‌هایی برای تأمین آسایش و راحتی باشد و نیز مانند خانه محیطی گرم و صمیمی و دلپذیر که زندگی را مرفه و مطلوب سازد [۴۳].

کیفیت محیط شهری را می‌توان این‌گونه تعریف کرد: کیفیت محیط شهری: عبارت است از شرایط اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و کالبدی - فضایی محیط شهری که نشان‌دهنده میزان رضایت یا عدم رضایت شهروندان از محیط شهری باشد [۱۳].

کانتربیل (۱۹۹۸) عنوان می‌کند که: « کیفیت محیط، عناصر مطبوع در یک مکان خاص است که به‌طور مثبت زندگی افراد را تحت تأثیر قرار می‌دهد».

کیفیت محیط به‌عنوان شاخصی برای اندازه‌گیری درجه‌ای از محیط که برای زیست انسان مناسب می‌باشد، مورد استفاده قرار گرفته است. بر طبق استانداردهای برنامه شهری چین، مفهوم کیفیت محیط شهری می‌تواند چنین تعریف شود: کیفیت محیط شهر درجه‌ای است که تمام محیط یا برخی عناصر محیط در مقیاس شهر، همانند اتمسفر و آب جهت زیست انسان، اقتصاد شهری و محیط اجتماعی مناسب باشد [۵۷].

مسلو (۱۹۷۶) معتقد است کیفیت محیط زندگی جزو نیازهای اساسی انسان است. از نظر او نیازهای اساسی انسان‌ها عبارتند از:

- نیازهای فیزیولوژیک که اولین و اصلی‌ترین نیاز می‌باشد.
 - نیاز به احساس امنیت، داشتن سرپناه و توانایی برای گرم کردن خود
 - نیاز به تعلق به یک گروه یا جامعه
 - آزادی ابراز هویت شخصی
 - زندگی در محیطی که امکان احساس رضایت را در فرد ایجاد نماید.
- برنامه ریزان معتقدند کیفیت محیط یک مفهوم اصلی برای برنامه‌ریزی منطقه‌ای و اجتماعی است و با مفاهیمی همچون کیفیت زندگی، نوع فضای اجتماعی، ویژگی‌های فیزیکی، فعالیت‌ها، وابستگی‌های مکانی و هویت شهری در ارتباط است. وابستگی مکانی خود از تجربیات شخصی مثبت و منفی در یک مکان خاص و عوامل تاریخی، فرهنگی، اجتماعی، جغرافیایی و محیطی نشأت می‌گیرد.

با وجود نظریه های مختلفی که در مورد کیفیت محیط شهری ارائه شده است اما به دلیل فقدان یک چهارچوب قابل قبول عمومی در این امر مفهوم کیفیت محیط شهری تا حدودی با ابهام روبرو است. بنابراین هدف از تعریف مفاهیم و مولفه های کیفیت محیط شهر این است که یک نظریه کلی و عمومی در مورد یک مجتمع زیستی خوب ارائه شود. نظریه ای که با هرگونه محیط انسانی سازگار شود، به آن پاسخ گو باشد و بتواند ارزش های عمومی را به عملیات خاص و مشخصی پیوند دهد و به ارتباط بین ارزش های انسانی و کالبد شهر محدود شود [۴۳].

۲-۲-۲ دیدگاه های نظری کیفیت محیط شهری و مولفه های تاثیر گذار بر این مفهوم

وان کمب کیفیت محیط را مفهومی فراگیر می داند و معتقد است که نظریه ها با تئوری گوناگون در مورد دیدگاههای مختلف کیفیت محیط دارای مفهوم چند بعدی اند. برخی دیگر از نویسندگان چنین ادعا می کنند که امکان تعاریف به صورت مفاهیم چند بعدی وجود ندارد و این کار شبیه به تشریح ریشه گیاه است که به ظاهر ساده می نماید اما فریبنده است چون لایه های مختلفی دارد [۵۴].

نظریه پردازان تجربه گرای طراحی شهری همچون لینچ، ایل یارد، لنگ و نسر کیفیت محیط شهری را به مثابه پدیده یا رویدادی می دانند که در جریان دادوستدی میان خصوصیات کالبدی و محسوس محیط از یک سو و الگوها و رمزهای فرهنگی و توانایی های ذهنی فرد ناظر از سوی دیگر، شکل می گیرد. بنابر تعریفی که جک نسر ارائه کرد، کیفیت محیط شهری به عنوان نوعی مفهوم، از یک سو از طریق به عرضه گذاشته شدن خصوصیات محسوس از طرف محیط کالبدی؛ و از سوی دیگر، مورد درک و شناخت و ارزیابی قرار گرفتن آنها به وسیله ناظر ایجاد می شود [۳۷].

کاسروزمان کیفیت محیط شهری را وابسته به بخش عمده ای از کیفیت زیرساخت ها و مدیریت مناسب آنها می داند. همچنین معتقد است که کیفیت محیطی پیامد فعالیت های اقتصادی است و چنین چیزی می تواند مستقیم و غیر مستقیم بر محیط تاثیر نهد [۵۹].

براساس مدل کانتر که به مدل مکان شهرت دارد، محیط شهری به مثابه یک مکان منشکل از سه بعد در هم تنیده کالبد، فعالیت و تصورات است. از آنجا که کیفیت محیط شهری یک مکان ناگزیر از پاسخ دهی مناسب به ابعاد گوناگون محیط شهری است، می توان مولفه های سازنده کیفیت طراحی شهری را به موازات مولفه های سازنده مکان تعریف کرد؛ به عبارت دیگر با اقتباس از نظریه مکان کانتر می توان گفت: کیفیت محیط شهری عبارت است از برآیند سه مولفه که هر یک از آنها متکفل برآورده ساختن یکی از کیفیت های سه گانه «کالبدی»، «فعالیتی» و «تصورات» محیط شهری است [۳۸].

جین جیکوبز نظریه پرداز و کنشگر شهری شاخص های ذیل را به عنوان شاخص کیفیت محیط معرفی کرده است: ملحوظ داشتن فعالیت ها مناسب پیش از توجه داشتن به نظم بصری محیط، استفاده از کاربری های مختلط چه به

لحاظ نوع استفاده چه از نظرابنیه با سن های مختلف در یک ناحیه، توجه به عنصر خیابان، نفوذپذیر بودن بافت که به مفهوم پیشنهاد استفاده از بلوک های کوچک تر شهری است، اختلاط اجتماعی و انطباق پذیر بودن فضاها کوبین لینچ رابطه متقابل و تاثیر کیفیت محیط شهری بر کیفیت زندگی ساکنان شهرها را مورد تاکید قرار داده است. وی می گوید اگر بناست برنامه ریزی و طراحی شهری مفید واقع گردد باید قادر باشد تا از راه اعتلای کیفیت محیط کالبدی به اعتلای کیفیت زندگی انسان یاری نماید [۳۷].

طراحی شهری مطالعه ی کیفیت فضاها، کیفیت فیزیکی طرح ها، ارائه ی طرح های فیزیکی از فضاها و شناخت کیفیت فیزیکی شهری است. به طور کلی، طراحی شهری در جستجوی کم و کیف زیبایی بهتری از فرم های شهری است که بر اساس مصرف اراضی و پیش بینی مصرف آن قرار دارد [۲۹].

به نظر لینچ (1984) مطالعات محیط- رفتار- طراحی مناسبترین وسیله ای است که می توان از آن طریق تنوری های طراحی شهری را شکل داده و یا تقویت کرد. با توجه به خصوصیت بارز این روش یعنی تحلیلی و استدلالی بودن آن، این شیوه منطقی ترین نوع پژوهش جهت تدوین چارچوب نظری طراحی شهری است [۹].

۵ محور اصلی از محور های عملکردی برای شکل فضایی طبق نظر لینچ به شرح زیر آمده اند:

۱- سرزندگی: اینکه تا چه اندازه شکل شهر حامی عملکردهای حیاتی، نیازهای بیولوژیکی و تواناییهای انسانی بوده و از همه مهمتر چگونه بقاء همه ی موجودات را ممکن می سازد، سرزندگی معیاری انسان محور است. بقاء، ایمنی و سازگاری سه جنبه ی اصلی سرزندگی در یک سکونتگاه هستند که در عین اشتراک میان همه ی افراد، از نظر ارزشی می توانند از محلی به محل دیگر متفاوت باشند. سرزندگی یک قاعده ی محافظه کارانه ولی در عین حال بسیار کلی است، یک خصوصیت انفعالی و حمایت کننده، بر تداوم تأکید دارد ولی موقعیت رشد فردی را نیز فراهم می کند

۲- معنی: اینکه شهر تا چه اندازه می تواند به وضوح درک شده، از نظر ذهنی قابل شناسایی باشد و ساکنینش، آن را در زمان و مکان به تجسم در آورند و تا چه اندازه آن ساختار ذهنی یا ارزشها و مفاهیم جامعه در ارتباط است، یعنی انطباق محیط با تواناییهای احساسی و ذهنی و ساختارهای فرهنگی. ساده ترین شکل معنی به مفهوم محدود این واژه ی کلی، هویت است، یعنی «معنی یک محل». هویت مکانی پیوند نزدیکی با هویت شخصی پیدا می کند؛ اینکه «من اینجا هستم» حکایت از «من هستم» می کند.

۳- تناسب: اینکه شکل و ظرفیت فضاها، معابر و تجهیزات یک شهر تا چه اندازه با الگو و کمیت فعالیتهایی که مردم از روی عادت به آن اشتغال دارند و یا اشتغال پیدا خواهند کرد، منطبق است. لینچ حرف جالبی در مورد تناسب مطرح می کند؛ اینکه، بیشتر نان و کره ی طراحی شهری و مدیریت به تناسب مربوط می شود»

دو راه برای بررسی تناسب در یک مکان وجود دارد: ۱- مشاهده ی مردم به هنگام فعالیت برای پی بردن به اینکه فعالیتهای آشکار آنها تا چه حد با خصوصیات یک مکان منطبق است. ۲- سؤال کردن از خود استفاده کنندگان در مورد معنی تناسب در یک مکان. لینچ البته با کنار گذاشتن برخی از مسائل اخلاقی که خود آنها را سنگهای کهنه ای بر سر

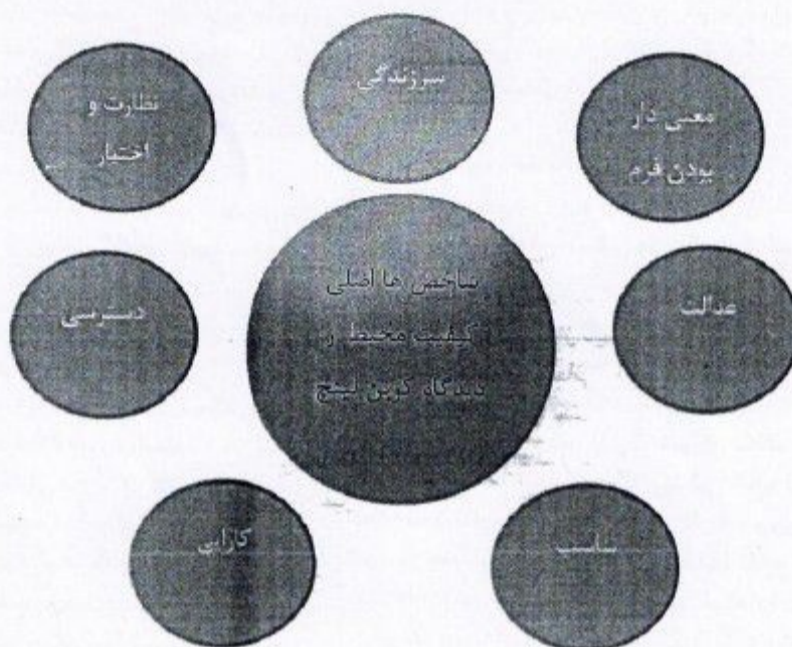
راه می داند، عنوان میکند: « اجازه بدهید آن سنگها را دفن کرده و توافق کنیم که تناسب انطباق بین مکان و رفتار آشکار و مورد نظر استفاده کنندگان کنونی انسانی بوده و با تطبیق مکان با فعالیت یا هر دو و از طریق بوجود آوردن رفتارهای جدید در مکانهای جدید تحقق می یابد». به نظر او انعطاف پذیری شعار دائمی در برنامه ریزی و روشی است در برخورد با عدم اطمینان و نامعلومی و ارضاء نسل های آینده. جهانی قابل انعطاف است که پذیرای رشد و توسعه باشد. در امر تناسب مسئله ی دیگری که حائز اهمیت است تطبیق پذیری است. رابطه ی متقابلی میان تطبیق پذیری و پیش بینی وجود دارد. چنانچه پیش بینی خوب باشد در این صورت تطبیق پذیری نسبتا جزئی است زیرا به مهارت فنی نسبتا ساده، برنامه ریزی برای استفاده ی کنونی و جانشین کردن آن در زمان معین با استفاده ی دیگر، خلاصه می شود زیرا به فول لینچ «ما همیشه در زمان حال زندگی می کنیم و به کار گرفتن روشهایی که نیازمند پیش آگاهی وسیع است، مشکل به نظر می رسد». بدین ترتیب او برای متعادلتر کردن تطبیق پذیری دو سنجه ی قابلیت دستکاری و برگشت پذیری را مطرح کرد. هر دوی این معیارها کلی، اجرایی و با اهمیت هستند و حفظ دو خصیصه را که طبق پیش بینی ارزشمند خواهند بود مد نظر قرار می دهند: توانایی جوابگویی و توانایی احیاء.

۴- دسترسی: توانایی دسترسی به سایر افراد، فعالیتهای، منابع، خدمات، اطلاعات و یا اماکن و نیز کمیت و تنوع عناصری که می توان به آنها دسترسی پیدا کرد. دسترسی به اطلاعات ممکن است کلید حاصله بر کیفیت محیط باشد. ریچارد مایر بر این اساس تئوری شهرها را ساخته و ملوین وبر اظهار می دارد که تغییر کنونی در وسائل ارتباطی مهمترین عامل تعیین کننده در شکل گیری جدید الگوهای شهری ما است. روشهای بی شماری برای اندازه گیری دسترسی وجود دارد که شامل: نقشه زمان - فاصله، نمودارهای اتصال، نقشه های بالقوه، نقاط زیر استاندارد دسترسی، «قلمرو خانه» و نقشه ی ذهنی قلمرو قابل دستیابی.

۵- نظارت و اختیار: یعنی اینکه استفاده و دسترسی به فضاها و فعالیتهای و ایجاد تعمیر، اصلاح و مدیریت آنها تا چه اندازه توسط کسانی که از آن استفاده می کنند و یادر آن زندگی می کنند، صورت می گیرد. به طور خلاصه سکونتگاه خوب، سکونتگاهی است که در آن نظارت بر مکان، مطمئن، مسئول و سازگار باشد چه برای استفاده کنندگان آن و چه برای ساختار مسائل مکان. از نظر ما اختیار و نظارت با موقعیت، قدرت و تسلط در ارتباطند، همانطوری که معنی دار بودن مکانها معمولا به قدرتهای سلطنتی و مذهبی وابسته بوده است. این امر نیز می تواند بر خلاف اهداف یک جامعه ی باز و جامعه ای که طرفدار حقوق مساوی است، باشد.

علاوه بر ۵ محور فوق لینچ همچنین دو فوق معیار را نیز مطرح می کند که شامل موارد ذیل هستند:

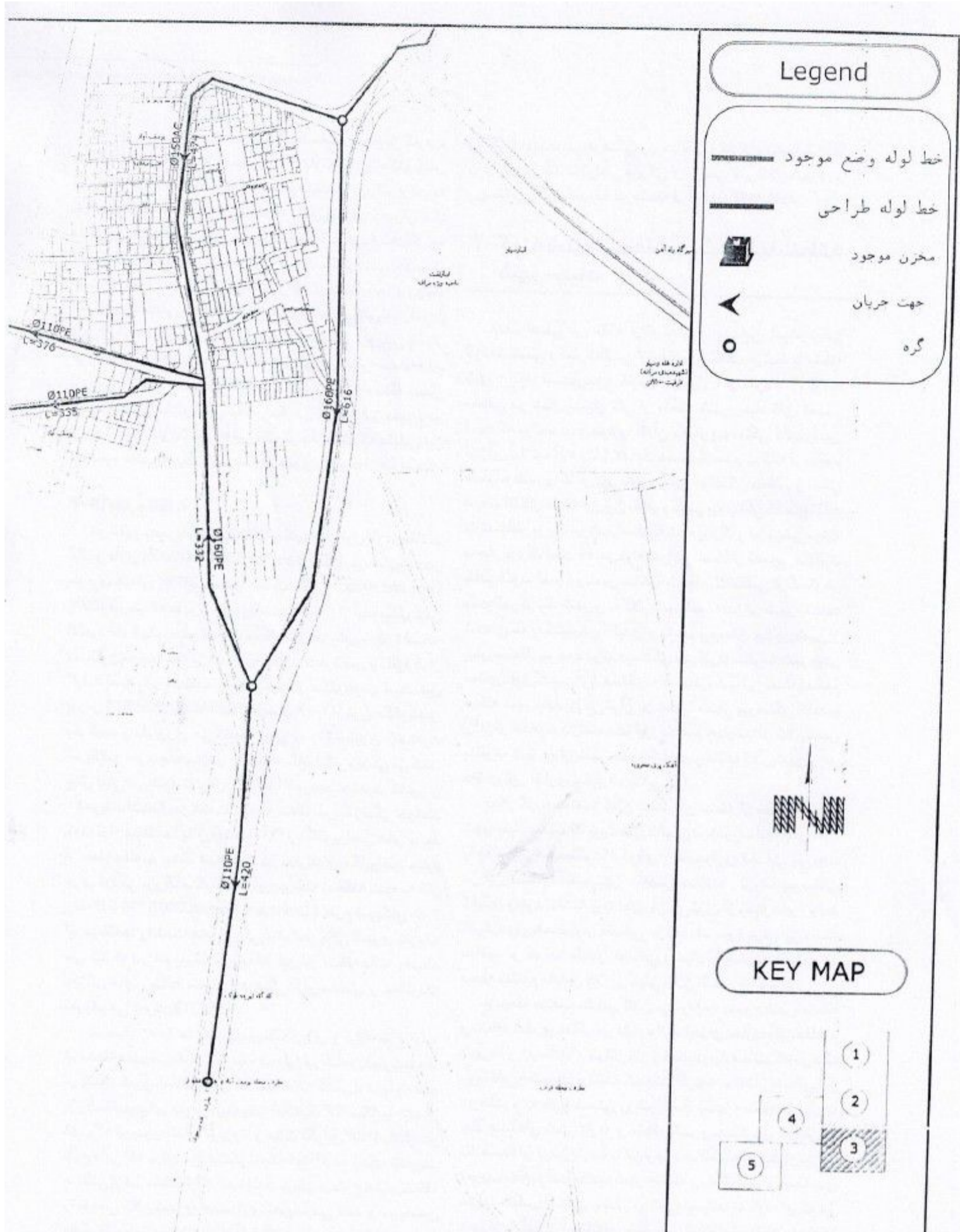
- ۱- کارایی: به مفهوم ایجاد و نگهداری شهر در هر سطح مورد نظر از محورهای محیطی فوق، بر اساس هر چیز با ارزش دیگر و ۲- عدالت: به معنی چگونگی توزیع سود و زیان محیطی بین افراد طبق اصول خاصی نظیر برابری، نیاز، ارزش ذاتی، قدرت پرداخت، تلاش، کمک بالقوه و یا قدرت.








شکل ۱-۲ شاخص‌ها اصلی کیفیت محیط از دیدگاه کوبن لینچ [۴۳]

بنابراین لینچ همانطور که در شکل ۱-۲ مشخص است معتقد است زمانی شهر مطلوب است که سرزنده باشد (پایدار، ایمن و هم‌آهنگ)، معنی‌دار باشد (قابل تشخیص، سامان‌یافته، سازگار، شفاف، خوانا، قابل درک و با اهمیت)، متناسب باشد (انطباق نزدیک شکل و رفتاری که باثبات، قابل دستکاری و برگشت‌پذیر باشد)، قابل دسترس باشد (متنوع، عادلانه و قابل اداره کردن در سطح محلی باشد) و به خوبی نظارت شده باشد (سازگار، مطمئن، جوابگو و به طور متناوب نرم و آزاد باشد). همه این‌ها باید با عادات و کارایی درونی حاصل شود [۴۲].

کیفیت فضای شهری به عنوان محصول فرایند تعامل میان انسان، فعالیت و کالبد شهر تا حد بالایی به کیفیت مولفه‌های بصری آن وابسته است. مولفه‌های بصری فضای شهری به دلیل ماهیت عینی و ملموس خود توسط حواس انسان قابل ادراک است و زمینه‌ادراک، شناخت و ارزیابی محیطی شهروندان را فراهم می‌آورد. دیوید کانتر مدلی را برای مولفه‌های سازنده کیفیت محیط مطرح کرد که به مدل مکان شهرت دارد. در این مدل کانتر عنوان می‌کند که محیط شهری به مثابه یک مکان متشکل از سه بعد در هم تنیده کالبد، فعالیت و تصورات است. از آن جا که کیفیت محیط شهری یک مکان فاگنریر از پاسخ دهی مناسب به ابعاد گوناگون محیط شهری است می‌توان مولفه‌های سازنده کیفیت محیط شهری را مولفه‌هایی به موازات مولفه‌های سازنده مکان تعریف نمود. به عبارت دیگر با

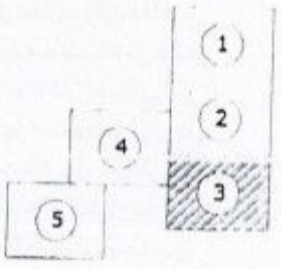



Legend

-  خط لوله وضع موجود
-  خط لوله طراحی
-  مخزن موجود
-  جهت جریان
-  گره



KEY MAP



توضیحات	مردم	تاریخ	رشته	مهندسان مشاور پارس پیاب پارس پیاب - تهران - خیابان ولیعصر - پلاک ۱۲۲ تلفن: ۰۲۱-۳۳۲۱۹۶۲ - ۰۲۱-۳۳۲۱۹۶۱ www.parspeyab.co.ir E-mail: info@parspeyab.co.ir	
بوسیله		۱۳۹۴	آب و فاضلاب		
		تصویب	طراح: م. احمدی ترسیم: م. سرشاری بررسی: م. وهابی		



جدول شماره (۲-۲۰) فهرست زمین‌لرزه‌های تاریخی و سده بیستم (رویدادهای مه‌لرزه‌ای) در گستره استان آذربایجان شرقی و پیرامون (با بزرگان $M > 5$)

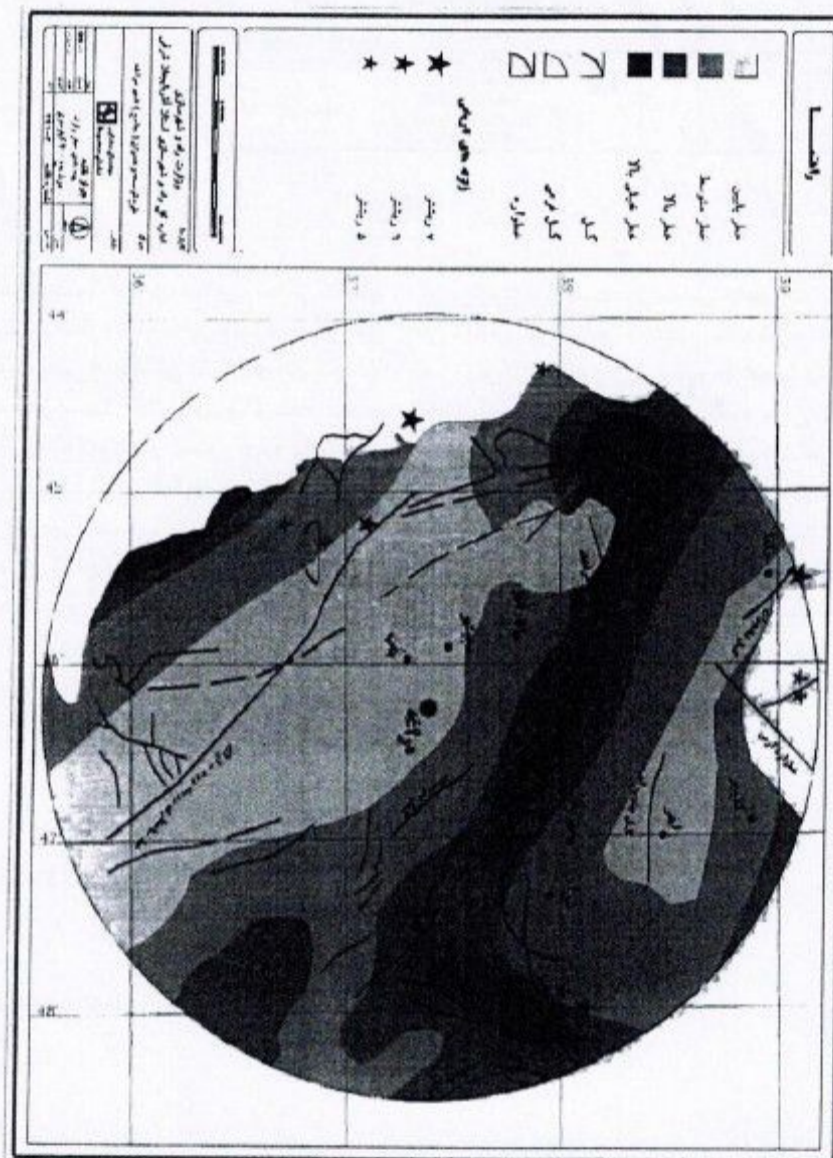
ردیف	شماره	تاریخ (هجری شمسی)			زمان (به وقت ایران)			مختصات و مرکز مه‌لرزه‌ای		زرزای کلونی (کیلومتر)	بزرگا		شماره اساس (کیلومتر)	بینه رودنگری	رتبه
		روز	ماه	سال	ساعت	دقیقه	ثانیه	عرض شمالی	طول خاوری		M _s	mb			
1	1			23				38°10'	46°30'			6.5		تهران	2/1
2	2	13	8	421	21			38°10'	46°30'			7.6		تهران	2/1
3	3	16	8	68	3			38°50'	45°50'			6.7	2C	تهران	2/1
4	4			971				37°30'	47°50'			6.1	18C	سراب	2/1
5	5	22	12	1096	9			38°10'	46°30'			5.9		تهران	2/1
6	6	6	2	1100	10			37°30'	46°70'			7.7		تهران	2/1
7	7	18	10	1158	3			38°20'	46°00'			7.7	7C	تهران	2/1
8	8		7	1168	21			38°30'	45°60'			6.3	23C	مرند	2/1
9	9	24	2	1228	22			37°40'	48°00'			6.9	49C	میانه	2/1
10	10	4	3	1240	19			39°30'	47°50'			6.0	26C		2/1
11	11	28	9	1241	8			39°30'	47°80'			6.1	28C		2/1
12	12	28	12	1246	20			39°40'	47°60'			6.0	26C		2/1
13	13	3	1	1258	7			37°30'	47°30'			6.7	38C	برفوش - گرم رود	2/1
14	14	13	4	1259				36°50'	47°50'			5.6	150	گروس - تخت سلیمان	2/1
15	15	13	2	1268	15			37°30'	47°20'			6.2	21C		2/1
16	16	20	11	1281	8	48		36°58'	47°68'			5.6	20C		1
17	17	19	10	1283	9	47		38°00'	46°00'			6.2	30C		1
18	18	4	5	1310	20	20		39°34'	45°97'			6.4	35C		1
19	19	3	12	1312	11	37		36°23'	45°04'			6.1	16C		1

به هر تقدیر رویداد زمین‌لرزه‌های تاریخی در استان آذربایجان شرقی و روند قرارگیری خطواره‌های ساختاری جنبی در منطقه نمایانگر پهنه‌های بسیار لرزه‌خیز است که هر لحظه احتمال وقوع زمین‌لرزه‌های ویرانگر در آن وجود دارد. برآوردهای انجام شده در خصوص دوره برگشت زلزله‌های مخرب و ویرانگر خاکی از دوره‌های 190 و 237 و 379 سال است. نظر به اینکه در 200 سال گذشته زلزله‌های شدید و مخرب رخ نداده‌اند، لذا امکان وقوع لرزه‌های شدید برای این نواحی محتمل است. البته زلزله‌های با شدت متوسط (5 Mb)، هر ساله و یا هر دو سال یکبار با پس‌لرزه‌های مکرر با فراوانی قابل توجه در منطقه رخ میدهند که نشانه‌دهنده عدم تعادل پوسته و فعال بودن پهنه‌های نکتونیکی در امتداد خطوط گسلی است.

با توجه به عدم رویداد زلزله‌های تاریخی و همچنین نبود شواهد لرزه‌خیزی مهم در جنوب شرقی چاله اورمیه و در فاصله نزدیک به شهر مراغه، در صورتیکه بتوان این کمی لرزه‌خیزی را به یک نبود لرزه‌های نسبت داد، نشان میدهد که این پهنه به عنوان یکی از مناطق مستعد جهت وقوع زلزله‌های مخرب و ویرانگر در آینده مطرح است، با توجه به ماهیت توپوگرافی و سیمای مورفولوژی منطقه برای شهر مراغه رعایت دقیق مقررات و ضوابط آیین‌نامه ۲۸۰۰ در خصوص استحکام سازی بناهای مسکونی و عمومی برای این شهر توصیه میشود.

شکل شماره ۲-۲۵ بیشینه شتاب افقی برآورد شده زمین با دوره برگشت‌های ۲۵ و ۷۵ ساله - نقشه را برای شهر مراغه نشان می‌دهد.

شکل (۲-۲۵) بیشینه شتاب افقی





زلزله

در مطالعات مانویل بربریان نیز که در آن زونبندی لرزه‌خیزی منطقه به پیروی از روند کلی واحدهای زمین ساختی ناحیه‌های با روند عمومی شمال غربی - جنوب شرقی صورت گرفته است، ناحیه یاد شده از نظر لرزه‌خیزی در ۳ ناحیه بدون خطر لرزه‌خیزی، ناحیه با لرزه‌خیزی کم و ناحیه با خطر لرزه‌خیزی متوسط جای می‌گیرد که براساس آن شهرستان مراغه در ناحیه بدون خطر (تا شدت ۵ درجه در مقیاس اصلاح شده مرکالی) واقع شده‌اند.

در این تقسیم‌بندی، ناحیه با خطر لرزه‌خیزی کم (تا شدت ۶ درجه در مقیاس اصلاح شده مرکالی) قسمت‌های شمال شهرستان مراغه و ناحیه با خطر لرزه‌خیزی متوسط منتهی‌الیه شمال شهرستان مراغه را تشکیل می‌دهد که تا شدت ۷ درجه در مقیاس اصلاح شده مرکالی را شامل می‌گردد.

علاوه بر آن مطالعات بربریان در خصوص حوزه مشاهدات و محاسبات شدت نسبی زمین‌لرزه از چهار قرن قبل از میلاد تا سال ۱۹۷۷ میلادی نشان می‌دهد که قسمت‌های جنوب شرق شهرستان مراغه در ناحیه‌های قرار گرفته‌اند که زمین لرزه در آن با ترک‌هایی در زمین همراه بود که فاقد آسیب بوده‌اند و یا اینکه اطلاعاتی از آن در دسترس نمیباشد.

قسمت‌های وسیعی از شمال شهرستان مراغه از جمله نواحی میتوان دانست که زمین لرزه از آن با ترک‌های بزرگی همراه بوده است.

در این محدوده سطح بسیار کوچکی در منتهی‌الیه شمال ناحیه که حد نهایی شمال شهرستان مراغه را شامل می‌گردد، در ناحیه‌های واقع شده که زمینلرزه‌ها در آن آسیب جزئی را در برداشته است.

۸-۲- بررسی وضعیت عمومی امنیت محلی برای هریک از گزینه‌ها

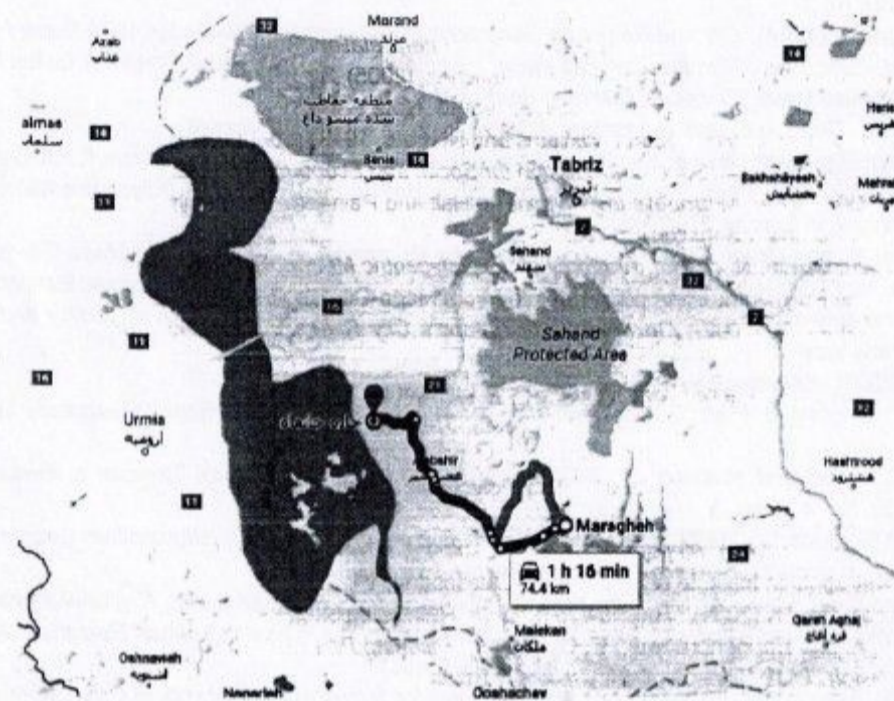
۸-۲-۱- فاصله تا مرزهای بین‌المللی و معابر دریایی

شهرستان مراغه با مساحت ۲۱۸۵/۶۵ کیلومترمربع در جنوب غربی استان آذربایجان شرقی، در کنار رودخانه صوفی‌چای، در مشرق دریاچه ارومیه و بر دامنه جنوبی کوه سه‌پند قرار گرفته و از شمال به شهرستان تبریز، از شرق به شهرستان هشترود، چارویماق و بستان‌آباد، از جنوب به شهرستان ملکان و صائین‌دژ میاندواب و از غرب به دریاچه ارومیه شهرستانهای عجب‌شیر و بناب محدود است.

این شهرستان در موقعیت ۳۷ درجه و ۴۵ دقیقه عرض شمالی و ۴۶ درجه و ۴۴ دقیقه طول شرقی واقع شده است. وجود ارتفاعات در شهرستان مراغه بافت شهر را به دو ناحیه کوهستانی و جلگه‌ای تبدیل ساخته به طوری که ارتفاعات از شمال شهر به جنوب و از شرق به غرب کم کم کاسته شده، تا به سواحل

دریاچه ارومیه و جلگه ملکان می‌رسد. از مهمترین کوه‌های مراغه می‌توان به کوه مندیل بسر و سرگونی در جنوب شرقی مراغه به ارتفاع ۲۶۲۰ متر و ۲۱۶۹ متر اشاره نمود. ارتفاعات سه‌پند در شمال، مندیل‌بسر و سرگونی در جنوب شرقی، قوزلجه در شمال غربی و قره‌قشون در جنوب غربی از ارتفاعات مهم اطراف این شهر هستند. موقعیت این منطقه نسبت به دریاچه ارومیه و دریای خزر و مرزهای شمالی و غربی در ادامه نشان داده شده است.

شکل (۲-۲۶) موقعیت شهر مراغه نسبت به دریاچه ارومیه



شکل (۲-۲۷) موقعیت شهر مراغه نسبت به دریای خزر



Subject _____

Date _____

Project _____

Date _____

پایان

P4PCO _____

Date _____